



پوهنتون سالم

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

## شبّهات مستشرقین حول قراءات قرآن کریم ورد آن

(رساله ماستری)

محصل: عبد الستار غزنوی

استاد رهنما: دکتور فصیح الله عبد الباقي

سال: ۱۴۰۲ هـ.ش - ۲۰۲۴ م



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

## شبّهات مستشرقین حول قراءات قرآن کریم ورد آن (رساله ماستری)

محصل: عبد الستار غزنوی

استاد رهنما: دکتور فصیح الله عبد الباقي

سال: ۱۴۰۲ هـ ش - ۲۰۲۴ م





# پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورد ماستری

## تصدیق نامه

محترم عبدالستار ولد عبدالمنان ID: SH-MST-97-475 محصل دور پنجم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: شبهات مستشرقین حول قراءات قرآن کریم و رد آن به روز شنبه تاریخ ۱۲۹/۱۲/۱۴۰۲ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۱۵ (نمره به عدد) حسناد و پنج (نمره به حروف) گردید. موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

| ردیف | نام استاد                     | عضویت                   | امضاء |
|------|-------------------------------|-------------------------|-------|
| ۱    | دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی | عضو هیات                |       |
| ۲    | استاد شکرالله مخلص            | عضو هیات                |       |
| ۳    | دکتور فصیح الله عبدالباقي     | استاد رهنما و رئیس جلسه |       |

معاون علمی

آمر بورد ماستری

## اهداء

این بحث علمی خود را که به نیت خدمت قرآن عظیم الشان تحریر نموده  
ام برای والدین گرامی ام که در تربیت جسمی و علمی ام راحت های خود را  
قربان نموده اند اهداء می نمایم، وهمچنان برای استادان محترم که به حیث پدر  
معنوی در تحقیق هدف هایم زحمت زیاد کشیده اند اهداء نموده، واز الله متعال  
سعادت و خوشی دارین را بر ایشان خواهانم .

## سپاس گذاری

اولا الله متعال را سپاس گذارم که در راه تحصیل علم شرعی هدایت و توفیق فرمود، و این بحث علمی که متعلق به قرآن کریم است برایم میسر کرد، و یک دوره تحصیلی علوم دینی را با اتمام رسانیدن رساله تحقیقی در موضوع "شبهات مستشرقین حول قراءات قرآن کریم ورد آن" به تمام رساندم.

با امتثال امر الله سبحانه و تعالی که فرموده است ﴿وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ﴾<sup>(۱)</sup> و با اتباع از ارشاد نبی کریم که فرموده "لَا يَشْكُرُ اللهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ"<sup>(۲)</sup>.

بعدا از وزارت محترم تحصیلات عالی امارت اسلامی افغانستان که زمینه تحصیلات عالی را در کشور تا دوره فوق تخصص ماستری مهیا ساخته اند تشکری می نمایم، و همچنان از ریاست پوهنتون سلام اعضای اداری و تمام کارمندان این اداره علمی که در راستای فراهم نمودن زمینه تحصیلی زحمات زیادی کشیده اند اظهار امتنان و سپاس گذاری می نمایم.

و در اخیر از جناب محترم دکتور فصیح الله عبد الباقي که به حیث استاد راهنما در تهیه این بحث عهده دار بودند، و از راهنمایی های سودمند شان در تهیه رساله خیلی مستفید شدم اظهار سپاس و امتنان از صمیم قلب می نمایم، و از تمام استادان محترم به صورت فردی و اجتماعی تشکری میکنم، و از استادان گرامی جناب استاد دکتور محمد اسماعیل لیبیب، و جناب شکر الله مخلص و اعضای هیأت مناقشه و عهده دار مجلس دفاع رساله ام شکر گذارم

با احترام

عبد الستار غزنوی

۱ - سورة النمل آية ۱۹.

۲ - سنن ابی داود، کتاب الأدب، باب فی شکر المعروف، رقم الحديث (۴۸۱۱)، صحیح الترمذی، أبواب البر والصلة عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، باب ما جاء فی الشکر لمن أحسن إليك (۱۹۵۴)، و امام محمد ناصر الدین ألبانی در کتاب صحیح الترمذی درجہ حدیث را صحیح گفته است.

## خلاصه بحث

موضوع بحث بنده که به عنوان شبهات مستشرقین حول قراءات قرآن کریم ورد آن است، اگر که الله سبحانه و تعالی در قرآن عظیم الشان آیت واضح الدلالة یاد کرده که او متکفل به حفظ کلام خود است (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ)<sup>(۱)</sup> یعنی همانا ما قرآن را نازل کردیم و قطعاً ما نگهبان آن هستیم<sup>(۲)</sup> نه تنها حفظ کلام خود را بلکه حتی جمع و بیان او را به عهده خود گرفته است (إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (۱۷) فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ)<sup>(۳)</sup> یعنی مسلماً جمع آوری و خواندن آن بر عهده ماست \* پس هرگاه (توسط جبریل علیه السلام) آن را بر تو خواندم خواندن او را پیروی کن \* سپس بیان کردنش بر عهده ماست<sup>(۴)</sup>، بعضی از کسانی که در قلب های شان مرض جا گرفته و درک کرده نمی توانند که چیزی را که الله سبحانه و تعالی حفظ و جمع و بیان او را در عهده خود گرفته باشد قطعاً محفوظ است، زیرا کوشش های فراوان کردند تا در آن نقص و خلل ایجاد کنند، و اگر نتوانستند حد اقل شک و شبهه در عقیده های مسلمانان داخل کنند، به همین سبب از الله متعال مدد خواسته این بحث را نوشتیم تا بعضی از شبهات آنها را جمع کرده ورد های قناعت بخش و دندان شکن بر آن وارد کنیم.

❖ و این تحقیق مشتمل به مقدمه و دو فصل است، که محتوای مقدمه به قرار ذیل است: اهمیت و ضرورت بحث، اهداف آن، پیشینه تاریخی بحث، سوالات موضوع، روش و پلان تحقیق.

اما فصل اول: مشتمل به مفردات عنوان بحث با ذکر نبذه مختصره از هر مفرده به قرار ذیل بر رسی میشود: تعریف شبهات، اهمیت کشف شبهات، بیان حکم آن، شبهات از کدام کسان واقع میشود، ذکر ضوابط بحث شبهات، تعریف مستشرقین،

۱ - سورة الحجر آية ۹.

۲ - تفسير أحسن الكلام، لحسين كنه داری (ص ۲۶۲).

۳ - سورة القيامة آية ۱۷-۱۹.

۴ - تفسير أحسن الكلام، لحسين كنه داری (ص ۵۷۷).

ذکر انگیزه های آنها، اهداف شان، آثار اعمال آن ها، با ذکر بعض از مستشرقین، تعریف قراءات، ذکر انواع قراءات که امروز در عالم اسلام خوانده میشود، با تعریف به امامان مشهورین قراءات بر رسی میشود.

و در فصل دوم: سبب اختلاف قراءات قرآن کریم در نظر مستشرقین که به شکل مختصر بچهار سبب منحصر شده:

- ۱- طبیعت خط عربی خاصه از ناحیت نقطه ها و حرکات (زیز- زبر- پیش)
  - ۲- اضافه کردن الفاظ و عبارات در نص قرآن کریم به قصد تفسیر و توضیح.
  - ۳- تغییر دادن نص قرآن کریم به قصد تنزیه الله تعالی او پیغمبرانش از آن چه که به مقام آن ها لائق نیست.
  - ۴- حریت و آزادی اشخاص به قراءت قرآن کریم به حسب آراء و خواهشات خود شان.
- و بعد از الله تعالی مدد خواسته به قدر توانائی، در رد این شبهات به شکل کافی و وافی کامل و شامل و واضح و قناعت بخش بر رسی میشود.
- و در خاتمه ذکر نتایج مهم بحث را با بیان پیشنهاد ها تحریر نموده و فهرس شامله را ثبت می نمایم.
- واژه های کلیدی:

شبهات - مستشرقین - قراءات

## فهرست موضوعات

| صفحه | موضوع                                          |
|------|------------------------------------------------|
| ا    | اهداء                                          |
| ب    | سپاس گذاری                                     |
| ج    | خلاصه بحث                                      |
| هـ   | فهرست موضوعات                                  |
| ۱    | مقدمه                                          |
| ۲    | اهمیت و ضرورت بحث                              |
| ۳    | اهداف بحث                                      |
| ۴    | پیشینه تاریخی بحث                              |
| ۴    | سوالات بحث                                     |
| ۵    | روش تحقیق                                      |
| ۶    | پلان تحقیق                                     |
| ۹    | فصل اول: تعریف مباحث مقدماتی و مفهوم شناسی بحث |
| ۱۰   | مبحث اول: شبهات                                |
| ۱۱   | مطلب اول: تعریف شبهه در لغت و اصطلاح.          |
| ۱۲   | مطلب دوم: اهمیت کشف شبهات و حکم آن.            |
| ۱۴   | مطلب سوم: کسانی که از آنها شبهه واقع میگردد.   |
| ۱۵   | مطلب چهارم: ضوابط بحث اینطور موضوعها.          |
| ۱۸   | مبحث دوم: استشراق                              |
| ۱۹   | مطلب اول: تعریف استشراق در لغت و اصطلاح.       |
| ۲۰   | مطلب دوم: انگیزه های مستشرقین.                 |
| ۲۲   | مطلب سوم: اهداف مستشرقین.                      |
| ۲۴   | مطلب چهارم: ذکر بعض مستشرقین و مؤلفات شان.     |
| ۲۷   | مطلب پنجم: آثار اعمال مستشرقین.                |

| صفحه | موضوع                                                                                                     |
|------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۲۹   | مبحث سوم: قراءات قرآن کریم. و در این مبحث چهار مطلب است:                                                  |
| ۳۰   | مطلب اول: تعریف قرآن کریم در لغت و اصطلاح.                                                                |
| ۳۱   | مطلب دوم: تعریف قراءات قرآن کریم.                                                                         |
| ۳۲   | مطلب سوم: بیان انواع قراءات که در وقت حاضر خوانده میشود.                                                  |
| ۳۳   | مطلب چهارم: تعریف مختصر به امامان قراءات قرآن کریم.                                                       |
| ۳۹   | فصل دوم: سبب اختلاف قراءات در نظر مستشرقین.                                                               |
| ۴۰   | مبحث اول: طبیعت خط عثمانی که قرآن کریم به آن خط نوشته شده.                                                |
| ۴۱   | مطلب اول: ذکر شبهات مستشرقین در این نقطه                                                                  |
| ۴۵   | مطلب دوم: رد شبهات آنها                                                                                   |
| ۵۶   | مبحث دوم: اضافه کردن الفاظ در قرآن کریم به قصد تفسیر و غیره                                               |
| ۵۷   | مطلب اول: ذکر شبهات مستشرقین در این نقطه                                                                  |
| ۵۹   | مطلب دوم: رد این شبهات                                                                                    |
| ۶۵   | مبحث سوم: اراده پاک و تنزیه الله تعالی و پیغمبران و صالحین از چیز های که به مقام و منزلت آن ها لایق نیست. |
| ۶۶   | مطلب اول: ذکر شبهات مستشرقین در این نقطه                                                                  |
| ۶۸   | مطلب دوم: رد این شبهات                                                                                    |
| ۷۱   | مبحث چهارم: آزادی افراد و اشخاص در قراءت قرآن کریم                                                        |
| ۷۲   | مطلب اول: ذکر شبهات مستشرقین در این نقطه                                                                  |
| ۷۴   | مطلب دوم: رد این شبهات                                                                                    |
| ۸۳   | خاتمه و مشتمل است به                                                                                      |
| ۸۳   | مهمترین نتایج                                                                                             |
| ۸۵   | پیشنهاها                                                                                                  |
| ۸۷   | فهرس آیات قرآن کریم                                                                                       |
| ۸۹   | فهرس أحادیث نبوی                                                                                          |
| ۹۰   | فهرس أعلام                                                                                                |
| ۹۲   | فهرس منابع تحقیق                                                                                          |

## مقدمه

حمد بی حد، و سپاس بی عدد، و ثناء لا یعد، بر خالق احد، و رازق صمد، از حالا تا ابد، و درود و سلام بلا نهایت بر حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم، و بر آل پاک او، و بر اصحاب سروران او، و بر تابعین او تا روز معاد، و بعد:

بدون شک که دشمنان اسلام نه تنها بقوت عسکری کوشش کردند تا دین مبین اسلام را از بین ببرند، بلکه در پهلوی قوت عسکری کوششهای علمی و ثقافی زیاد کردند، تا اهداف شوم خود را بر مسلمانان تحقیق نمایند.

که یکی از آن وسائل طعنه زدن به قرآن عظیم الشان از جهات مختلف و به وسایل مختلف بود، که از جمله ایراد شبهات در موضوع قراءات قرآن کریم بواسطه ای مستشرقین از چندین سالها قبل صورت گرفته بود، لکن خوشبختانه که علمای اسلام رحمة الله علیهم در همه اوقات شبهات آن ها را رد نموده و حق را برای مسلمانان آشکار نمودند.

و با وجود اینکه الله متعال حفظ و حمایت قرآن کریم را بدوش خود گرفته، و این مسأله را به بندگان خویش نمانده، باز هم دشمنان اسلام با بعضی از مسلمانان که علم کافی در این موضوع ندارند، شبهات متعدد، و به وسائل مختلف بخاطر تحقیق اهداف شوم خود وارد کردند.

و من به حکم اینکه من طالب علم قراءات قرآن کریم هستم، و بسیار جد و جهد کردم تا کتاب متخصص در این موضوع بیابم، مگر متأسفانه نیافتم.

زیرا خواستم در این میدان سهم بگیرم، و بقدر طاقت و قدرت خویش کوشش کنم، تا مشرف به خدمت قرآن کریم و دین مبین اسلام شوم، و شبهات مستشرقین را حول قراءات قرآن کریم جمع کرده وردهای قوی و با دلیل بر آن وارد کنم، تا اینکه سبب اشتباه و غلط فهمی نزد بعضی مسلمانان نگردد.

و در این تحقیق خود تعریف شبهات، و بیان اهمیت کشف و حکم آن، و همچنان تعریف استشراق و مستشرقین، و ذکر اهداف و وسائل شان و ذکر تعداد از مشهورین ایشان با تعداد بعضی از کتابها و مؤلفات که در این موضوع بشکل کلی و یا جزئی تحریر گردیده، و تعریف علم قراءات و بیان انواع آن را با ذکر شبهات متعلقه به علم قراءات وردهای سنگین و قوی با دلائل علمی و منطقی وارد کردم، به امید اینکه جمله شبهات مغرضین و دشمنان اسلام باطل و نابود گردد.

و در آخر بحث فشرده و خلاصه تحقیق خود را نوشته، و جمله فهارس علمی را بشکل مفصل ثبت نمودم، و از الله متعال خواهانم تا این عمل متواضع بنده را مورد قبول در گاه خود قرار داده و خاص به رضای خود قبول فرماید.

### ❖ اهمیت و ضرورت بحث

به همه استادان و دانشمندان معلوم است که امروز بفضل الله متعال علم قراءات قرآن کریم در سراسر جهان انتشار یافته است، و اینکه یک جمله از برادران افغان ما نیز در این میدان سهم گرفته و میگیرند، و اینکه دشمنان اسلام شبهات خود را به صدها وسائل مختلف در بین مسلمانان نشر میکنند، و میخواهند که مسلمانان را در شک و تردید واقع گردانند.

لذا بر هر مسلمان قادر و توانا لازم است تا در حدود قدرت خود با ایشان مبارزه نماید، و مکر و خبائثت آن هارا آشکار کرده حق را برای همه بیان و واضح نماید.

بناء خواستم تا در خدمت قرآن کریم و دفاع از دین مبین اسلام سهم بگیرم، و شبهات دشمنان اسلام را که در مورد قراءات قرآن کریم نشر نمودند جمع کرده وردهای قناعت بخش و پذیرفته بر آن وارد کنم، تا اینکه جوانان مسلمان در دام مکر و خبث دشمنان اسلام واقع نشوند، و تا اینکه عقیده مسلمانان در این مورد پاک و راسخ باقی ماند.

وقسم که به اکثر علماء و دانشمندان معلوم است، قرآن کریم مصدر اساسی دین مبین اسلام است، و ایجاد شک و شبهه در مورد آن دین اسلام را در دل های مردم ضعیف میسازد، و از بین میبرد، لذا بسیار مهم و جالب است تا در این موضوع بحث شود، تا پلانیهای شوم و کثیف دشمنان اسلام کشف شده، و پاسخهای قوی و منطقی و دندان شکن بر آن وارد گردد، و باطل شان محو و نابود گردیده، و حق برای همه واضح و آشکار گردد.

### ❖ اهداف بحث

صحت انجام دادن هر عمل مربوط بر داشتن اهداف واضح آن میباشد، و اهداف متعلق به شخص باحث میباشد، و یا به موضوع بحث، و هدف که متعلق بر باحث است همانا طلب رضای الله متعال و نیت درست است، و اهداف که متعلق و مربوط بر نوشتن بحث است قرار ذیل میباشد:

- هدف اساسی و عمده در این بحث جمع شبهات مستشرقین ورد آن است.
- بیان مختصر و فشرده راجع به قراءات و قرآن کریم.
- توضیح مفاهیم اساسی بحث از قبیل شبهه - مستشرقین - قراءات و غیره.
- ذکر معلومات مختصر راجع به مستشرقین و کوششهای شوم و پلید آن ها بخاطر از بین بردن دین مبین اسلام.
- ذکر جهود علماء اسلام در مورد رد این شبهات.
- اظهار عظمت و بزرگی قرآن عظیم الشان، که با وجود کوششهای بزرگ و مختلف از صد ها سال قبل دشمنان اسلام نتوانستند که یک شبهه را راجع به آن ثابت کنند.
- اظهار عظمت و بزرگی دین مبین اسلام، که با کوشش های بی پایان دشمنانش، برای خدشه وارد نمودن بر آن، از روز طلوع آفتاب رسالت تا امروز، به وسائل مختلف، او را بیشتر قوی و محکم و ثابت قدم گردانیده است.

## ❖ پیشینه تاریخی بحث

بدون شک که علمای اسلام رضی الله عنهم کوششهای زیادی کردند، و پاسخ های جالب و دندان شکن بر شبهات مختلف دشمنان اسلام تحریر نمودند، و من با جد و جهد زیاد، به زبان دری و پشتو و عربی کدام کتاب جامع و شامل و متخصص در این موضوع نیافتم، بلی همه در اثنای کتابهای خود به شکل جزئی این موضوع را طرح نموده اند.

لذا از الله تعالی مدد خواسته کوشش کردم تا شبهات مستشرقین ماکرین و حاقدین را که در این موضوع طرح گردیده جمع کنم، و پاسخ های دندان شکن را که علمای کرام تحریر نموده اند جمع نموده، و به حضور خوانندگان مسلمان تقدیم نمایم، به امید اینکه سبب نجات ایشان از دامهای مکر و حقد دشمنان اسلام گردد.

و از جمله اشخاص که در این موضوع به شکل جزئی در کتابهای خود مباحث متعلقه در موضوع این بحث نوشته اند:

- لطائف الإشارات لفنون القراءات للقسطلانی.
- القراءات فی نظر المستشرقین والملحدین لعبد الفتاح القاضی.
- تاریخ القرآن لعبد الصبور شاهین.
- الاستشراق والمستشرقون ما لهم وما علیهم لمصطفی السباعی.
- مزاعم المستشرقین حول القرآن الکریم لمحمد مهر علی.
- شبهات مزعومة حول القرآن الکریم وردها لمحمد صادق القمحاوی.

## ❖ سوالات بحث

سوال اصلی: مستشرقین در شان قراءات قرآن کریم چه شبهات وارد کرده اند و علمای کرام در جواب آنها چه نوشته اند؟

## سوال های فرعی:

- مستشرقین کدام کسانی هستند؟
- وظیفه مستشرق چیست؟
- آیا قراءات قرآن کریم بشکل قطعی ثابت است؟
- شبهه چه معنی دارد؟
- مستشرقین چرا شبهات را حول قراءات قرآن کریم وارد میکنند؟
- علمای اسلام در مقابل این شبهات چه کردند؟
- آیا هرکس میتواند جواب شبهات را بدهد؟
- مسئولیت علماء در شان شبهات چیست؟

## ❖ روش تحقیق

در این تحقیق از روش استقرائی و تحلیلی و نقدی استفاده شده، و جمع آوری معلومات متعلق ببحث از مصادر مختلف از قبیل کتابهای متخصص به شان مستشرقین، و همچنان کتاب های قراءات و توجیه قراءات و تفسیر و حدیث و فقه و علوم قرآن بقرار ذیل استفاده شده است:

- بررسی موضوع با تعریف مفردات آن از حیث لغت و اصطلاح به صورت مختصر.
- نقل شبهات مستشرقین به قرار که در کتابهای شان ذکر شده است، با ذکر دلائل کج و پیچیده آن ها.
- ذکر اقوال علمای اسلام در رد و محو کردن آن شبهه با دلائل شان.
- نسبت هر قول به قائل آن با تعریف مختصر از او.
- ذکر مصادر و مراجع با تعیین جلد و صفحه .
- نقل آیات قرآن کریم با ذکر ترجمه آن از کتابهای تفسیر.
- نقل احادیث با ذکر مصادر و ترجمه آنها و ثبت اقوال علماء در درجه صحت آن.
- استفاده مکرر از مصادر که متعلق به موضوع بحث میباشد.

- اعلام که در پایان نامه معرفی گردیده اند تمام آنها در فهرست بر حسب صفحات ذکر میگردند.
- در آخر بحث فهارس آیات قرآنی و احادیث نبوی و اعلام و منابع تحقیق ذکر می شود.

### ❖ پلان تحقیق

موضوع شبهات مستشرقین ورد آن بر یک مقدمه و دو فصل و خاتمه و فهرست ها بقرار ذیل ترتیب شده است:

#### ● مقدمه: متضمن است:

- اهمیت و ضرورت بحث
- اهداف بحث
- پیشینه تاریخی بحث
- سوالات بحث
- روش تحقیق
- پلان تحقیق

#### ● فصل اول: تعریف مباحث مقدماتی و مفهوم شناسی بحث: و در این فصل سه مبحث قرار ذیل است:

- مبحث اول: شبهات. و در این مبحث چهار مطلب است:
  - مطلب اول: تعریف شبهه در لغت و اصطلاح.
  - مطلب دوم: اهمیت کشف شبهات و حکم آن.
  - مطلب سوم: کسانی که از آنها شبهه واقع میگردد.
  - مطلب چهارم: ضوابط بحث اینطور شبهات.

- مبحث دوم: استشراق و در این مبحث سه مطلب است:
  - مطلب اول: تعریف استشراق در لغت و اصطلاح.
  - مطلب دوم: انگیزه های مستشرقین.
  - مطلب سوم: اهداف مستشرقین.
  - مطلب چهارم: ذکر بعض مستشرقین و مؤلفات شان.
  - مطلب پنجم: آثار اعمال مستشرقین.
- مبحث سوم: قراءات قرآن کریم. و در این مبحث چهار مطلب است:
  - مطلب اول: تعریف قرآن کریم در لغت و اصطلاح.
  - مطلب دوم: تعریف قراءات قرآن کریم.
  - مطلب سوم: بیان انواع قراءات که در وقت حاضر خوانده میشود.
  - مطلب چهارم: تعریف مختصر به امامان قراءات قرآن کریم.
- فصل دوم: سبب اختلاف قراءات در نظر مستشرقین. و در این فصل چهار مبحث است:
  - مبحث اول: طبیعت خط عثمانی که قرآن کریم به آن خط نوشته شده. و در این مبحث دو مطلب است:
    - مطلب اول: ذکر شبهات مستشرقین در این نقطه.
    - مطلب دوم: رد شبهات آنها.
  - مبحث دوم: اضافه کردن الفاظ در قرآن کریم به قصد تفسیر و غیره و در این مبحث دو مطلب است:
    - مطلب اول: ذکر شبهات مستشرقین در این نقطه.
    - مطلب دوم: رد این شبهات.
  - مبحث سوم: اراده پاکی و تنزیه الله تعالی و پیغمبران و صالحین از چیز های که به مقام و منزلت آن ها لایق نیست. و در این مبحث دو مطلب است:
    - مطلب اول: ذکر شبهات مستشرقین در این نقطه.
    - مطلب دوم: رد این شبهات.

■ مبحث چهارم: آزادی افراد و اشخاص در قراءة نص قرآن کریم و در

این مبحث دو مطلب است:

○ مطلب اول: ذکر شبهات مستشرقین در این نقطه.

○ مطلب دوم: رد این شبهات.

● خاتمه و مشتمل است به مهمترین نتایج و پیشنهادات.

● فهرس بحث: و قرار ذیل است:

- فهرس آیات قرآن کریم.

- فهرس أحادیث نبوی.

- فهرس أعلام.

- فهرس منابع تحقیق.





### فصل اول: تعریف مباحث مقدماتی و مفهوم شناسی بحث

و در این فصل سه مبحث قرار ذیل است:

- مبحث اول: شبهات.
- مبحث دوم: استشراق.
- مبحث سوم: قراءات قرآن کریم.





### مبحث اول: شبهات.

و در این مبحث چهار مطلب است:

- مطلب اول: تعریف شبهه در لغت و اصطلاح.
- مطلب دوم: اهمیت کشف شبهات و حکم آن.
- مطلب سوم: کسانی که از آنها شبهه واقع می‌گردد.
- مطلب چهارم: ضوابط بحث اینطور شبهات.



## مبحث اول: شبهات

### مطلب اول: تعریف شبهه در لغت و اصطلاح.

#### أ. تعریف شبهات در لغت:

شبهات: جمع شبهه، و شین و باء و هاء یک أصل است، دلالت میکند به اینکه چیزی با هم متشابه و هم رنگ و هم شکل باشد<sup>(۱)</sup>.

و شبه این است که یک چیزی از چیزی دیگر در ظاهر مختلف نباشد<sup>(۲)</sup>.  
الله تعالی فرموده: {وَأَن تَوَاسَّوْا بِهِ مُتَشَابِهًا} <sup>(۳)</sup> یعنی: یک با دیگر هم رنگ اند، با اینکه حقیقت و مزه فرق بزرگ دارد<sup>(۴)</sup>.

وفقهاء رحمة الله علیهم فرموده اند: که متشابه آن است که ظاهر او بمراد او دلالت نکند<sup>(۵)</sup>. الله تعالی فرموده: {وَأَخْرُ مُتَشَابِهَاتٍ} <sup>(۶)</sup>.

و متشابه از قرآن کریم آن است: که در تفسیر آن اشکال وجود داشته باشد بخاطر اینکه با آیات دیگر تشابه داشته باشد در لفظ و یا در معنی<sup>(۷)</sup>.

#### ب. تعریف شبهه در اصطلاح:

ابن القیم<sup>(۸)</sup> رحمة الله علیه در کتاب مدارج السالکین تعریف شبهه را چنین کرده است که عبارت از: التباس و اختلاط حق با باطل به گونه که یک از دیگر فرق نشود، و از آن تردد و شک حاصل شود<sup>(۹)</sup>.

۱ - مقابیس اللغة، لابن فارس (۲۴۳/۳)، لسان العرب، لابن منظور (۵۰۳/۱۳).

۲ - المفردات، للراغب الأصفهانی (۲۵۴)، تهذیب اللغة، للهروی (۵۸/۶-۵۹).

۳ - سورة البقرة آية ۲۵.

۴ - تفسیر کابلی، محمود حسن دیوبندی (۲۲/۱).

۵ - المفردات، للراغب الأصفهانی (۲۵۴).

۶ - سورة آل عمران آية ۷.

۷ - المفردات، للراغب الأصفهانی (۲۵۴).

۸ - او أبو عید الله شمس الدین محمد بن أبی بن بکر بن أبوب بن سعد الزرعی الدمشقی الحنبلی مشهور به ابن قیم الجوزیه، در سال ۶۹۱ هـ ق تولد شده، تألیف زیاد و نافع نوشته، از جمله: زاد المعاد و إعلام الموقعین و مفتاح دار السعادة و غیره. ابن رجب رحمة الله علیه می فرماید: من در زندگی خود از ابن قیم عالم تر ندیدم و در تقوی و پرهیزگاری همچنان. امام ابن کثیر رحمة الله علیه می فرماید که: در وقت و زمان او در عالم در طاعت و عبادت مثل نداشت. در سال ۷۵۱ هـ ق وفات نمود. ذیل طبقات الحنابلة، لابن رجب (۴۴۷/۲)، ذیل العبر، للذهبی (۲۸۲/۵)، المقصد الارشد، لابن مفلح (۳۸۴/۲).

۹ - مدارج السالکین، لابن قیم (۵۰۸/۳).

رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث نعمان بن بشیر رضی الله عنهما فرموده اند: "الحلال بین والحرام بین و بینهما شبهات" أو "مشتبهات"<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: حلال واضح و آشکار و حرام واضح و آشکار است، و بین حلال و حرام امور شبهه ناکی است<sup>(۲)</sup>.

امام المناوی<sup>(۳)</sup> رحمه الله در بیان تعریف اصطلاحی شبهه چنین فرموده که: "هم رنگی باطل با حق از بعض جهات و قتیکه بحث و تحقیق شود حق آشکار و واضح می شود"<sup>(۴)</sup>.

و شبهه به این مسمی نام گذاری شده بخاطر اینکه اصحاب شبهه گمان می کنند که این شبهه شان دلیل علمی است زیرا با حق متشابه است با اینکه حقیقت خلاف آن است<sup>(۵)</sup>.

و بعضی از مستشرقین و دشمنان اسلام و یا تابعین آنها با مکر و حیل قصد حق را با باطل می آمیزند و از همین راه می خواهند که اهداف شوم خود را تحقق بخشند.

## مطلب دوم: اهمیت کشف شبهات و حکم آن.

### اهمیت کشف شبهات:

بدون شک که کشف شبهات و وضاحت دادن آن یک اصل از اصول دین است چرا که الله تعالی در قرآن کریم شبهات مشرکین را محو و باطل کرده و حق را به مردم روشن و آشکار کرده است.

۱ - صحیح البخاری، کتاب الإیمان (۲۰/۱)، صحیح مسلم، کتاب المساقاة (۵۰/۵).

۲ - رحمة الباری ترجمة صحیح البخاری، لعبد الرحیم فیروز (۳۷/۱).

۳ - او عبد الرؤوف بن تاج العارفین بن علی بن زین العابدین الحدادی المناوی الشافعی است، در سال ۹۵۲ هـ.ق تولد شده. از علمای متقن و متقن است، بیشتر از صد کتاب نوشته از مصنفات او: فیض القدير و كنوز الحقائق و غیره است. در سال ۱۰۳۱ هـ.ق وفات یافت. خلاصة الأثر، لمحمد أمين المحبی (۱۹۳/۲)، البدر الطالع، للشوکانی (۳۵۷/۱).

۴ - التوقيف على مهمات التعاريف، للمناوی (۴۲۲/۱).

۵ - لسان العرب، لابن منظور (۵۰۴/۱۳).

ورد کردن بر علیه اهل بدعت و باطل و دفاع کردن از دین مبین اسلام یک نوع از انواع جهاد است، والله تعالی رد کردن بر علیه کفار را در عهد مکی جهاد نامیده فرموده {فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا} (۱) ترجمه: پس ای پیامبر از کافران اطاعت مکن، و بوسیله قرآن با آن ها جهاد بزرگی بنما (۲).

ابن القيم رحمه الله فرموده اند که جهاد شیطان دو مرتبه است: یکی: جهاد کردن به او در دفع شبهات و شکوک. و دوم: در دفع ارادهای فاسد و شهوات است. وبعد از جهاد اول انسان به مرحله یقین میرسد و بعد از جهاد دوم انسان به مرحله صبر بخاطر الله تعالی میرسد. الله تعالی فرموده: {وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَمَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ} (۳) ترجمه: و از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت می کردند، چون شکیبایی ورزیدند، و به آیات ما یقین داشتند (۴).

و در این آیت مبارکه الله تعالی روشن میکند که امامت در دین نایل میشود به دو چیز که عبارت از صبر و یقین است. پس به صبر شهوات و ارادهای فاسده دفع میشود. و به یقین شک و شبهه دفع میشود (۵).

### حکم کشف شبهات (۶):

یقینا که محو کردن و از بین بردن شبهات که دشمنان اسلام وارد میکنند فرض از فرضهای کفایت است. حتما در امت باید کسانی باشند که این امر بزرگ و مهم را در عهده بگیرند، و اگر نه همه گنه گار میشوند. والله تعالی رد کردن بر علیه کفار و بیان کردن باطل و شبهات آنها را در عهد مکی جهاد نامیده فرموده

۱ - سورة الفرقان آية ۵۲.

۲ - تفسیر أحسن الکلام، لحسین گله داری (۳۶۴).

۳ - سورة السجدة آية ۲۴.

۴ - تفسیر أحسن الکلام، لحسین گله داری (۴۱۷).

۵ - زاد المعاد، لابن القيم (۱۰/۳)، درء تعارض العقل والنقل، لابن تیمیة (۲۰۶/۴).

۶ - الکافیة فی الجدل، للجوینی (ص ۲۳-۲۴)، مدارج السالکین، لابن القيم (۳۷۲/۱).

است: {فَلَا تُطِيعُوا الْكَافِرِينَ وَجَاهِدُوهُمْ فِي جِهَادٍ كَبِيرٍ} (۱). و همچنان امر کرده تا آنها به حکمت و نرمی دعوت شوند، و به بهترین طریقه با ایشان مجادله شود، تا حق ظاهر شود و باطل محو و زایل گردد، الله تعالی فرموده: {ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ} (۲). ترجمه: با حکمت و پند نیکو مردم را به راه پروردگارت دعوت نما، و با روشی که نیکوتر است، با آنها بحث و مناظره کن (۳).

### مطلب سوم: کسانی که از آنها شبهه واقع می‌گردد.

شبهه آوردن چیزی نو در شریعت است و این چیزی نو به سه سبب واقع می‌گردد: یا بسبب جهل به ادوات فهم و مقاصد شریعت، و یا بسبب تقدیم کردن عقل بر نقل، و یا بسبب متابعت هوی در طلب حق.

و حصر مسأله در این سه سبب به حسب استقراء نصوص قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت میشود.

با ملاحظه اینکه این سه سبب گاهی یک جا می‌باشد و گاهی تنها تنها.

و این شبهات به دو قسم است:

قسم اول: آن شبهات که بسبب واضح نبودن مسأله نزد صاحب شبهه واقع می‌گردد. و در این قسم بعض از طالبان حق نیز واقع می‌گردند، قسم که در حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده: "وبينهما مشتبهات لا يعلمهن كثير من الناس" (۴) ترجمه: و در بین حلال و حرام امور شبهه ناکی است که بسیاری از مردم آنها را نمی‌دانند (۵).

۱ - سورة الفرقان آية ۵۲. و این آیت قبلا در صفحه سابق ترجمه شده است.

۲ - سورة النحل آية ۱۲۵.

۳ - تفسير أحسن الكلام، لحسين كنه داری (۲۸۱).

۴ - صحيح البخاری، كتاب الإيمان (۲۰/۱)، صحيح مسلم، كتاب المساقاة (۵۰/۵).

۵ - رحمة الباری ترجمة صحيح البخاری، لعبد الرحيم فيروز (۳۷/۱).

واز این فهمیده میشود که بعض از مردم این مسائل را میدانند که آنها علمای راسخین هستند، و بسیاری از مردم این مسائل را نمیدانند، که در بین ایشان بعضی از علماء نیز داخل میشوند.

قسم دوم: شبهات که بسبب متابعت هوی و بدعت و خواهشات نفسانی واقع میشود، بطور مثال بعض از مردم اعتراض میکنند به فیصله های علمای کرام، و سبب این است که این فیصله ها با طبع آنان برابر نیست، و یا به مزاج آنان برابر نمیباشد، و این مسلک گمراهان و اهل باطل هست.

و هدف و مقصد از بیان کردن این مسأله آن است، که کسی گمان نکند که هر کس که از او کدام شبهه را مطرح نمود او گمراه است، بلکه بعض از مسلمانان واقعی نیز در شبهات واقع میگردند، بسبب واضح نبودن مسأله نزد ایشان، چون که در بین مسلمان و حق طلبی کدام فاصله و دشمنی نیست.

واز علامه های صاحب هوی و مقاصد شخصی اینست، که حتی بعد از ظاهر شدن حق و دلائل کافی آن حکم را نمی پذیرد<sup>(۱)</sup>.

### مطلب چهارم: ضوابط بحث اینطور شبهات.

علمای کرام برای چنین مسائل ضوابط وضع نموده اند، چرا که شبهات در دین مانند مرض و وباء است، زیرا جایز نیست که در بین مردم نشر شود، تا مردم در این آفات و امراض مبتلی نگردند، و از جمله این ضوابط:

■ فقط در شبهاتی بحث شود که در بین مردم منتشر است، تا معالجه شده

و مردم از نتایج شوم آن در امان گردند، زیرا که طرح شبهاتی که در

بین مردم وجود ندارد سبب ایجاد جنجال و مشکلات و فتنه ها در بین

ایشان میگردد، بدون کدام نتیجه و فایده<sup>(۲)</sup>.

۱ - الاعتصام، للشاطبی (۸۰۴/۲)

۲ - جامع العلوم والحکم فی شرح خمسين حديثا من جوامع الكلم، زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السلامی (ت: ۷۹۵هـ)، تحقيق: شعيب الأرنؤوط - إبراهيم باجس، مؤسسة الرسالة - بيروت، عدد الأجزاء: ۲ (فی مجلد واحد)، ط ۷، ۱۴۲۲هـ - ۲۰۰۱م (۲۴۵/۱ - ۲۴۶).

■ باید شرح شبهه و دلایل آن بسیار به توسع بیان نگردد، تا اینکه قلب های بعض از مردم در آن معلق نشود خاصه اگر رد شبهه ضعیف باشد و دلایل قوی و دندان شکن در رد آن وارد نگردد. امام ثوری<sup>(۱)</sup> میفرماید "کسی که کدام بدعتی را شنید آنرا در بین یاران خود یاد نکند، تا در قلب های ایشان جا نگیرد"<sup>(۲)</sup>. و امام ذهبی<sup>(۳)</sup> رحمة الله علیه میفرماید: "اکثر علمای سلف به همین تحذیر هستند و می بینند که قلب ها ضعیف و شبهات به زودی در قلب ها جا میگیرد"<sup>(۴)</sup>.

■ باید شبهه یاد نشود مگر با رد او، و به همین سبب بعض از علمای تفسیر امام رازی رحمة الله علیه را انتقاد می کنند که شبهه را آورده در رد آن تأخیر میکند<sup>(۵)</sup>.

■ در وقت که کدام بدعت در بین مردم انتشار پیدا میکند و اصحاب این شبهات به آیات و احادیث استدلال میکنند، باید علماء کرام این شبهات را رد کنند به دلایل آشکار و واضح از قرآن کریم و احادیث پیغمبر صلی الله علیه وسلم، و در دلایل عقلی بسیار بحث نکنند، چرا که وظیفه علماء کرام بیان قرآن کریم و سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم، و باطل کردن شبهات است، و همچنان نشر کردن تعظیم قرآن کریم و سنت معطره و مطهره آن حضرت صلی الله علیه وسلم را در بین

۱ - او أبو عبد الله سفیان بن سعید بن مسروق الثوری الکوفی است. در سال ۹۷ هـ.ق تولد شده، یکی از علمای عاملین اسلام است. سفیان بن عیینة می فرماید: عالم تر به حلال و حرام از او ندیدم. و ابن المبارک می فرماید: در روی زمین عالم تر از سفیان نمیدانم. در سال ۱۶۱ هـ.ق در شهر بصره چشم از دنیا دوخت. طبقات الفقهاء، للشیرازی (۸۴-۸۵)، طبقات الحفاظ، للسيوطی (۹۵-۹۶)، سیر أعلام النبلاء، للذهبی (۲۲۹/۷-۲۷۹).

۲ - حلیة الأولیاء، لأبی نعیم (۳۴/۷).

۳ - او أبو عبد الله شمس الدین: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی الشافعی است، اصل او ترکمانی میباشد. امام، حافظ، مؤرخ، محقق، محدث. در سال ۶۷۳ هـ.ق در شهر دمشق تولد شده. مؤلفات زیاد دارد که از جمله: سیر أعلام النبلاء، تذکرة الحفاظ، تاریخ الإسلام، و غیره. در سال ۷۴۸ هـ.ق وفات یافت. طبقات الشافعية الكبرى، لتاج الدین السبکی (۱۰۰/۹)، النجوم الزاهرة، لابن تغری بردی (۱۸۲/۱)، شذرات الذهب، لابن العماد (۱۵۳/۶-۱۵۷)، طبقات الحفاظ، للسيوطی (۵۱۷).

۴ - جامع العلوم والحکم، لابن رجب (۲۴۵/۱-۲۴۶).

۵ - لسان المیزان، لابن حجر (۴۲۷/۴).

مردم، و بر حذر کردن آنها از صحبت کردن در مسائل دینی به عقل و فلسفه است<sup>(۱)</sup>.

- رهنمای کردن مردم به دوری از اهل بدعه و شبهه، تا سبب حمایت و نگهداری مردم از آن گردد، و همچنان تا صاحب شبهه احساس وحشت و تنهایی کرده، و از آن شبهه و بدعه خود بر گردد<sup>(۲)</sup>.
- داخل نشدن در مناظره علنی با صاحبان بدعه و شبهه تا حد امکان، چرا که مناظره به صاحب شبهه چانس میدهد تا شبهه خود را در قلب های ضعیف مردم عوام جانشین کند<sup>(۳)</sup>.



۱ - الصواعق المرسلة، لابن القيم (۸۸۲/۳)، طریق الوصول إلى العلم المأمول، لعبد الرحمن السعدی (۶۹، ۱۰۴).

۲ - الشريعة، للأجری (۴۵۲/۱)، الإبانة الكبرى، لابن بطة (۴۳۸/۲).

۳ - الإبانة الكبرى، لابن بطة (۴۷۰/۲)، بیان تلخیص الجهمیة، لابن تیمیة (۵۱۰/۳).



### مبحث دوم: استشراق.

و در این مبحث سه مطلب است:

- مطلب اول: تعریف استشراق در لغت و اصطلاح.
- مطلب دوم: انگیزه های مستشرقین.
- مطلب سوم: اهداف مستشرقین.
- مطلب چهارم: ذکر بعض مستشرقین و مؤلفات شان.
- مطلب پنجم: آثار أعمال مستشرقین.



## مبحث دوم: استشراق

### مطلب اول: تعریف استشراق در لغت و اصطلاح.

#### استشراق در لغت:

کلمه استشراق گرفته شده از (شرق) در لغت عربی گفته میشود که شرقت الشمس یعنی آفتاب بر آمد<sup>(۱)</sup>.

وشرق یشرق شروقا گفته میشود به هر چیزی که از طرف مشرق بر آید<sup>(۲)</sup>.

#### استشراق در اصطلاح:

اتجاه فکری است که محور اهتمامش بحث در علوم اسلامی است، برابر است که در علوم عقیده و یا شریعت و یا تاریخ و غیره از مجالات دیگر باشد، و مشتمل است به همه دراسات که از علمای غرب در این موضوع صادر شده و یا میشود<sup>(۳)</sup>.

و گفته میشود که مقصود از استشراق آن اتجاه فکری است که دراسات مختلف از شرق عالم اسلامی تحریر نموده اند، که مشتمل به حضاره و ادیان و لغات و ثقافات ایشان میباشد<sup>(۴)</sup>.

و علمای کرام تعریف های مختلف به استشراق نوشته اند، لکن مختصر و فشرده آن دلالت میکند، به اینکه استشراق آن اتجاه فکری است که محور اهتمام آنها دراسات علوم اسلامی به همه انواع آن است.

و مستشرق به عالمی گفته میشود که در علوم مختلف عالم اسلامی متمکن باشد<sup>(۵)</sup>.

۱ - مختار الصحاح، لمحمد الرازی (۱/۱۶۴).

۲ - کتاب العین، للفراهیدی (۳۸/۵)، لسان العرب، لابن منظور (۱۷۳/۱۰).

۳ - الأثر الاستشراقی فی موقف محمد أکون من القرآن الکریم (ص ۲).

۴ - الموسوعة المیسرة فی الأديان والمذاهب والأحزاب المعاصرة (۲/۶۸۷).

۵ - فلسفة الاستشراق وأثرها فی الأدب العربی، لأحمد سمایلوفتش (ص ۳۷).

## مطلب دوم: انگیزه های مستشرقین

میتوانیم که انگیزه های مستشرقین را بشکل مختصر در چهار قسم منحصر کنیم، که قسم اول انگیزه های دینی، و قسم دوم انگیزه های استعماری، و قسم سوم انگیزه های علمی، و قسم چهارم انگیزه های اقتصادی.

**اولا: انگیزه های دینی:** بدون شک که این مسأله مهمترین انگیزه های مستشرقین است بخاطر چند سبب<sup>(۱)</sup>:

- اول اینکه استشراق زیر دست علمای یهود و نصاری نشأت یافته.
- دوم یکی از اهداف اساسی آنها مشوه ساختن اسلام و طعنه زدن در اساسیات آن است.
- سوم نقص و فراغ روحی که در اروپا در عصر حاضر منتشر گردیده.
- چهارم وجود روح انتقام نزد علمای غرب، خاصة بعد از جنگهای صلیبی ها و فتوحات عثمانی ها.

زیرا انگیزه های دینی، مهمترین انگیزه ها نزد مستشرقین است، چرا که نصاری و خاصة علمای دینی شان، وقت که دیدند که اسلام در اغلب مناطق که زیر دست ایشان بود منتشر می گردد، تصمیم گرفتند تا در مقابل دین مبین اسلام بوسائل مختلف مبارزه کرده و در محو کردنش جد و جهد بی حد و بی اندازه انجام دهند<sup>(۲)</sup>.

**دوم: انگیزه های استعماری:** جنگهای صلیبی و شکست بی مانند آنها در عالم اسلام، اگر که ظاهر آن جنگهای دینی بود، لکن در حقیقت جنگهای استعماری نیز بود، و غربی ها در طول تاریخ از اشغال کردن عالم اسلام نا امید نشدند، پس علمای خود را مکلف ساختند تا عالم اسلام را از همه نواحی مطالعه کنند، و نقاط ضعف و قوت ایشان را واضح کنند، تا بتوانند بسهولت عالم اسلام را در قبضه خود آورده اشغال کنند<sup>(۳)</sup>.

۱ - الاستشراق دوافعه وأهدافه، لخلیل أبو جهاد (ص: ۴۶).

۲ - المسار الفکری للاستشراق ترجمة مازن مطبقانی (۵۶۶-۶۰۰).

۳ - الاستشراق والمستشرقون مالهم وما علیهم، لمصطفی السباعی (ص ۱۷)، نشأة الاستشراق مراحلہ ودوافع المستشرقین، لأحمد الحصین (ص ۱۳۸).

**سوم: انگیزه های علمی:** در عصر که اروپا در جهل و تاریکی غرق بودند، عالم اسلام در نعمت و روشنی علم روزهای لا مثیل را بسر میبردند، و مکاتب و مدارس و پوهنتون ها در تمام طرف های عالم اسلام منتشر بود<sup>(۱)</sup>.

و بعضی از غربی ها در وطن اسلام آمده، و از مصادر صاف و زیبای شان علم و دانش آموخته، و آن را در وطن های خود نقل می دادند. زیرا علم و دانش که در عالم اسلام در آن وقت وجود داشت، یکی از انگیزه های قوی به غربی ها بود، تا از مسلمانها در میادین مختلف علم و دانش آموخته، و آن را به وطن های خویش برسانند. و در این هدف خود کامیاب شدند، ولی متأسفانه که علم مسلمانها را آموختند، و آن را بضد شان در اشغال عالم اسلامی، و از بین بردن عقائد پاک آنها استعمال کردند.

و همچنان بحث از عقیده درست و دین صحیح یکی از انگیزه های بعضی شان بود، زیرا بحث های بعضی از ایشان سبب هدایت و مشرف شدن شان به دین مبین اسلام شد<sup>(۲)</sup>.

**چهارم: انگیزه های اقتصادی:** در حقیقت که پیش برد وضع اقتصادی اروپا یکی از اسباب مهم بود، که سبب نشاط وجد و جهد مستشرقین شد. چرا که غربی ها خواستند تا از موارد طبیعی عالم اسلامی به قیمت نا چیز استفاده نموده، و مال های تجارتی خود را به قیمت بلند بر سر مسلمانان به فروش برسانند. زیرا آنها قسم که می بینیم امروز در سراسر جهان اسلام مسلمانان را مردم مستهلک و محتاج گردانیدند، تا اینکه اشیاء خورد و ناچیزی خود را از خارج وارد کنند، و همه کمپنی و شرکت های که در عالم اسلام موجود بود بند و ناکام گردید، و بر عکس کمپنی ها و شرکت های غربی در اوج پیشرفت و تقدم قرار گرفت، و این یکی از اسباب بود که عالم اسلام به سبب آن در آخر قافله های تقدم و پیشرفتی قرار گرفت<sup>(۳)</sup>.

۱ - نشأة الاستشراق مرحله ودوافع المستشرقین، لأحمد الحصین (ص ۱۵۵).

۲ - أضواء علی الاستشراق، لعلیان محمد (ص ۴۶-۴۷).

۳ - الاستشراق والمستشرقون مالهم وما علیهم، لمصطفی السباعی (ص ۱۸).

## مطلب سوم: اهداف مستشرقین:

علماء وباحثین اهداف زیاد مستشرقین را تحریر و ثبت نمودند، و میتوانیم بشکل مختصر آن را به دو قسم تقسیم کنیم:

### قسم اول: اهداف دینی و سیاسی:

۱- ایجاد شک در صحیح و پاک بودن رساله رسول الله صلی الله علیه وسلم<sup>(۱)</sup>.

۲- کوشش کردن در اثبات اینکه اسلام دین آسمانی نیست، بلکه از دیانت یهودی و نصرانی گرفته شده<sup>(۲)</sup>.

۳- طعن زدن در صحیح بودن احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم<sup>(۳)</sup>.

۴- ایجاد تردد و شک در قلبهای مسلمانها، در باره ارزش و قیمت علوم اسلامی مختلف<sup>(۴)</sup>.

۵- ضعیف ساختن لغت عربی، و کوشش کردن در اثبات اینکه لغت عربی قابلیت احتواء تقدم و پیشرفت را ندارد<sup>(۵)</sup>.

۶- ضعیف ساختن روح اخوت و برادری اسلامی را در بین مسلمانان، بوسیله تقویه ساختن قوم پرستی، و وطن پرستی، و نشر خلاف و خود خواهی و تفرقه انداختن در بین مسلمانان<sup>(۶)</sup>.

۷- منصرف نمودن نصاری از مشرف شدن شان به دین مبین اسلام، از طریق پنهان کردن و پرده اندازی بر روی حقایق اسلام، و بر حذر کردن آنها از مشرف شدن به دین مبین اسلام<sup>(۱)</sup>.

۱ - مصدر سابق (ص ۲۵). آراء المستشرقین حول القرآن الکریم وتفسیره، لعمر ابراهیم رضوان (۴۳/۱).

۲ - الاستشراق والمستشرقون مالهم وما علیهم، لمصطفی السباعی (ص ۲۷).

۳ - مصدر سابق (ص ۲۸).

۴ - آراء المستشرقین حول القرآن الکریم وتفسیره، لعمر ابراهیم رضوان (۳۴/۱).

۵ - الاستشراق والمستشرقون مالهم وما علیهم، لمصطفی السباعی (ص ۲۹)، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم وتفسیره، لعمر ابراهیم رضوان (۴۱/۱).

۶ - الاستشراق والمستشرقون مالهم وما علیهم، لمصطفی السباعی (ص ۲۴ ، ۳۱).

۸- کوشش کردن در نشر دین نصرانی بین مسلمانها به وسائل مختلف،  
و استفاده کردن از اوضاع اقتصادی مشکل مسلمانها<sup>(۲)</sup>.

۹- تعیین کردن مناهج کج و گمراه مستشرقین را به حیث مناهج پیشرفته و متقدم  
و متمدن نزد مسلمانها، و توصیف کردن مناهج درست و صحیح را به  
اوصاف رجعی و متخلف و بی معنی، تا سبب نفرت و بد بینی مسلمانها از آن  
گردد<sup>(۳)</sup>.

۱۰- ضعیف کردن شخصیت متمیز اسلامی، از راه حيله و جالی کاری و طعنه  
زدن در تاریخ اسلام و مسلمات آن<sup>(۴)</sup>.

۱۱- نفرت دادن و بر حذر کردن مسلمانها از اقامت خلافت اسلامی، و کوشش  
کردن در اثبات اینکه خلافت اسلامی عبارت از ظلم و استبداد است،  
و سبب تخلف و پس ماندگی مسلمانان است، در حالیکه وجود خلافت اسلامی  
یکی از قوی ترین اسباب اتحاد مسلمانها و قوت شان میباشد<sup>(۵)</sup>.

و از خلال این اهداف کوشش کردند، تا عقل های مسلمانان را اشغال کرده و در  
مسأله از بین بردن دین مبین اسلام برسند، و از یک مسأله عمده و اساس غافل  
شدند که الله تعالی به حفاظت این دین تا قیامت متکفل شده است.

### قسم دوم: هدف علمی خالص

وقت که یک باحث به بی طرفی و انصاف در کتابهای مستشرقین نظر  
میکند، بشکل قطعی و یقینی به وی ثابت میشود که هدف اساسی آنها از بین بردن  
اسلام و اشغال کردن سر زمین مسلمانها، و قبضه کردن به همه خیرات و کانهای با

۱ - آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، لعمر ابراهیم رضوان (۳۸/۱).

۲ - مصدر سابق (۳۸/۱-۳۹).

۳ - مصدر سابق (۴۰/۱).

۴ - الاستشراق و المستشرقون مالهم و ما علیهم، لمصطفی السباعی (ص ۲۲).

۵ - آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، لعمر ابراهیم رضوان (۴۵/۱-۴۶).

ارزش که در عالم اسلام وجود دارد است. لکن با وجود این هدف اساسی و عمده، در بین ایشان عدد کم و محدود از باحثین با انصاف و صادق نیز وجود دارد<sup>(۱)</sup>.

### مطلب چهارم: ذکر بعض مستشرقین و مؤلفات شان.

تعداد مستشرقین که کتابهای زیادی نوشتند بسیار زیاد است، لکن ما در این بحث مختصر خود به حیث نمونه بعض از آنها را نام برده و بعضی از کتابهای را که نوشته کرده اند یاد میکنم:

۱. ال.أ. سیدیو در سال ۱۸۰۸م تولد شده، و در سال ۱۸۷۶م وفات یافته، لغت عربی را در مدارس لغات خوانده، و اهتمام خاص به علم فلک داده، مشهورترین کتابهای او کتاب خلاصه تاریخ عرب است. عقیقی<sup>(۲)</sup> در کتاب خود المستشرقون نوشته که او زندگی خود را در بیان فضل عرب بالای حضاره اروپا صرف کرده است<sup>(۳)</sup>.

۲. دیفید سموئیل مرجلیوٹ در سال ۱۸۵۸م تولد شده، و در سال ۱۹۴۰م وفات کرده، زندگی علمی خود را به یاد گرفتن لغت یونانی و لاتینی آغاز کرد، بعدا لغت های دیگر را نیز آموخت، مانند لغت عربی، و از کتابهای مشهور او آنچه که در سیرت نبوی نوشته، و علاقات بین عرب و یهود است. لکن در نوشته های مذکور ملاحظه میشود که تعصب شدید، و دوری از حقیقت و موضوعیت دارد، لکن از چیزهای خوب که انجام داده اهتمامش به تراث

---

۱ - الاستشراق والمستشرقون مالهم وما علیهم، لمصطفی السباعی (۲۴-۲۵ ، ۳۱-۳۳). آراء المستشرقین حول القرآن الکریم وتفسیره، لعمر ابراهیم رضوان (۳۷/۱).

۲ - عالم نصرانی از لبنان، در سال ۱۳۳۵هـ.ق تولد شده، به حیث جورنالزم کار کرده. بعدا در جامعه دولت های عربی موظف بوده، چندین کتاب های نوشته که از جمله: المستشرقون در سه مجلد، و دستور یونسکو، و ایران در قرن نوزدهم، و غیره. در شهر قاهره در سال ۱۴۰۲هـ.ق وفات یافت. تکملة معجم المؤلفین، محمد خیر رمضان (ص ۶۰۷).

۳ - المستشرقون، لنجیب العقیقی ص ۱۶۹.

عربی مانند نشر کردن او کتاب معجم الأدباء لیاقوت الحموی<sup>(۱)</sup>، و رسائل  
أبی العلاء المعری<sup>(۲)</sup> و غیره است<sup>(۳)</sup>.

۳. آرثر جون آربری در سال ۱۹۰۵م در شهر بورتسموث در جنوب  
انگلیستان تولد شده، و در سال ۱۹۶۹م وفات کرده است. در جامعۀ  
کامبریج درس های لغت را آغاز کرد، یکی از استاذان او را توجیه  
و تشجیع کرد تا لغت عربی و فارسی را یا بگیرد، به مصر سفر کرد بخاطر  
درس عربی، و بعد از مدت بار دیگر به مصر رجوع کرد به حیث رئیس  
قسم آداب و دراسات قدیمه (یونانی و لاتینی)، همچنان به فلسطین و سوریا  
و لبنان سفر کرد. اهتمام خاص داد به ادب عربی، مسرحیۀ مجنون لیلی را  
که أحمد شوقی<sup>(۴)</sup> نوشته است ترجمه کرد، و همچنان کتاب التعرف إلى أهل  
التصوف را، و اهتمام زیاد به علم تصوف داشت، و کتاب المواقف  
والمخاطبات للنفری<sup>(۵)</sup> را به زبان انگلیسی ترجمه کرد، در جامعۀ کمبریج  
به حیث استاذ کرسی در لغت عربی تعیین شد، از مهمترین کار های او  
ترجمۀ معانی قرآنی کریم است<sup>(۶)</sup>.

۱ - او أبو عبد الله یاقوت بن عبد الله الرومی، شهاب الدین حموی عالم نحوی، مؤرخ، صاحب سفر زیاد، چند  
مصنفات نوشته که از جمله: کتاب معجم الأدباء و معجم البلدان و کتاب الأنساب و غیره، شاعر متقن و متقن بود  
در ماه رمضان سال ۶۶۶هـ.ق وفات کرد. و فیات الأعیان لابن خلکان (۱۲۷/۶-۱۳۹). سیر أعلام النبلاء،  
للذهبی (۳۱۲/۲۲-۳۱۳).

۲ - او أبو العلاء أحمد بن عبد الله بن سلیمان بن محمد بن سلیمان التتوخی المعری است، ناه بینا بود، عالم،  
شاعر، لغوی، صاحب تصانیف مشهور که از جمله: رسالة الغفران و رسالة الملائكة و لزوم ما لا یلزم و غیره.  
به لهجات لغت عربی درایۀ کامل داشت. متهم در دین خود بود و شعر او دلالت واضح به انحلال دینی  
میکند، گوشت حیوان را نمی خورد و در امر دین خود متحیر بود در سال ۴۴۹هـ.ق وفات کرد. سیر أعلام  
النبلاء، للذهبی (۲۳/۱۸-۳۹).

۳ - موسوعة المستشرقین، عبد الرحمن بدوی ص ۳۷۹.

۴ - أحمد شوقی بن علی بن أحمد شوقی، مشهورترین شاعران عربی در عصر حدیث، نائل لقب أمير الشعراء در  
سال ۱۲۸۵هـ.ق در شهر قاهره تولد شده و در سال ۱۳۵۱هـ.ق وفات یافته، در اکثر فنون شعر شعر گفته از قبیل  
مدح و غزل و رثاء و وصف حتی أحداث سیاسی و اجتماعی در مصر و عالم اسلامی، چندین مؤلفات دارد که از  
جمله: الشوقیات، و دول العرب، و مجنون لیلی، و غیره است. الأعلام، للزركلی (۱۳۶/۱-۱۳۷).

۵ - او محمد بن عبد الجبار بن الحسن النفری الصوفی است، از او چیزی نوشته نشده مگر کم و بیسیر، در  
سال ۳۵۴هـ.ق وفات یافت، کتاب المواقف و المخاطبات در تصوف از تألیف او است. کشف الظنون لحاجی  
خلیفه (۸۹۱/۲).

۶ - موسوعة المستشرقین، عبد الرحمن بدوی ص ۵-۸.

۴. سنوک هورخرونیه در سال ۱۸۵۷م تولد شده، و در سال ۱۹۳۶م وفات کرد، درس لغت عربی و علوم اسلامی را به دست مستشرقین آغاز کرد، رساله دکتوراه او در موضوع حج بود، در سال ۱۸۸۰م مسلمانی خود را اعلان کرد، و نام خود را عبد الغفار ماند، به مکه مکرمه سفر کرده و در آن جا شش و نیم ماه باقی ماند، در این مدت به شخصیات مهم ملاقات کرد، الخصوص کسانی که اصلی آن ها از اندونسیا بوده، به هدف خدمت استعمار هولندی، یکی از مستشرقین مشهورین بود که عمر خود را در خدمت استعمار به سر برد<sup>(۱)</sup>.

۵. اجنتس گولد تسیهر مستشرق یهودی از دولت مجر است، که در سال ۱۸۵۰م تولد شده، و در سال ۱۹۲۱م وفات کرد، مجموع بحث ها و کتابهای او تقریباً ۵۹۲ بحث و کتاب است. از کتاب های مهم او: کتاب مذاهب التفسیر الاسلامی، و کتاب العقیده و الشریعة فی الاسلام است.

او در کتاب های خود هیچ اهتمام بصحت معلومات نداده، و به خاطر هدف یگانه و خاص خود که عبارت از تشویه و تحریف و دشمنی با دین مبین اسلام بود، تحریف و تغییر زیاد در معلومات می آورد، و تفسیر و توضیح های او مبنی به خدمت هدف او بود، او یکی از بزرگترین مستشرقین بی انصاف است، و سبب اساسی گمراهی کسانی که بعد از او آمده اند، و یکی از اسباب بزرگ که مانع نشر اسلام در غرب شد، چرا که مستشرقین که بعد از او آمدند، نوشته های او را به حیث مسلمت پذیرفتند، و متأسفانه که در حقیقت نوشته های او دور از حق و انصاف بلکه محرف و مبدل و غیر دقیق و پر از حقد و مکر و بد بینی با اسلام بود<sup>(۲)</sup>.

۱ - الاستشراق بین الموضوعية والافتعالية، قاسم السامرائی (۱۱۰-۱۴۰).

۲ - المستشرقون، نجیب العقیقی (۹۰۶/۲)، موسوعة المستشرقین، عبد الرحمن بدوی (۱۸۹)، مفتریات وأخطاء دائرة المعارف، خالد القاسم (۱۰۸۰/۲-۱۰۹۰).

۶. بلاشیر در سال ۱۹۰۰م در شهر پاریس در فرנסا تولد شده، و در سال ۱۹۷۳م وفات کرد، سیزده کتاب نوشته، و بیشتر از صد مقاله تحریر کرده است، قرآن کریم را به لغت فرانسوی ترجمه کرده، و از کتاب های مشهور او (القرآن نزوله و تدوینه و ترجمته و تأثیره)، مانند اکثر مستشرقین معلومات را تحریف و تغییر می داد، هدف او اتباع حق و رسیدن به حق نبود، بلکه قرآن کریم را به مصادر یهودی، نصرانی، سریانی، و غیره نسبت می داد<sup>(۱)</sup>.

### مطلب پنجم: آثار اعمال مستشرقین:

بعد از مطالعه زیاد حول این موضوع بشکل واضح معلوم میشود که اعمال مستشرقین به مطابق پلان منظم و مرتب و متکامل از صدها سال قبل روان بوده، که در نتیجه نتایج شوم و بد در عالم اسلام ظاهر گردید، که از جمله:

۱- نشر مفاهیم غلط از دین مبین اسلام، و جاگیر شدن آن در عقل های بسیاری از مردم مسلمان و غیره.

۲- داخل شدن دسائس دشمنان اسلام در عالم اسلامی.

۳- دور شدن از احکام اسلام، و مانع شدن تطبیق شریعت.

۴- شیفتگی مسلمانان از تمدن و پیشرفت های مادی غربی ها.

۵- متأثر شدن بسیاری از جوانان مسلمان به غزو فکری غربی ها.

۶- استقبال مسلمان ها ضربه های دردناک و پیاپی از دشمنان اسلام.

۷- تیت و پراگنده شدن امت اسلامی و ضعف آن.

۱ - المستشرقون، نجیب العقیقی (۳۱۶/۱)، موسوعة المستشرقین، عبد الرحمن بدوی (۱۲۷)، معجم أسماء المستشرقین، یحیی مراد (۲۶۳)، رحلة الكتاب العربی فی الاستشراق الفرنسی، خلیل هنداوی (۱۱۲)، القرآن نزوله و تدوینه و ترجمته و تأثیره، لبلاشیر.

۸- دوری از فضائل و غرق شدن در فکر مادی.

۹- پس ماندگی در مجالات مختلف: فکری، تعلیمی، سیاسی، اقتصادی و غیره.

۱۰- ظاهر شدن جنبه های فکری ضد اسلام، مانند: لیبرالی، علمانی، قومی، وطنی، وجودی، اشتراکی، راسمالی، بهائی، قادیانی، و غیره.





مبحث سوم: قراءات قرآن کریم.

و در این مبحث چهار مطلب است:

- مطلب اول: تعریف قرآن کریم در لغت و اصطلاح.
- مطلب دوم: تعریف قراءات قرآن کریم.
- مطلب سوم: بیان انواع قراءات که در وقت حاضر خوانده میشود.
- مطلب چهارم: تعریف مختصر به امامان قراءات قرآن کریم



## مبحث سوم: قراءات قرآن کریم.

### مطلب اول: تعریف قرآن کریم در لغت واصطلاح.

#### • تعریف قرآن در لغت:

علمای لغت عربی در بیان لفظ قرآن به دو قول هستند:

قول اول میگویند که لفظ قرآن علم است به کلام الله عز وجل، وجائز نیست که به این مسمی چیزی دیگری نام مانده شود<sup>(۱)</sup>.

الله تعالی فرموده: {إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ} <sup>(۲)</sup>

قول دوم اینکه مشتق شده از (قرأ)، قرأ یقرأ قراءَةً وقرأناً، هر دوی این مصدر فعل قرأ است، یعنی تلاوت کرده، و به این قول مرادف می باشد بلفظ قراءه، ومسمی شده به قرآن بخاطر که خوانده وتلاوت شده است.

و یا از (قَرء) بمعنی: جمع وپیوسته شده، ومسمی شده به قرآن بخاطر که او آیات وسوره ها را با هم جمع می کند.

و یا از (قرن) نیز به معنای جمع وپیوسته شده<sup>(۳)</sup>.

#### • تعریف قرآن کریم در اصطلاح:

علمای کرام تعریفات مختلف در این موضوع ذکر کرده اند:

امام زرکشی<sup>(۴)</sup> رحمه الله فرموده: او کلام منزل است، که او معجز است به یک آیت خود، وعبادت می شود به تلاوت آن<sup>(۵)</sup>.

---

۱ - لسان العرب، لابن منظور (۱۲۸/۱)، القراءات القرآنية والتواتر، لعبدالحلیم قابه (۵-۱۲)، القاموس المحيط، للفيروز آبادی (۶۲/۱)، مختار الصحاح، لمحمد بن أبي بكر الرازي (۲۲۰/۱).

۲ - سورة الإسراء آية ۹.

۳ - مناهل العرفان في علوم القرآن، للزرقانی (۴۱۲/۱)، الأحرف السبعة والقراءات وما أثر حولها من شبهات، لشعبان محمد إسماعيل ص ۲۷، علم القراءات نشأته وأطواره وأثره في العلوم الشرعية، لنبييل محمد آل إسماعيل ص ۲۶.

۴ - او بدر الدين محمد بن عبد الله بن بهادر الزركشي المصري است «در سال ۷۴۵هـ.ق تولد شده، فقيه شافعی، او تصانیف نافع ومفيد نوشته که از جمله: البحر المحيط، وسلاسل الذهب، وغيره. در سال ۷۹۴هـ.ق وفات یافت.

۵ - البحر المحيط، للزرکشی (۱۷۸/۲).

وامام شوکانی<sup>(۱)</sup> فرموده که او: کلام منزل به رسول الله صلی الله علیه وسلم است، که نوشته شده در مصاحف، ونقل گردیده به تواتر<sup>(۲)</sup>.

و شاید که تعریف امام زرقانی<sup>(۳)</sup> رحمه الله تعریف جامع باشد که فرموده: که قرآن کریم کلام معجز الله تعالی است نازل گردیده بزبان عربی مبین بواسطه جبریل علیه السلام به رسول الله صلی الله علیه وسلم بحرفهای هفت گانه لفظاً و معنی که محفوظ در سینه ها و تحریر شده در مصاحف عثمانی به قسم که متحمل میشود تمام حرفهای هفت گانه او را با قراءات متعدد او که منقول شده به ما بتواتر و تلاوت او عبادت است و افتتاح شده به سورة الحمد و ختام گردیده بسورة الناس<sup>(۴)</sup>.

## مطلب دوم: تعریف قراءات قرآن کریم در لغت و اصطلاح.

### لفظ قراءات در لغت:

جمع قراءه است مصدر قرأ یقرأ قراءه و قرأنا. و معنای قرأ یعنی جمع گفته میشود قرأت الشیء یعنی جمع کردم او را<sup>(۵)</sup>.

### وقراءات در اصطلاح:

علمای کرام در این موضوع تعریفهای مختلف تحریر نموده اند، لکن تعریف مختصر و جامع آن است که امام ابن الجزری<sup>(۶)</sup> رحمه الله علیه فرموده که:

۱ - او محمد بن علی بن محمد بن عبد الله الشوکانی، در سال ۱۱۷۳ هـ.ق تولد شده، بیشتر از صد کتاب نوشته، از جمله: فتح القدیر، ونیل الأوطار، وغیره. در سال ۱۲۵۰ هـ.ق وفات یافت. البدر الطالع، للشوکانی (۲۱۴/۲-۲۲۵)، ونیل الوطر، للصنعانی (۳/۱) (۲۹۷/۲).

۲ - إرشاد الفحول، للشوکانی (ص ۲۹).

۳ - او محمد عبد العظیم الزرقانی المصری است، در اول قرن چهاردهم هـ.ق تولد شده، از علمای ازهر شریف، در سال ۱۳۶۷ هـ.ق در شهر قاهره در مصر وفات یافت. الأعلام، للزکلی (۲۱۰/۶).

۴ - مناهل العرفان، للزرقانی (۳۲/۱)، المعیار المعرب، لأبو العباس الونشیری (۱۴۹/۱۲).

۵ - الصحاح، للفارابی (۶۵/۱)، لسان العرب، لابن منظور (۱۲۸/۱)، تاج العروس، للزبیدی (۲۲۱/۱) معجم مصطلح الأصول، لهیثم هلال (ص ۲۴۴).

۶ - او شمس الدین محمد بن محمد بن علی بن یوسف الدمشقی الشیرازی الشافعی است، کنیتش أبو الخیر می باشد. مشهور بابن الجزری است، در سال ۷۵۱ هـ.ق تولد شده، امام قراء و خاتم محققین است، تصانیف زیاد و نافع نوشته که از جمله: النشر فی القراءات العشر، وإتحاف المهرة فی تنمة العشرة، وغیره. در سال ۸۳۳ هـ.ق در شهر شیراز وفات نمود. البدر الطالع، للشوکانی (۲۵۷/۲-۲۵۹)، طبقات الحفاظ، للسيوطی (۵۴۹).

علم قراءات دانستن کلمات قرآن کریم، واختلاف آنها، با اسناد هر قراءت به قاری های شان<sup>(۱)</sup>.

وامام زرکشی رحمه الله علیه فرموده که: علم قراءات اختلاف الفاظ وحی در نوشتن و کیفیت نطق است مانند تخفیف و تنقیل و غیره<sup>(۲)</sup>.

### مطلب سوم: بیان انواع قراءات که در وقت حاضر خوانده میشود<sup>(۳)</sup>.

قراءات صحیحة که در وقت حاضر در سراسر عالم اسلام خوانده میشود سه نوع است که آن را بشکل مختصر و موجز به قرار ذیل بیان می کنم:

#### - نوع اول: قراءات عشر صغری

معتمد است به کتاب (الشاطبية) در قراءات هفت امام شاطبی<sup>(۴)</sup> رحمه الله تعالى تحریر نموده، و کتاب (الدرة المضيئة فی القراءات الثلاث المرضیة) که امام ابن الجزری رحمه الله تعالى نوشته است.

#### - نوع دوم: قراءات عشر کبری

معتمد است به کتاب (طیبة النشر فی القراءات العشر) که امام ابن الجزری رحمه الله تعالى تحریر نموده است.

۱ - منجد المقرئین، لابن الجزری (ص ۹). شرح طیبة النشر، للنویری (۵۳/۱)، الإضاءة فی بیان أصول القراءة، للضباع (ص ۳).

۲ - البرهان فی علوم القرآن (۳۱۸/۱).

۳ - الهادی فی شرح طیبة النشر، لمحمد محیسین (۵۳-۵۲/۱)، مباحث فی علم القراءات، لمحمد الباز (ص ۵۵)، كشف القناع عن تواتر الطرق العشر النافعية، لعبدالهادی حمیتو (۴۰۲/۱)، التعریف فی اختلاف الرواة عن نافع، لأبی عمرو الدانی (ص ۲۶).

۴ - او أبو محمد القاسم بن فیره بن خلف الرعینی الأندلسی الشاطبی الضریر، امام قراء است، که در سال ۵۳۸ هـ.ق تولد شده است، صاحب قصیده مشهور: حرز الأمانی، قوی حافظه، وفقیه، ونحوی، ومحدث، ومقری، زاهد وعابد بود، در سال ۵۹۰ هـ.ق وفات نمود. طبقات الشافعية الكبرى، لتاج الدین السبکی (۲۷۲-۲۷۰/۷)، سیر أعلام النبلاء، للذهبی (۲۶۱/۲۱-۲۶۴)، طبقات الفقهاء الشافعية، لابن الصلاح (۶۶۶-۶۶۵/۲).

## - نوع سوم: العشر النافعية

عبارت از ده طریق است، که از امام نافع رحمه الله به تواتر نقل گردیده، و معتمد است به کتاب (التعريف في اختلاف الرواة عن نافع) که امام الدانی<sup>(۱)</sup> رحمه الله تعالی نوشته است.

### مطلب چهارم: تعريف مختصر به امامان قراءات قرآن کریم.

امامان که قراءات ده بر آن ها نسبت می گردد، برابر است که ده صغری، و یا ده کبری، و یا ده نافع باشد، بشکل مختصر ترجمه آنها را به قرار ذیل می نویسم:

#### ۱- امام نافع:

نافع بن عبد الرحمن بن أبی نعیم اللیثی بالولاء، قارئ مدنی است، که قراءات قرآن کریم را در مدینه منوره به مسلمانان یاد می داد، یکی از امامان قراءات هفت است، و همچنان از امامان قراءات ده صغری و ده کبری است، و نیز قراءات ده نافع به وی منتسب می گردد، علمای تراجم در وصف او نوشته اند که ثقة و صالح بوده، و اخلاق بسیار عالی داشت. أصل او از اصبهان، و سیاه پوست بوده، علم قراءات را از جمله از تابعین اهل مدینه گرفته، و طلاب علم را بیشتر از هفتاد سال قرآن کریم را می آموخت، و در سال ۱۶۹ هـ.ق وفات کرده<sup>(۲)</sup>.

#### ۲- امام ابن کثیر:

عبد الله بن کثیر بن عمرو بن عبد الله الکنانی است، و کنیه اش أبو معبد، اصل او از فارس، عالم فصیح، قاری اهل مکه مکرمه و یکی از قراء هفت و همچنان از قراء ده صغری و کبری، در سال ۱۲۰ هـ.ق در مکه مکرمه وفات کرده<sup>(۳)</sup>.

۱ - او أبو عمرو عثمان بن سعید بن عثمان بن سعید الأموی الدانی است، امام، حافظ، مقرئ، عالم أندلس، شیخ اسلام، در سال ۳۷۱ هـ.ق تولد شده، یکی از علمای بزرگ و معتبر در علوم قرآن و قراءات و تفسیر و اعراب، و همچنان معرفت کافی در علم حدیث و رجال او، عدد از مؤلفات نافع و کم مثیل نوشته که از جمله: التیسیر و جامع البیان، علمای تاریخ در مناقب او نوشته اند که مجاب الدعوة بود، در سال ۴۴۴ هـ.ق وفات نمود. سیر أعلام النبلاء، للذهبی (۷۷/۱۸-۸۳)، طبقات الحفاظ، للسيوطی (۴۲۸-۴۲۹)، الديباج المذهب، لابن فرحون (۸۴/۲-۸۵).

۲ - السبعة فی القراءات، لابن مجاهد (۵۳/۱)، جمال القراء، للسخاوی (۴۴۷/۲)، غایة النهایة، لابن الجزری (۳۳۰/۲) معرفة القراء الکبار، للذهبی (۱۰۸/۱-۱۰۹)، وفيات الأعیان، لابن خلکان (۳۶۸/۵).

۳ - جمال القراء، للسخاوی (۴۴۸/۲)، معرفة القراء الکبار، للذهبی (۸۶/۱-۸۸)، سیر أعلام النبلاء، للذهبی (۳۱۸/۵)، وفيات الأعیان، لابن خلکان (۴۱/۳)، غایة النهایة، لابن الجزری (۴۴۳/۱-۴۴۵).

### ۳- امام أبو عمرو البصري:

او زبان بن العلاء بن عمار بن العریان التمیمی المازنی، در سال ۶۸ هـ.ق یا ۷۰ هـ.ق تولد شده در مکه مکرمه، یکی از علمای کلام عرب و لغات شان بوده، قراءات را در مکه مکرمه و مدینه منوره و کوفه و بصره نزد جمله از علماء وقاری صاحبان خوانده است. و در مجموع قاری صاحبان کسی از او بیشتر استادان ندارد، در فصاحت و صدق و علم و پرهیزگاری شهرت یافته بود، در سال ۱۵۴ هـ.ق در شهر کوفه وفات یافت<sup>(۱)</sup>.

### ۴- امام ابن عامر:

عبد الله بن عامر بن یزید بن تمیم بن ربیعة، کنیه اش أبو عمران الیحصبی الدمشقی، در سال ۲۱ هـ.ق یا ۸ هـ.ق تولد شده، یکی از قاری های هفت و امام اهل شام در علم قراءات، از تابعین کرام، امام عالم، حافظ متقن، عارف صادق از بهترین تابعین است، امام ابن الجزری رحمة الله علیه فرمود: که اهل شام همه قراءت ابن عامر را در تلاوت و نماز و تعلیم می خواندند، تا نزدیکی سال ۵۰۰ هـ.ق. او در ماه محرم در روز عاشوراء در سال ۱۱۸ هـ.ق در شهر دمشق وفات کرد<sup>(۲)</sup>.

### ۵- امام عاصم:

نام او عاصم بن بهذلة أبی النجود، کنیه اش ابو بکر، یکی از قاری های هفت و ده آواز خوش و زیبا داشت، و ادب عالی و پرهیز گاری زیاد داشت، او در امامت قراءات در کوفه انتخاب شده بود بعد از امام أبو عبد الرحمن السلمي، در جای او نشست و طلاب علم از همه اطراف عالم اسلامی به او متوجه شدند، در سال وفات وی اختلاف شده لکن راجح قول امام ابن الجزری رحمة الله علیه است که فرمود: در آخر سال ۱۲۹ هـ.ق وفات کرده<sup>(۳)</sup>.

۱ - جمال القراء، للسخاوی (۴۵۰/۲)، معرفة القراء الکبار، للذهبی (۱۰۰/۱-۱۰۵)، سير أعلام النبلاء، للذهبی (۴۱۰-۴۰۷/۶)، غاية النهاية، لابن الجزری (۲۸۸/۱-۲۹۲).

۲ - السبعة فی القراءات، لابن مجاهد (ص ۸۵)، جمال القراء، للسخاوی (۴۵۴/۲)، تهذيب الکمال، للمزی (۱۵۰-۱۴۳/۱۵)، معرفة القراء الکبار، للذهبی (۸۲/۱)، سير أعلام النبلاء، للذهبی (۲۹۲/۵-۲۹۳)، غاية النهاية، لابن الجزری (۴۲۳/۱-۴۲۵).

۳ - السبعة فی القراءات، لابن مجاهد (ص ۶۹)، معرفة القراء الکبار، للذهبی (۸۸/۱)، سير أعلام النبلاء، للذهبی (۲۵۶/۵-۲۶۱)، غاية النهاية، لابن الجزری (۳۴۶/۱-۳۴۹)، النشر فی القراءات العشر، لابن الجزری (۱۵۵/۱).

## ۶- حمزة الزیات:

حمزة بن حبيب بن عمار بن اسماعیل الکوفی التیمی الزیات، کنیه او ابو عماره، در سال ۸۰ هـ.ق تولد شده، یکی از قاری های هفت وده، یک امام حجت و حافظ و عالم و عابد و زاهد و خاشع و قانت و پرهیز گار بود، یک سال در کوفه و یک سال در حلوان قرآن کریم را به مردم می آموخت، بعد از امام عاصم امامت قراءات به وی انتقال کرد، امام ابو حنیفه<sup>(۱)</sup> به وی فرمود: به دو چیز بالای ما غالب شدی، یکی قرآن کریم و یکی فرائض<sup>(۲)</sup>. امام جریر بن عبد الحمید الرازی<sup>(۳)</sup> فرمود که حمزه سید ما و سید همه قاریان است<sup>(۴)</sup>. در سال ۱۵۶ هـ.ق در حلوان وفات یافت<sup>(۵)</sup>.

## ۷- الکسائی:

نامش علی بن حمزة بن عبد الله بن بهمن بن فیروز الکوفی، کنیه او ابو الحسن الکسائی است، اصل او از فارس است، و در شهر کوفه در سال ۱۲۰ هـ.ق تولد شده. یکی از قاری های هفت وده، و همچنان یکی از امامان لغت و نحو و قراءات می باشد، امام الذهبی رحمة الله علیه فرمود در امام کسائی در تربیت هارون الرشید<sup>(۶)</sup> و اولادش دست داشت، زیرا از مال و جاه و اکرام چیزی بدست آورد که غیر او از علماء کسی دیگر بدست نیآورده است، و او ریاست علم و دنیا را بدست آورد<sup>(۷)</sup>. چندین کتابها را نوشت که از

۱ - او أبو حنیفه النعمان بن ثابت بن زوطا بن ماه است، در سال ۸۰ هـ.ق تولد شده، یکی از امامان مذاهب اربعه است، فقیه، عابد، زاهد، عالم، پرهیزگار، با تقوی بود، ابن المبارک رحمة الله علیه می فرماید که: أبو حنیفه فقیه ترین شخص در بین مردم است. و امام شافعی می فرماید که: مردم در فقه شاگردان ابو حنیفه رحمه الله تعالى هستند. در سال ۱۵۰ هـ.ق وفات یافت. طبقات الفقهاء، للشیرازی (۸۶)، وفيات الأعیان، لابن خلکان (۴۰۵/۵-۴۰۶)، الجواهر المضیة، لعبد القادر القرشی (۲۶۱/۱-۳۰).

۲ - معرفة القراء الکبار، للذهبی (۱۱۳/۱)، غایة النهایة، لابن الجزری (۲۶۳/۱).

۳ - او أبو عبد الله جریر بن عبد الحمید بن قرط الضبی الکوفی الرازی است، قاضی، امام، حافظ، حجت، در سال ۱۱۰ هـ.ق تولد شده، و در سال ۱۸۸ هـ.ق وفات یافته. سیر أعلام النبلاء، للذهبی (۹/۹-۱۸)، طبقات الحفاظ، للسيوطی (۱۲۲).

۴ - جمال القراء، للسخاوی (۴۶۹/۲).

۵ - معرفة القراء الکبار، للذهبی (۱۱۱/۱) سیر أعلام النبلاء، للذهبی (۹۰/۷) میزان الاعتدال، للذهبی (۶۰۵/۱) غایة النهایة، لابن الجزری (۲۶۱/۱).

۶ - او خلیفه عباسی أبو جعفر هارون بن المهدي بن أبي جعفر المنصور بن محمد بن علی بن عبد الله بن عباس الهاشمی، در سال ۱۴۸ هـ.ق در شهر ری تولد شده، یکی از خلفاء عباسی، صاحب حج و جهاد و شجاعت بود، فصاحت داشت، و در علم و فقه و ادب دست داشت، در سال ۱۹۳ هـ.ق وفات نمود. سیر أعلام النبلاء، للذهبی (۲۸۶/۹-۲۹۵).

۷ - معرفة القراء الکبار، للذهبی (۱۲۳/۱).

جمله (معانی القرآن)، و (المتشابه فی القرآن)، و (مقطوع القرآن)، و (ما يلحن فيه العوام)، و (مختصر فی النحو)، و (النوادر الكبير والأوسط والصغير)، و (المصادر)، و (كتاب الحروف)، و (القراءات)، و (العدد)، و (الهاءات)، و (الهجاء). در سال ۱۸۹ هـ.ق در قریة برنبویه در منطقہ ری وفات کرد. و در همین روز نیز امام محمد بن الحسن الشیبانی<sup>(۱)</sup> صاحب امام ابو حنیفه رحمة الله تعالى عليهم اجمعين وفات یافت. پس هارون الرشید گفت امروز فقه ونحو را در ری دفن کردیم<sup>(۲)</sup>.

امام أبو جعفر:

نامش یزید بن القعقاع، و گفته شده فیروز بن القعقاع، کنیه او أبو جعفر، یکی از قاری های ده صغری و کبری، و یکی از تابعین کرام مشهور با مقام و منزلت بلند، امام اهل مدینه در قراءات قرآن کریم است، آغاز کرد در تعلیم قرآن کریم پیش از واقعہ حره که در سال ۶۳ هـ.ق بود، یکی از علمای بزرگ، و از مجتهدین دین، با تقوی و پرهیز گار، و صاحب قیام و صیام بود. روایت شده که او در خوردی خود نزد ام المؤمنین ام سلمه رضی الله عنها رفت، و او سر او را مسح کرده و به وی دعای خیر و برکت کرد<sup>(۳)</sup>. امام نافع بن اَبی نعیم روایت می کند که وقت که ابو جعفر وفات کرد، و او را شستند، دیدند که در بین گلون و قلب او مانند ورقه قرآن کریم دیده میشود، و شک نه کردند که آن نور قرآن است<sup>(۴)</sup>. در سال ۱۳۰ هـ.ق وفات کرد<sup>(۵)</sup>.

۱ - او أبو عبد الله محمد بن الحسن بن فرقد الشیبانی الکوفی است، صاحب امام أبو حنیفه، و ناشر مذهب او، در شهر واسط در سال ۱۳۱ هـ.ق تولد شده، امام شافعی از او علم آموخته، و فرموده: من با چاق از او ذکی تر منظره نکردم، و اگر بخواهم میگویم که قرآن کریم به لغت محمد بن الحسن نازل شده از فصاحت و بلاغت او، از تصانیف او: کتاب های ظاهر روایت، در سال ۱۸۹ هـ.ق در ری وفات نمود. سیر أعلام النبلاء، للذهبی (۱۳۶-۱۳۴/۹)، طبقات الفقهاء، للشیرازی (۱۳۶-۱۳۵)، الجواهر المضیة، لعبد القادر القرشی (۴۴-۴۲/۲).

۲ - السبعة فی القراءات، لابن مجاهد (ص ۷۸)، وفيات الأعیان، لابن خلکان (۲۹۵/۳)، معرفة القراء الکبار، للذهبی (۱۲۸-۱۲۰/۱)، سیر أعلام النبلاء، للذهبی (۱۳۴-۱۳۱/۹)، غایة النهایة، لابن الجزری (۵۳۵/۱).

۳ - السبعة فی القراءات، لابن مجاهد (ص ۵۸)، معرفة القراء الکبار، للذهبی (۷۳/۱).

۴ - السبعة فی القراءات، لابن مجاهد (ص ۵۸)، تهذیب الکمال، للمزی (۲۰۲/۳۳)، معرفة القراء الکبار، للذهبی (۷۳/۱)، النشر فی القراءات العشر، لابن الجزری (۱۷۸/۱).

۵ - السبعة فی القراءات، لابن مجاهد (ص ۵۷-۵۸)، تهذیب الکمال، للمزی (۲۰۲-۲۰۰/۲۲)، وفيات الأعیان، لابن خلکان (۲۷۶-۲۷۴/۶)، معرفة القراء الکبار، للذهبی (۷۶-۷۲/۱)، سیر أعلام النبلاء، للذهبی (۲۸۷/۵-۲۸۸)، النشر فی القراءات العشر، لابن الجزری (۱۷۸/۱)، غایة النهایة، لابن الجزری (۳۸۴-۳۸۲/۲).

#### ۸- یعقوب بن اسحاق:

او یعقوب بن اسحاق بن زید بن عبد الله بن ابی اسحاق الحضرمی البصری، کنیه او ابو محمد، در سال ۱۱۷ هـ.ق در بصره تولد شده. یکی از قاری های ده صغری و کبری است، موصوف شده به ضابط و حاذق و فاضل، امام اهل بصره در عصر خود در علم قراءات، ابو حاتم سجستانی<sup>(۱)</sup> فرمود که یعقوب حضرمی عالم ترین کسی بود در حروف و اختلافات قراءات قرآن کریم، و بیان تعلیل ومذاهب آن، وهمچنان مذاهب نحو در قرآن کریم<sup>(۲)</sup>. وبا علم وفضل هم پرهیز گار ومتقی بود، در وصف او گفته شده که: کان تقیا نقیا ورعا زاهدا، واز مکانت ووجاهت به درجه رسیده بود در بصره که به اشاره او کسان بندی و بندی ها آزاد می شدند. امام یعقوب در ماه ذی الحجة در سال ۲۰۵ هـ.ق وفات یافت. و او و پدر او ونیکه او هر سه شان ۸۸ سال عمر زندگی کردند<sup>(۳)</sup>.

#### ۹- خلف العاشر:

خلف بن هشام البزار، کنیه او ابو محمد، ونسبت او اسدی بغدادی است، در سال ۱۵۰ هـ.ق چشم بدنیا کشود، او هم راوی قراءت حمزه است، وهم قراءت خاص به خود دارد، که یکی از قراءت ده صغری و کبری است. یعنی امام قاری وهمچنان یکی از راوی های امام حمزة رحمة الله علیه است. در وصف او تحریر گردیده که امام حافظ، عالم فاضل، امانت کار، زاهد، عابد، صاحب روزه گرفتن زیاد وتهجد بود. قرآن کریم را در عمر ۱۰ سالگی

۱ - او أبو حاتم سهل بن محمد بن عثمان السجستانی البصری است، امام، عالم، نحوی، لغوی، قاری. مصنفات نافع نوشته که از جمله: کتاب إعراب القرآن، وکتاب ما يلحن فيه العامة، وغيره. در سال وفات وی اختلاف است، گفته شده ۲۵۰ هـ.ق، یا ۲۵۵ هـ.ق. سیر أعلام النبلاء، للذهبي (۲۶۸/۱۲-۲۷۰).

۲ - وفيات الأعيان، لابن خلكان (۳۹۱/۶).

۳ - معرفة القراء الكبار، للذهبي (۱۵۷/۱-۱۵۸)، غاية النهاية، لابن الجزري (۳۸۶/۲-۳۸۹)، وفيات الأعيان، لابن خلكان (۳۹۰/۶)، الأعلام، للزركلي (۱۹۵/۸).

حفظ نمود. امام احمد بن حنبل<sup>(۱)</sup> رحمة الله عليه از وی پرسیده شد فرمود:  
والله او نزد ما امین است<sup>(۲)</sup>. در ماه جمادی الآخرة در شهر بغداد در سال  
۲۲۹هـ.ق وفات یافت، و عمر او تقریباً ۸۰ سال بود<sup>(۳)</sup>.



---

۱ - او أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشیبانی، امام، حافظ، متقن، عابد، زاهد، یکی از  
امامان مذاهب اربعه، در سال ۱۶۴هـ.ق در شهر بغداد تولد شده. صاحب کتاب المسند، امام شافعی رحمة الله  
عليه میگوید: از بغداد خارج شدم، و در آن شهر با تقوی تر و عالم تر و پرهیزگار تر از أحمد بن حنبل ترک  
نکردم، در سال ۲۴۱هـ.ق جان بحق سپرد. طبقات الفقهاء، للشیرازی (۹۱-۹۲)، طبقات الحفاظ، للسيوطی  
(۱۸۹-۱۹۱)، تاریخ بغداد، للخطیب البغدادی (۳۲۵/۱)، سیر أعلام النبلاء، للذهبی (۱۷۷/۱۱-۱۷۸).

۲ - تهذیب التهذیب، لابن حجر العسقلانی (۱۳۴/۳).

۳ - معرفة القراء الکبار، للذهبی (۲۰۸/۱-۲۱۰)، غایة النهایة، لابن الجزری (۲۷۲/۱-۲۷۴)، سیر أعلام  
النبلاء، للذهبی (۵۷۶-۵۸۰)، تهذیب الکمال، للمزى (۲۹۹/۸)، وفيات الأعیان، لابن خلیکان (۲۴۱/۲).



## فصل دوم: سبب اختلاف قراءات در نظر مستشرقین.

و در این فصل چهار مبحث است:

- مبحث اول: طبیعت خط عثمانی که قرآن کریم به آن خط نوشته شده.
- مبحث دوم: اضافه کردن الفاظ در قرآن کریم به قصد تفسیر و غیره
- مبحث سوم: ثابت کردن پاک بودن الله تعالی و پیغمبران و صالحین از چیز های که به مقام و منزلت آن ها لایق نیست.
- مبحث چهارم: آزادی افراد و اشخاص در قراءة نص قرآن کریم.





مبحث اول: طبیعت خط عثمانی که قرآن کریم به آن خط نوشته شده.

و در این مبحث دو مطلب است:

○ مطلب اول: ذکر شبهات مستشرقین در این نقطه

○ مطلب دوم: رد شبهات آنها



## مبحث اول: طبیعت خط عثمانی که قرآن کریم به آن خط نوشته شده

### مطلب اول: ذکر شبهات مستشرقین در این نقطه

گولد تسیهر می گوید: اختلافات بزرگ که در قراءات وجود دارد، بسبب خاصیت لغت عربی است به حسب اختلاف مکان نقطه ها که بالای حرف مانده شده یا زیرش، و عدد نقطه ها، و اختلاف حرکات از قبیل زیر و زبر و پیش، و این مسائل در نوشته اصلی تحدید نشده است، و این مسائل سبب اول اختلاف قراءات بوده است.

بناء او ترجیح میدهد که سبب اول اختلاف قراءات (تعدد قراءات) راجع به خاصیت خط عربی است از دو جهت:

أ- اختلاف نقطه های مانده شده بالای حرف و یا زیر او.

ب- اختلاف حرکات (زیر، زبر، پیش) که اثر واضح میکند در موقع و اعراب کلمات و بناء اختلاف در معانی و دلالات حاصل میشود، و او در این جا استناد نمیشود، بلکه این رأی خود را به ذکر مثال های متعدد از قرآن کریم تأیید میکند.

می گوید که برای اثبات این دو حقیقت بعض مثال ها کفایت است :

اولاً: اختلاف در وضع نقطه ها (وَنَادَى أَصْحَابُ ۞ لَأَعْرِفَنَّ رَجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ)<sup>(۱)</sup>، در این آیت دو قراءت ذکر کرده (تَسْتَكْبِرُونَ) و (تَسْتَكْبِرُونَ) و در آیت دیگر (وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَةٍ ...) <sup>(۲)</sup>، در این آیت نیز دو قراءت ذکر کرده (بُشْرًا) و (نُشْرًا).

۱ - سورة الأعراف آية ٤٨.

۲ - سورة الأعراف آية ٥٧.

او می بیند که سبب وجود دو قرائت در این آیت (بُشْرًا) بحرف باء و (نُشْرًا) بحرف نون بسبب عدم وجود نقطه ها در اصل کلمه است.

ومی گوید که در آیت سوره توبه دو قرائت است (وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ)<sup>(۱)</sup>، ایاه و أباه.

ومی گوید که در آیت سوره نساء افاده بیشتر است چرا که اختلاف در حروف زیاده تر است (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا...) <sup>(۲)</sup>، در این آیت در کلمه (فَتَبَيَّنُوا) و (فَتَبَيَّنُوا)، اختلاف زیاد وجود دارد بسبب وضع نقطه ها، پس او رد این آیت مثال مختلف یاد کرده چرا که اختلاف در سه حرف وجود دارد، وکما سبق او تأکید میکند که سبب اختلاف این دو قرائت نابودن نقطه ها در اصل کلمه مرسومه است، با ملاحظه این که این اختلافات در معنی و در استعمال فقهی اثر بزرگ ندارد.

اما مثال های را که اثر واضح در معنی دارد، او قرار ذیل یاد کرده است که در سوره بقره آیت ۵۴ سخن حول غضب موسی علیه السلام بر قومش می گردد ، الله تعالى فرمود : ( وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ... )<sup>(۳)</sup>، یعنی که شما یگ دیگر را بکشید، و این موافق آن چه است که در انجیل در سفر خروج فصل ۳۲ فصله ۲۷، که نزد او انجیل یک مصدر از مصادر کلمات قرآن کریم است، و قول بعض علماء تفسیر مانند قتاده بصری<sup>(۴)</sup> که در سال ۱۱۷ هـ - ق وفات کرده، حجت است در این. که او امر کردن آنها را بقتل خود شان یا بقتل گناه

۱ - سورة التوبة آية ۱۱۴.

۲ - سورة النساء آية ۹۴.

۳ - سورة البقرة آية ۵۴.

۴ - او أبو الخطاب قتادة بن دعامة بن قنادة بن عزيز السدوسي البصري است، در سال ۶۱ هـ.ق تولد شده، امام اهل بصره در تفسیر وحديث و فقه، یکی از تابعین کرام، یکی از حفاظ اهل عصر خود و علمای شان، در سال وفات او اختلاف شده، گفته شده در سال ۱۰۶ یا ۱۰۷ یا ۱۰۸ هـ.ق وفات نمود. طبقات الفقهاء (۹۴/۱)، سير اعلام النبلاء، (۲۶۹/۵)، وفيات الأعيان، لابن خلكان (۸۵/۴).

گاران شان بسیار مشکل و دشوار شماریده اند، و این جزای سخت و درد ناک را به مقابل گنای صادر شده مناسب ندیدند؛ لذا اختیار کرد تا دو نقطه زیر حرف با نند (فأقبلوا أنفسكم)، یعنی توبه کنید، و از آن گناه که کردید واپس رجوع کنید، او می گوید که این مثال فعلا دلالت میکند به این ملاحظه های موضوعی در اختلاف قراءات تأثیر واضح دارد.

او می گوید: که به همین طور آیت دیگر که در سورة فتح است دلالت واضح دارد (إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا) (۸) لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا<sup>(۱)</sup> در این آیت نیز دو قراءت ذکر کرده (وَتُعَزِّرُوهُ) یعنی با او کمک کنید، (وتعزروه) یعنی او را تعظیم کنید.

او می گوید: که من فکر میکنم که یک از ضرورات تغییر نص این است که کسی تصور نکند که الله تعالی منتظر کمک و همدستی و مدد از مردم باشد.

بعد از آنکه گولد تسیهر از عرض قسم اول خلاص شد در قسم دوم آغاز کرد، که او عبارت از اختلاف حرکات ثلاثه است چرا که از اختلاف این حرکات نیز اختلاف نحوی حاصل میشود، که در نتیجه اختلاف معانی حاصل میگردد.

او میگوید: در سورة آل عمران مثال نمودجی وارد گردیده، با وجود اینکه او آیات سورة آل عمران را ذکر نکرده، و همچنان قراءات که در آن وجود دارد بیان نکرده، لکن مثال عام و اجمالی در آیات ۱۶-۱۸ ذکر کرده، و گفته که علماء نحو در تعلیل قراءات این آیات تکلف زیاد کرده اند.

و در آیت ۸ از سورة حجر: (مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ)<sup>(۲)</sup> در این آیت سه قراءت به قرار ذیل وجود دارد (نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ)، (نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ)، (نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ).

۱ - سورة الفتح آیه ۸-۹.

۲ - سورة الحجر آیه ۸.

او این جا مثال تفصیلی دیگر از قسم دوم یاد کرده که عبارت از اختلاف حرکات است، و در این مثال با وجود حرکات در معنی اختلاف بزرگ وجود ندارد، و او میخواهد که وجهت نظر خود را تأکید کند که یک از اسباب عمده وجود قراءات اختلاف حرکات سه گانه است چون که در مصحف اصلی حرکات ونقطه ها وجود نداشت.

بعدا به بیان نوع دوم از قسم دوم آغاز کرد یعنی مثال آوردن به آیات که اختلاف حرکات سبب اختلاف معانی میشود.

در سوره رعد آیت ۴۳ (وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ)<sup>(۱)</sup> در این آیت سه قراءت ذکر کرده (وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ)، (وَمِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ)، (وَمِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ) و در این سه قراءت اختلاف واضح در معنی وجود دارد، در قراءت اول یعنی کسی که نزد او علم کتاب است و در قراءت دوم علم کتاب از نزد الله تعالی است و در قراءت سوم تعلیم کتاب از نزد الله تعالی است.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ)<sup>(۲)</sup>، او می گوید که در این آیت دو قراءت است: (وَأَرْجُلَكُمْ) بناء به قراءت زبر وجوب شستن پاها گرفته شده، وَا (وَأَرْجُلَكُمْ) به زیر از این حکم مسح پاها در وضوء گرفته شده<sup>(۳)</sup>.

مستشرق بلاشیر نیز در این موضوع میگوید<sup>(۴)</sup>:

که خط عربی که نویسندگان به آن قرآن کریم را به رسم عثمانی نوشتند، سبب اختلاف قراءات بود، لکن فرق در بین او و در بین گولد تسیهر این است که او به سبیل عموم واجمال صحبت می کند بدون ذکر مثالها از قرآن کریم

۱ - سورة الرعد آية ۴۳.

۲ - سورة المائدة آية ۶.

۳ - مذاهب التفسير الإسلامی، گولد تسیهر (۸-۱۵).

۴ - القرآن نزوله، تدوین، ترجمه، وتأثیر، بلاشیر (ص ۳۱-۳۳).

ومی گوید که مصحف عثمانی در جوانب زیاد ناقص بوده، چون که خط که قرآن کریم را به آن نوشتند خط بدائی بوده، و اینکه نوشتن پنج نسخه از مصحف عثمانی و روان کردن آنها در اقطار عالم اسلامی مسأله حفظ را اهمال کرد و در نتیجه اختلافات نطقی و صرفی و لهجات محلی باقی ماند.

مستشرق آرثر جفری در این خصوص میگوید<sup>(۱)</sup>:

قاریان قرآن کریم در مصاحف که حضرت عثمان در اطراف عالم اسلامی فرستاد، اختلافات زیاد یافتند، به طور مثال در مصحف کوفه "عملت" و در غیر او "عملته" و در مصحف شام "وبالزبر" و در غیر او "والزبر" و در مصحف مدینه و شام (فلا) و در غیر او (ولا) و همینطور...

و این مصاحف همه خالی از نقطه و از حرکات ثلاثه بود پس هر قاری نقطه ها و حرکات را به مقتضای معانی از نزد خود می ماند و مثال بر این موضوع کلمه (یعلمه) یکی آن را (یُعَلِّمُهُ) می خواند و دیگر (نُعَلِّمُهُ) یا (یُعَلِّمُهُ) یا (بِعَلِّمِهِ) ... بحسب فهمیدن او معنای آیت را نقطه گذاری کرده اند.

### مطلب دوم: رد شبهات آنها

در حال که نقل قرآن کریم با قراءات متعدد آن را که امام ابن الجزری رحمه الله علیه در کتاب النشرفی القراءات العشر تعداد طریق های آن را به یک هزار طریق تقریباً به سند متواتر و صحیح جمع کرده، یکی از قوی ترین دلیل های است که این قرآن کریم از نزد الله تعالی است چرا که این نقل صحیح قرآن کریم با قراءات او به یک هزار طریق از قدرت و توانائی بشر بالا تر است و این مسأله بر هر طالب حق عیان و آشکار است، لکن دشمنان اسلام به عوض اینکه این مسأله بزرگ در قلب های شان اثر انداخته، و سبب مسلمان شدن شان گردد، بر عکس این مسأله را وسیله گرفتند، تا در عظمت و بزرگی این قرآن عظیم

۱ - مقدمة كتاب المصاحف لأرثر جفری (ص ۷).

طعنه زنند، و اگر غیر از این قرآن و از این دین مبین اسلام کدام کتاب دیگر و دین دیگر متعرض به این قدر از مکر و خداع و فتنه میشد، قطعاً که محو و نابود میشد، لکن چون که قرآن کریم کلام الله و این دین مبین دین الله است، با وجود دشمنان زیاد و حقد و حسد و مصرف کردن ملیاردها از دالرها، روز به روز به فضل و عنایت الله تعالی قوی تر و ثابت تر میشود، و مردم شرق و غرب روز به روز به دین الله گرویده و مشرف میشوند.

به هر حال باید به یقین کامل بدانیم که الله سبحانه و تعالی حافظ کتاب خود و نگهدار دین خود است، و هر دو تا روز قیامت محفوظ و عالی خواهد ماند. و قسم که در مثل ها گفتند که به لیسیدن سگ دریا مردار نمیشود. و آفتاب به دو انگشت پنهان نمیشود پس کوششهای این ظالمان بخاطری طعنه زدن در قرآن و اسلام سبب حرمان خود شان و صد ها تن از کسانی که به حرفهای این ها متأثر شده از گرویدن و مشرف شدن به دین مبین اسلام شد. و این مستشرقین گمراه و کور گناهان خود را و گناهان کسانی را که این ها سبب گمراهی شان شده متحمل میشوند.

به هر حال اگر ضرورت و حاجت نمی بود، حاجت نبود که وقت های گرانبهای خود را در ما حول حرف های بیهوده و نا چیز اینها صرف کنیم، لکن چون که مستشرقین و شاگردان شان که حرف های محرف و مزخرف نوشته اند تا که نور قرآن کریم و چراغ دین مبین اسلام را خاموش کنند، و بسیار از مردم عوام و کم علم و دور از دین شان به این ها متأثر شدند زیرا مجبوریم تا در محو و زائل کردن حرف های محرف و مزخرف این ها کوشش کنیم.

ورد بر اینها دو قسم است، که یکی رد عام و مجمل است، و دوم رد خاص و مفصل است. و کسی که رد عام و مجمل را بداند خودش میتواند که هر قدر شبهات و تحریف که مستشرقین و شاگردانشان از مسلمانها نوشتند رد کنند. به هر حال از الله کریم مدد خواسته به رد عام و مجمل آغاز میکنم.

اول: باید به یقین کامل بدانیم که در قراءات قرآن کریم هرگز اختلاف تضاد وجود ندارد، و قطعاً هیچ کدام قراءت وجود ندارد که حکم را ثابت کند و قراءت دیگر آن را نفی کند<sup>(۱)</sup>.

دوم: اختلاف که در قراءات قرآن کریم آمده از سه حال بیرون نیست

أ. اینکه دو قراءت در لفظ مختلف و در معنی متفق باشد. و مثال این نوع: کلمه الصراط بحرف صاد یا سین. و کلمه البخل یا البخل یا البخل با وجود اختلاف در لفظ هر دو یک معنی دارد<sup>(۲)</sup>.

ب. اینکه هر دو قراءت مختلف باشد در لفظ و معنی و هر دو معنی هم درست باشد و جمع در بین هر دو نا ممکن باشد لکن در بین هر دو معنی کدام تناقض و تعارض نباشد. مثال آن:

(وَأَنْظِرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ تُنْشِرُهَا...) <sup>(۳)</sup> در این آیت دو قراءت است (تُنْشِرُهَا) بالراء یعنی زنده میکنم آنها را، و (تُنْشِرُهَا) بالزاء یعنی آنها را بلند کرده و با یکدیگر پیوست میکنم. و چنانچه واضح است که در بین هر دو معنی تناقض نیست بلکه معنای یک دیگر را کامل میکند. به معنای اینکه اول استخوان ها را بلند کرده با یکدیگر وصل میکند، بعداً آن ها را زنده میکند<sup>(۴)</sup>.

ج. اینکه بین هر دو قراءت در معنی اختلاف باشد، لکن جمع در بین هر دو معنی ممکن باشد مثال این:

آیت مبارکه سورة البقرة (وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ) <sup>(۵)</sup> به فتح راء و ضم آن و هر دو معنای خاص دارد لکن جمع در بین هر دو معنی ممکن است چرا که مقصود آیت منع ضرر از کاتب و از شاهد است.

۱ - تأویل مشکل القرآن، لابن قتیبة (ص ۴۰).

۲ - حجة القراءات، لابن زنجلة (ص ۲۰۳).

۳ - سورة البقرة آية ۲۵۹.

۴ - حجة القراءات، لابن زنجلة (ص ۱۴۴)، و تأویل مشکل القرآن لابن قتیبة (ص ۴۱).

۵ - سورة البقرة آية ۲۸۲.

ابن قتیبة<sup>(۱)</sup> رحمة الله علیه می فرماید: (که اختلاف به دو قسم است: اختلاف تنوع و اختلاف تضاد)<sup>(۲)</sup>.

و اختلاف تضاد در قرآن کریم وجود ندارد، و اختلاف تضاد را انسان تصور نمیکند در کلام مردم عاقل و دانا وجود داشته باشد، پس چطور ممکن است که در کلام رب العالمین وجود داشته باشد. اما اختلاف تنوع وجود دارد<sup>(۳)</sup>.

سوم: اینکه اختلاف قراءات قرآن کریم قسم که مستشرقین میگویند بسبب طبیعت خط عربی و یا اختیار شخصی افراد نبوده بلکه بحسب قوانین ثابت و قواعد محکم بوده، و علمای کرام رضی الله عنهم سه قاعده آسان و واضح در این مسأله برای حق طلبان یاد کرده اند، که این موضوع را مانند آفتاب چاشت روشن می سازد، و همه مشکل های این موضوع را بسیار به آسانی حل میکند، و راه گمراهان و حاسدان و حاقدان و کج روان را بند میسازد، که آن سه قاعده به قرار ذیل است:

- ۱- حتماً باید که قراءت موافق باشد به قواعد لغت عربی.
  - ۲- حتماً باید که قراءت موافق باشد به رسم یکی از مصاحف عثمانی.
  - ۳- حتماً باید که اسناد قراءت متواتر و یا حد اقل صحیح باشد.
- پس بسیار به شکل آسان و واضح هر قراءت که از یکی از این قواعد ثلاثه خارج بود اعتبار ندارد و شاذ و مردود میباشد<sup>(۴)</sup>.

---

۱- او أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري، از فضلاء و پرهیزگاران بود، تصانیف زیاد دارد که از جمله: غریب القرآن و غریب الحديث و مشکل القرآن و غیره است. در تاریخ وفات او اختلاف است لکن راجح در سال ۲۷۶ هـ. ق وفات نمود. التاج المکمل لأبی الطیب الفتوی (ص ۴۷).

۲- تأویل مشکل القرآن، لابن قتيبة (ص ۴۰).

۳- القراءات فی نظر المستشرقین والملحدین، لعبد الفتاح القاضی (ص ۱۸).

۴- منجد المقرئين ومرشد الطالبين، لابن الجزري (ص ۱۵).

چهارم: چون که هدف عمده مستشرقین طعنه زدن در قرآن کریم است، و از همین راه از بین بردن دین مبین اسلام را، زیرا آن ها مسالک و راه های مشبوه و خیره و نادرست را در بحث های شان اختیار کرده اند که از جمله:

- ۱- ترک کردن روایات صحیحه را و اعتماد کردن به روایات ضعیفه و شاذه.
  - ۲- قراءت صحیحه و مردوده را به یک مرتبه قرار دادن.
  - ۳- کوشش کردن در اثبات اینکه سبب اختلاف قراءات مزاج اشخاص و طبیعت خط عربی بوده، نه اینکه حرف حرف لاحق از سابق بموجب قواعد ثابت و معتمده نقل گردیده باشد.
  - ۴- به خود حق این را دادند، که هر چه خواهد نویسند، بدون مراعات اساسیات و قواعد نوشتن درست، و اتباع منهج علمی واضح و دقیق.
  - ۵- یکی از مستشرقین به نام گولد تسیهر بخود مصطلح های خاص ایجاد کرده که در علم قراءات نزد مسلمان ها وجود ندارد به طور مثال: قراءت را که او ترجیح میدهد او را (الأصلية) می نامد و اگر که شاذ و مردود هم باشد. و قراءت را که ترجیح نمی دهد آن را (غير أصلية) می نامد و اگر که قراءت متواتر هم باشد. مثلاً:
- در قول الله سبحانه وتعالى (حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا...) <sup>(۱)</sup> در این آیت او قراءت شاذه را که لفظ (كُذِّبُوا) است و آن را قراءت (أصلية) انتخاب کرده، و بر قراءت متواتر که لفظ (كُذِّبُوا) است تقدیم کرده و ترجیح داده است، و این موضوع دلیل قطعی است که او نزاهت علمی و تجرد در بحث علمی خود نداشت <sup>(۲)</sup>.

پنجم: از دمهال کردن آثار مستشرقین آشکار میشود که آن ها در خطا بزرگ و خطر ناک واقع شدند برابر است که قصدا باشد یا سهوا که آن ها همه

۱ - سورة يوسف آية ۱۱۰.

۲ - مذاهب التفسير الإسلامی، لگولد تسیهر (ص ۴۱-۴۲).

تقریباً اتفاق دارند که سبب عمده در تعدد قراءات قرآن کریم خاصیت خط عربی و اختیار شخصی صحابه کرام بود، و مقتضای سخنان شان این است که خط عربی سابق باشد بر علم قراءات، به معنای این که در اول لفظ قرآن کریم نوشته شده باشد، و بعداً صحابه کرام رضی الله عنهم در آن اختلاف کرده باشند.

و چون که وجود خط عربی و علم قراءات با هم مصاحب بوده، پس یکی از آن ها هرگز سبب دیگر نتوان شد، بلکه هر دوی شان یعنی علم قراءات با نوشته که آن را آشکار و حفظ کند از نزد الله متعال است، و چندین احادیث صحیحه از حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده که این موضوع را فیصله کرده و روشن میسازد.

حدیث اول: امام طبری<sup>(۱)</sup> از حضرت براء بن عازب رضی الله عنه روایت کرده فرمود<sup>(۲)</sup>: من نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم بودم که فرمود: (ادع لی زیدا و قل له: یأتی أو یجیء باللوح والدواة ...) یعنی زید را بمن بخواه و به وی بگو که لوح و دوات یعنی وسائل نوشتن را با خود بیاورد...

حدیث دوم: امام مسلم<sup>(۳)</sup> از حضرت ابی سعید خدری رضی الله عنه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (لا تکتبوا عنی و من کتب

۱ - او أبو جعفر، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر الطبری است، امام، حافظ، مجتهد، پرهیزگار با تقوی، عالم اهل زمان خود بود، در سال ۲۲۴ هـ.ق تولد شده، یکی از نوادر زمان در علم و ذکاوت بود، کم است که چشمان مانند او را ببیند، مصنفات بدیع و ممیز دارد که از جمله: تاریخ الاسلام، و تفسیر الطبری که مانند او در تفسیر نوشته نشده. در سال ۳۱۰ هـ.ق وفات نمود. طبقات الفقهاء، للشیرازی (۹۳)، طبقات الحفاظ، للسیوطی (۳۱۰-۳۱۱)، سیر أعلام النبلاء، للذهبی (۲۸۲-۲۶۷/۱۴).

۲ - جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری) (۲۳۰/۵). صحیح البخاری، کتاب الجهاد والسير، باب قول الله تعالی: {لا یستوی القاعدون من المؤمنین} (۴/۲۴)، برقم (۲۸۳۱) صحیح مسلم، کتاب الإمارة، باب سقوط فرض الجهاد عن المعزورین (۱۵۰۹/۳)، برقم (۱۸۹۸).

۳ - او أبو الحسن مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری النیسابوری است، در سال ۱۹۴ هـ.ق تولد شده، امام، حافظ، صاحب کتاب الصحیح، ابو علی النیسابوری می فرماید که: در زیر آسمان کتاب صحیح تر از کتاب صحیح مسلم نیست. چندین مصنفات نافع و مفید دارد. در سال ۲۶۱ هـ.ق وفات کرد. طبقات الحفاظ، للسیوطی (۲۶۴-۲۶۵)، سیر أعلام النبلاء، للذهبی (۵۸۰-۵۵۷/۱۲).

عنی غیر القرآن فلیمحه...) (۱) یعنی از من غیر از قرآن کریم چیزی دیگر را نه نویسد و کسیکه نوشته پاک کند...

حدیث سوم: امام بخاری (۲) از حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت کرده که فرمود: من در زندگی رسول الله صلی الله علیه وسلم هشام بن حکیم را شنیدم، که سوره فرقان را تلاوت میکند بقراءة که اختلاف بزرگ دارد از آن چه که رسول الله صلی الله علیه وسلم به من یاد داده بود، پس از یخن او گرفته ام و گفتم این قراءت را به تو کی آموخته، گفت رسول الله صلی الله علیه وسلم، گفتم دروغگو هستی، رسول الله صلی الله علیه وسلم من را به حرف های دیگر آموخته، پس او را کش کرده نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم حاضر کرده ام، و گفتم یا رسول الله من این را شنیدم که سوره فرقان را به حرف های مختلف از آن چه که به من یاد دادی میخواند، فرمود: أرسله یعنی او را رها کن بعدا فرمود بخوان یا هشام، پس هشام خواند همان قسم که سابقا در نماز خود خوانده بود، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هكذا أنزلت. یعنی همین طور نازل گردیده، بعدا فرمود بخوان یا عمر، من خوانده ام آن قراءت مختلف را که از رسول الله صلی الله علیه وسلم آموخته بودم، فرمود: هكذا أنزلت. یعنی همین طور نازل گردیده. بعدا فرمود (إن هذا القرآن أنزل على سبعة أحرف، فاقروا ما تيسر منه) یعنی این قرآن کریم به هفت حرف نازل شده، پس بخوانید آن چه به شما میسر گردید (۳).

۱ - صحيح مسلم، كتاب الزهد والرقائق باب التثبت في الحديث وحكم كتابة العلم (۲۲۹۸/۴)، برقم (۳۰۰۴).  
۲ - او أبو عبد الله محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، الحافظ، العالم، امام اهل الحديث، صاحب الصحيح، در سال ۱۹۴ هـ.ق تولد شده، از اهل تقوى و پرهيزگارى و علم بود، مانند او در علم حديث شريف ديده نشده، از مؤلفات او: الجامع الصحيح، والتاريخ الكبير، والأدب المفرد، وغيره. از بيشتر از يك هزار عالم روايت کرده، در سال ۲۵۶ هـ.ق وفات كرد. طبقات الحفاظ، للسيوطي (۲۵۲-۲۵۳)، سير أعلام النبلاء، للذهبي (۳۹۱/۱۲-۴۷۱).

۳ - صحيح البخاري، كتاب فضائل القرآن، باب أنزل القرآن على سبعة أحرف (۱۸۵/۶)، برقم (۴۹۹۲). صحيح مسلم، كتاب صلاة المسافرين وقصرها، باب بيان أن القرآن على سبعة أحرف وبيان معناه، (۵۶۰/۱)، برقم (۸۱۸).

احادیث بیشتر درین مورد آمده است، لکن به هدف اختصار به همین سه حدیث شریف اکتفاء میکنم، و این احادیث دلالت قطعی می کند که نوشتن و قراءات هر دو در عهد رسول الله صلی الله علیه وسلم موجود بود، که در نتیجه همه ادعاءات و شبهات مستشرقین را رد و محو می سازد.

بعد از اینکه رد عام و مجمل بشکل کافی و شافی یاد کردیم، حالا به توفیق الله تعالی برد شبهات اینها بشکل خاص و محدود آغاز میکنم:

مستشرقین می گویند که سبب وجود قراءات طبیعت خط عربی و خالی بودن او از نقطه ها و از حرکات (زیر، زبر، پیش) است، و بعد از استعراض همه شبهات را که آنها ذکر کرده اند، به نتیجه ذیل می رسیم:

اول: از مثال های که آنها یاد کردند که در آن قراءات وجود دارد، در چهار از آنها یک قراعت متواتر است فقط که آن قراعت متواتر در آیات ذیل ذکر شده است:

- (وَنَادَىٰ أَصْحَابُ ۖ لِأَعْرَافٍ رِّجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُم جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ) (۱)

- (وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ) (۲)

- (وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ...) (۳)

- (وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (۴)

۱ - سورة الأعراف آية ٤٨.

۲ - سورة التوبة آية ١١٤.

۳ - سورة البقرة آية ٥٤.

۴ - سورة الرعد آية ٤٣.

دوم: از مثال های که آنها یاد کردند که در آن قراءات وجود دارد که بعض از ان متواتر است و بعض از آنها شاذ است، و قراءات متواتر دیگر را یاد نکردند، و قراءات شاذ را یاد کرده اند، دو آیت است:

- (مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ)<sup>(۱)</sup>
- (إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا) (۸) لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا)<sup>(۲)</sup>

در آیت اول: المتواتر: (نُزِّلَ) (تُنَزَّلُ) (تَنْزَلُ)، و او درین آیت یک قراعت متواتر و دو قراعت شاذ را ذکر کرده، و دو قراعت متواتر را ترک نموده<sup>(۳)</sup>.  
در آیت دوم المتواتر: (تعزروه) (يعزروه)، یک قراعت متواتر و یک شاذ را ذکر کرده، و یک قراعت متواتر را ترک نموده است<sup>(۴)</sup>.

**سوم:** از مثال های که یاد کردند که در آن قراءات متواتر است، نیز قراءات متواتر دیگری را ترک کردند مانند:

- (وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ...) <sup>(۵)</sup>

المتواتر: (بُشْرًا) (نُشْرًا) (نُشْرًا) (نُشْرًا)، و او درین آیت دو قراعت متواتر را ذکر کرده، و دو قراعت متواتر را ترک نموده است<sup>(۶)</sup>.

**چهارم:** مثال های را یاد کردند که در آن دو قراءات متواتر است، و در آن کدام اشتباه نکرده است:

- ۱ - سورة الحجر آية ۸.
- ۲ - سورة الفتح آية ۸-۹.
- ۳ - السبعة في القراءات، لابن مجاهد (ص ۳۶۶)، التيسير في القراءات السبع، للداني (ص ۱۳۵)، الحجة في القراءات السبع، لابن خالويه (ص ۲۰۵-۲۰۶)، حجة القراءات، لابن زنجلة (ص ۳۸۱)، النشر في القراءات العشر، لابن الجزري (۳۰۱/۲)، إتحاف فضلاء البشر في القراءات الأربعة عشر، للدمياطي (ص ۳۴۵).
- ۴ - التيسير في القراءات السبع، للداني (ص ۲۰۱)، الحجة في القراءات السبع، لابن خالويه (ص ۳۲۹)، حجة القراءات، لابن زنجلة (ص ۶۷۱-۶۷۲)، النشر في القراءات العشر، لابن الجزري (۳۷۵/۲)، إتحاف فضلاء البشر في القراءات الأربعة عشر، للدمياطي (ص ۵۰۹).
- ۵ - سورة الأعراف آية ۵۷.
- ۶ - الحجة في القراءات السبع، لابن خالويه (ص ۱۲۹)، حجة القراءات، لابن زنجلة (ص ۲۲۱-۲۲۳)، النشر في القراءات العشر، لابن الجزري (۲۵۴/۲)، إتحاف فضلاء البشر في القراءات الأربعة عشر، للدمياطي (ص ۲۵۱).

- (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا...) <sup>(۱)</sup>، در این آیت دو قرائت متواتر است: (فَتَبَيَّنُوا) <sup>(۲)</sup>.

- (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ) <sup>(۳)</sup>، در این آیت دو قرائت متواتر است: (وَأَرْجُلَكُمْ) و (وَأَرْجُلِكُمْ) <sup>(۴)</sup>.

ومن دلائل مستشرقین را به چهار قسم تقسیم کردم تا واضح بسازیم که رسم کلمه قرآنی متحمل می شود آن قراءات را که آنها ذکر کردند یا نکردند، پس بشکل قطعی ثابت میشود که آن مسائل را که آنها به خود دلیل می خواستند دلیل بر علیه آنها است.

واز این معلوم میشود که طبیعت خط عربی و خالی بودن او از حرکات سبب وجود قراءات نبوده، بلکه سبب وجود قراءات رحمة الله تعالى به این امت بوده تا تلاوت قرآن کریم به ایشان آسان شود.

واما مثال را که آرثر جفری <sup>(۵)</sup> یاد کرده است، واو یک مثال است: که عبارت از لفظ (يعلمه) است، واو میگوید که در این لفظ چهار قرائت است: يُعَلِّمُهُ نُعَلِّمُهُ نُعَلِّمُهُ وَيُعَلِّمُهُ.

۱ - سورة النساء آية ۹۴.

۲ - السبعة في القراءات، لابن مجاهد (ص ۲۳۶)، التيسير في القراءات السبع، للداني (ص ۹۷)، الحجة في القراءات السبع، لابن خالويه (ص ۱۲۶)، حجة القراءات، لابن زنجلة (ص ۲۰۸-۲۰۹)، النشر في القراءات العشر، لابن الجزري (۲/۲۵۱)، إتحاف فضلاء البشر في القراءات الأربعة عشر، للدمياطي (ص ۲۴۴).

۳ - سورة المائدة آية ۶.

۴ - التيسير في القراءات السبع، للداني (ص ۱۱۰)، الحجة في القراءات السبع، لابن خالويه (ص ۱۵۷)، حجة القراءات، لابن زنجلة (ص ۲۸۵-۲۸۶)، النشر في القراءات العشر، لابن الجزري (۲/۲۶۹-۲۷۰)، إتحاف فضلاء البشر في القراءات الأربعة عشر، للدمياطي (ص ۲۸۴).

۵ - او آرثر جفری از دولت استرالیا است، به حیث استاذ در پوهنتون امریکی در بیروت لبنان، بعدا در پوهنتون کولومبیا، ودر آخر به حیث استاذ در مکتب لغات در قاهره درس داده است، چندین کتاب ها حول اسلام وقرآن نوشته است، که از جمله: القرآن، دراسه عن کتاب مختصر شواذ القراءات لابن خالويه، وتحقیق کتاب المصاحف لأبی داود السجستانی، وغیره. آراء المستشرقین حول القرآن الکریم وتفسیره، لعمر رضوان (۱/۱۴۳).

و در رد این شبهه گفته میشود که این لفظ در یازده آیت در قرآن کریم آمده است<sup>(۱)</sup>، و علماء قراءات در یک موضع فقط اختلاف کرده اند، که او موضع دوم در سورة آل عمران است (وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ)<sup>(۲)</sup>، و در این آیت فقط دو قراءت متواتر آمده، نه چهار قسم که آرثر یاد کرده، که (وَيُعَلِّمُهُ) یا (وَتُعَلِّمُهُ)<sup>(۳)</sup>.

اما در ده موضع دیگر متفق هستند، پس اگر حرف های آرثر جفری درست میبود، باید که آنها در همه مواضع اختلاف میکردند، و چون که اختلاف نکردند شبهه آرثر باطل و محو گردید در آنکه سبب تعدد قراءات قرآنی طبیعت خط عربی و خالی بودن آن از نقطه ها و حرکات است.



۱ - الاختلاف بين القراءات، لأحمد الببلي (۱۰۳-۱۰۵)، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الكريم، لمحمد فؤاد عبد الباقي (۵۸۰-۵۸۹).

۲ - سورة آل عمران آية ۴۸.

۳ - السبعة في القراءات، لابن مجاهد (ص ۲۰۶)، التيسير في القراءات السبع، للداني (ص ۸۸)، الحجة في القراءات السبع، لابن خالويه (ص ۱۰۹)، حجة القراءات، لابن زنجلة (ص ۱۶۳)، النشر في القراءات العشر، لابن الجزري (۲/۲۴۰)، إتحاف فضلاء البشر في القراءات الأربعة عشر، للدمياطي (ص ۳۲۳).



مبحث دوم: اضافه کردن الفاظ در قرآن کریم به قصد تفسیر و غیره.

و در این مبحث دو مطلب است:

- مطلب اول: ذکر شبهات مستشرقین در این نقطه
- مطلب دوم: رد این شبهات



## مبحث دوم: اضافه کردن الفاظ در قرآن کریم به قصد تفسیر و غیره

### مطلب اول: ذکر شبهات مستشرقین در این نقطه

گولد تسیهر میگوید: ویک طائفه دیگر از قراءات است که بسبب اضافات تفسیری به وجود آمده، به غرض بیان کردن معنی و دور کردن اشکال، به اضافه کردن لفظ دقیق تر، که معنای پنهان را واضح میکند.

و بسیار از مثال های این زیادات از دو تن از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم بشکل خاص روایت شده، و این هر دو از معلمین بزرگ، و از اصحاب مقام عالی در بین صحابه کرام بودند، که آن ها عبد الله بن مسعود، و ابی بن کعب رضی الله عنهما هستند<sup>(۱)</sup>.

و ابی رضی الله عنه کاتب وحی رسول الله صلی الله علیه وسلم بود، و از اصحاب مقام عالی در قراءت قرآن کریم بود، و یکی از چهار کسانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که: (تَعْلَمُوا الْقُرْآنَ مِنْ أَرْبَعَةٍ)<sup>(۲)</sup>.

و اما ابن مسعود رضی الله عنه از دهن مبارک رسول الله صلی الله علیه وسلم هفتاد سوره را آموخته، و اول کسی بود که قرآن کریم را به آواز بلند در مسجد حرام خواند، و یکی از چهار کسانی بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حق ایشان فرمود (تَعْلَمُوا الْقُرْآنَ مِنْ أَرْبَعَةٍ)<sup>(۳)</sup>.

و بعد از این میگوید، نه تنها این دو صحابی هستند که زیادات تفسیری به اینها نسبت میشود، بلکه از دیگر کسان نیز روایت شده است.

بعدا بذکر مثال ها و دلایل خود آغاز میکند و میگوید<sup>(۴)</sup>:

در سوره آل عمران (وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا)<sup>(۱)</sup>. او میگوید: در این آیت دو اضافه شدگی است، فاتقوا الله من أجل ما جئتم به، و أطيعون فیما دعوتکم إليه.

۱ - مذاهب التفسیر الإسلامی، لگولد تسیهر (ص ۲۰).

۲ - صحیح البخاری، کتاب مناقب الأنصار، باب مناقب ابی بن کعب رضی الله عنه (۳۶/۵)، رقم (۳۸۰۸).

۳ - در بالا تخریج شد.

۴ - مذاهب التفسیر الإسلامی، لگولد تسیهر (ص ۲۰-۲۶).

و در سوره احزاب (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ) (۲) او میگوید که در این آیت بعد از کلمه آنفسهم عبارت (وهو أب لهم) را ابن مسعود زیاد کرده.

و در سوره بقره (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ) (۳) او میگوید که هر دو صحابی کلمه فاختلفوا را بعد از لفظ واحدة اضافه کرده اند.

و در سوره هود (وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ) (۴) او میگوید که ابن مسعود بعد از این جمله، جمله دیگر را اضافه کرده (وهو قاعد).

و در سوره نساء (فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً) (۵) میگوید که در این آیت اضافه شده از طرف اشخاص که نکاح متعه را جائز میدانند بعد از لفظ منهن (إلى أجل مسمى)

و در سوره بقره (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ) (۶) او میگوید که در این آیت عبارت وهی (صلاة العصر) بعد از جمله (والصلاة الوسطی) اضافه گردیده است.

و در سوره مائدة (فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ) (۷) او میگوید که در این آیت لفظ (متتابعات) بعد از جمله (ثلاثة أيام) اضافه گردیده و علمای که تتابع را در روزه گرفتن سه روز شرط میدانند به این اضافه عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب رضی الله عنهما استدلال میکنند.

۱ - سوره آل عمران آیه ۵۰.

۲ - سوره الأحزاب آیه ۶.

۳ - سوره البقره آیه ۲۱۳.

۴ - سوره هود آیه ۷۱.

۵ - سوره النساء آیه ۲۴.

۶ - سوره البقره آیه ۲۳۸.

۷ - سوره المائدة آیه ۸۹.

او بعضی از مثال های دیگر را نیز یاد کرده مگر به همین قدر اکتفاء می کنم<sup>(۱)</sup>.

### مطلب دوم: رد این شبهات

و در مورد رد بر این شبهات چند نقطه اضافی باید یاد کرد

ا. ذکر بعض مناقب عبد الله بن مسعود رضی الله عنه

ب. ذکر بعض مناقب اُبی بن کعب رضی الله عنه

ج. آیا ذکر این مناقب کافی است در قبول اضافات تفسیری آن ها در قرآن کریم.

د. رد شامل و کافی بر همه این شبهات.

ه. ذکر دو قضیه مهم که متعلق در این مسأله است.

#### ا. ذکر بعض مناقب عبدالله بن مسعود رضی الله عنه

۱. امام بخاری از شقیق بن سلمه<sup>(۲)</sup> روایت کرده، که فرمود: که عبد الله بن مسعود رضی الله عنه به ما خطبه گفت، که در جمله کلام او آمد (والله لقد أخذت من فی رسول الله صلی الله علیه وسلم بضعا وسبعین سورة، والله لقد علم أصحاب النبی صلی الله علیه وسلم انی من أعلمهم بکتاب الله، وما أنا بخیرهم...) <sup>(۳)</sup> یعنی به الله سوگند که من از دهن مبارک رسول الله صلی الله علیه وسلم هفتاد و چند سوره را یاد گرفتم، و به الله سوگند که اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم میدانند که من از علمای شان در فهم قرآن کریم هستم، و من بهترین آنها نیستم.

۱ - مذاهب التفسیر الإسلامی، لگولد تسیهر (ص ۲۰-۲۶).

۲ - او أبو وائل شقیق بن سلمة الأسدی الکوفی است، در عهد رسول الله صلی الله علیه وسلم بود لکن متأسفانه او را ندید، از تعداد بزرگ از صحابه احادیث روایت کرده است، و او عالم ترین مردم به حدیث ابن مسعود رضی الله عنه است، در سال ۸۲ هـ.ق وفات کرد. طبقات الحفاظ، للسیوطی (ص ۲۸)، سیر أعلام النبلاء، للذهبی (۱۶۱/۴-۱۶۶).

۳ - صحیح البخاری، کتاب فضائل القرآن باب القراء من أصحاب النبی صلی الله علیه وسلم، (۱۸۶/۶) رقم (۵۰۰۰) صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابة رضی الله عنهم، باب من فضائل عبدالله بن مسعود وأمه رضی الله عنهما (۱۹۱۲/۴)، رقم (۲۴۶۲).

۲. امام بخاری رحمه الله علیه از عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت میکند که فرمود: (والله الذي لا إله غيره ما أنزلت سورة من كتاب الله إلا أنا أعلم أين أنزلت، ولا أنزلت آية من كتاب الله إلا أنا أعلم فيما أنزلت، ولو أعلم أحدا أعلم بكتاب الله تبلغه الإبل لركبت إليه)<sup>(۱)</sup>. یعنی به الله قسم که سوره از کتاب الله نازل نشده مگر من میدانم که در کجا نازل شده، و آیت از کتاب الله نازل نشده مگر من میدانم که به چه نازل شده، و اگر بدانم که شخص از من عالم تر است در کتاب الله، و انسان به وی رسیده میتواند، خود را به او میرسانم.

۳. ابن ماجه<sup>(۲)</sup> رحمه الله علیه از عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت میکند، که حضرت أبو بکر و حضرت عمر رضی الله عنهما به او مژده و بشارت داده، که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (من أحب أن يقرأ القرآن غضا كما أنزل فليقرأه على قراءة ابن أم عبد)<sup>(۳)</sup>، یعنی هر کس میخواست که قرآن کریم را مانند که نازل شده بخواند، بقراءت ابن أم عبد یعنی عبد الله بن مسعود رضی الله عنه بخواند. واحادیث صحیحه زیاد در مناقب عبدالله بن مسعود رضی الله عنه آمده است، لکن اختصارا به همین قدر اکتفاء میکنم.

### ب. ذکر بعض مناقب ابي بن کعب رضی الله عنه

۱. امام بخاری رحمه الله علیه از حضرت انس رضی الله عنه روایت کرده که فرمود: (جمع القرآن على عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم أربعة كلهم من الأنصار: أبي، ومعاذ بن جبل، وأبو زيد، وزيد بن ثابت)<sup>(۴)</sup>. یعنی که

۱ - صحيح البخاری، کتاب فضائل القرآن باب القراء من أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم، (۱۸۷/۶) رقم (۵۰۰۲) صحيح مسلم، کتاب فضائل الصحابة رضی الله عنهم، باب من فضائل عبدالله بن مسعود وأمه رضی الله عنهما (۱۹۱۲/۴)، رقم (۲۴۶۳).

۲ - او أبو عبد الله محمد بن يزيد ابن ماجه القزوينی است، حافظ مشهور، صاحب کتاب سنن ابن ماجه، در سال ۲۰۹ هـ.ق تولد شده، و او امام محدث برهیزگار با تقوی بود، مصنفات مختلف در حدیث و تفسیر و تاریخ نوشته است، در سال ۲۸۳ هـ.ق وفات نمود. طبقات الحفاظ، للسيوطی (۲۸۲-۲۸۳)، التاج المکمل، لأبي الطيب القنوجی (۱۰۱-۱۰۲).

۳ - صحيح ابن ماجه، افتتاح الكتاب في الإيمان فضائل الصحابة والعلم، باب فضل عبدالله بن مسعود رضی الله عنه (۴۹/۱)، رقم (۱۳۸). والطبرانی (۶۶/۹) برقم (۸۴۲۳).

۴ - صحيح البخاری، کتاب مناقب الأنصار، باب مناقب زيد بن ثابت رضی الله عنه (۳۷/۵)، برقم (۳۸۱۰) صحيح مسلم، کتاب فضائل الصحابة رضی الله عنهم، باب من فضائل أبي بن كعب وجماعة من الأنصار رضی الله عنهم (۱۹۱۴/۴)، برقم (۲۴۶۵).

چهار کس قرآن را کاملاً در عهد رسول الله صلی الله علیه وسلم حفظ نمودند، که همه آن ها از انصار بودند: اُبی بن کعب، ومعاذ بن جبل، و اُبو زید، وزید بن ثابت، رضی الله عنهم أجمعین.

۲. امام بخاری رحمه الله علیه نیز از حضرت انس رضی الله عنه روایت کرده که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود به اُبی (إن الله أمرني أن أقرأ عليك {لم يكن الذين كفروا من أهل الكتاب} (۱) قال: وسماني؟ قال: نعم. فبكي) (۲). یعنی رسول الله صلی الله علیه وسلم به حضرت اُبی رضی الله عنه فرمود: الله سبحانه وتعالى من را امر فرمود، که به تو سورة بينه را بخوانم، او گفت: آیا نام من را گرفت؟ فرمود: بلی. پس اشک های او جاری گردید.

۳. امام ترمذی (۳) رحمه الله علیه از حضرت انس رضی الله عنه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (أرحم أمتی بأمتی أبو بكر ... وأقرأهم أبی) (۴). یعنی رحم دل ترین شخص در امت من به امت من اُبو بكر است ... و متقن ترین آن ها در قراءت قرآن کریم اُبی رضی الله عنه است.

### ج. آیا ذکر این مناقب کافی است در قبول اضافات تفسیری آن ها در قرآن کریم.

بدون شک که این مناقب و غیر از این ها، کافی نیست در مسأله قبول اضافه کردن در لفظ قرآن کریم، بلکه حتی قراءت که منسوب به رسول الله صلی

۱ - سورة البينة آية ۱.

۲ - صحيح البخاری، كتاب مناقب الأنصار، باب مناقب اُبی بن کعب رضی الله عنه (۳۶/۵)، برقم (۳۸۰۹) صحيح مسلم، كتاب فضائل الصحابة رضی الله عنهم، باب من فضائل اُبی بن کعب و جماعة من الأنصار رضی الله عنهم (۹۱۵/۴)، برقم (۲۴۶۵).

۳ - او اُبو عیسی، محمى بن عیسی بن سورة الضحاک السلمي الترمذی، الضریر، حافظ مشهور، یکی از امامان علم حدیث، کتاب جامع ترمذی، و کتاب علل، و کتاب تواریخ، را تألیف کرد، یک مضرب مثل بود در قوت حفظ، در سال ۲۷۹ هـ.ق در شهر ترمذ وفات نمود. طبقات الحفاظ، للسيوطی (۲۸۲)، التاج المکمل، صديق حسن خان (۱۰۱).

۴ - سنن الترمذی، أبواب المناقب عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، باب مناقب معاذ بن جبل وزید بن ثابت وأبی وأبی عبدة بن الجراح رضی الله عنهم (۱۲۷/۶)، برقم (۳۷۹۱)، السنن الكبرى للنسائي، كتاب المناقب، باب مناقب اُبی بن کعب رضی الله عنه (۴۵/۷)، برقم (۸۱۸۵). وقال الترمذی: حدیث حسن صحيح.

الله علیه وسلم باشد قبول نمیشود، تا اینکه سه شرط که قبلاً ذکر شده است در آن متوفر باشد.

امام ابن الجزری رحمه الله علیه می فرماید: هر قرائت که موافق به لغت عربی، و موافق به رسم مصاحف عثمانی باشد، و سند آن صحیح باشد پس آن قرائت قابل قبول است، که رد آن جائز نیست. بلکه این قرائت از حرف های سبعة که قرآن کریم به آن نازل گردیده است، و لازم است به همه که آن را قبول کند، و موضع اعتبار قرار دهد، برابر است که از قرائت هفت یا ده یا غیر از این ها از علمای اسلام باشد، و همچنان امام ابو عمرو الدانی رحمه الله تعالى علیه نیز این مسأله را تأیید و تأکید کرده است. و امام ابو محمد مکی بن ابی طالب<sup>(۱)</sup>، و امام أبو العباس المهدوی<sup>(۲)</sup>، و امام أبو القاسم أبو شامة<sup>(۳)</sup>، همه این مسأله را تأیید کردند، بلکه این مسأله نزد سلف صالح محل اتفاق است، که در آن کدام خلاف نقل نشده است<sup>(۴)</sup>.

### وآن سه شرط که علمای کرام یاد کرده اند به قرار ذیل است:

- ۱- موافقت لغت عربی و اگر از یک جهت باشد.
- ۲- موافقت رسم یکی از مصاحف عثمانی و اگر احتمالاً باشد.
- ۳- سند درست و متصل به رسول الله صلی الله علیه وسلم.

۱ - او أبو محمد مکی بن ابی طالب بن حموش بن محمد بن مختار القیسی القیروانی است، در سال ۳۵۵ هـ.ق تولد شده، عالم مقرئ فقیه متدین، متقن در علوم، لکن علوم قرآن و قراءات بر او غالب بود، و او از امامان این فن شمار میشود، تقریباً هشتاد کتاب نوشته، در شهر قرطبه در سال ۴۳۷ هـ.ق وفات کرده. سیر أعلام النبلاء، للذهبی (۵۹۱/۱۷-۵۹۳)، شجرة النور الزكية، لمحمد مخلوف (۱۶۰/۱).

۲ - او أبو العباس أحمد بن عمار المهدوی، نسبت به مهدیه که در مغرب است، مصنفات نافع دارد که از جمله: التفسیر المشهور، الهدایة فی القراءات السبع، و غیره. در سال ۴۳۰ هـ.ق وفات یافت. طبقات المفسرین، للداوودی (۵۶/۱).

۳ - او أبو القاسم عبد الرحمن بن إسماعیل بن إبراهيم بن عثمان، شهاب الدین المقدسی الدمشقی است، معروف به أبو شامة، امام، مجتهد، مؤرخ، محدث، در سال ۵۹۶ هـ.ق تولد شده. از مصنفات او: کتاب الروضتین فی أخبار الدولتین، و شرح الشاطیبة، و اختصار تاریخ دمشق، در سال ۶۶۵ هـ.ق وفات کرد. فوات الوفيات، لمحمد بن شاکر (۲۶۹/۲)، طبقات الحفاظ، للسیوطی (۵۱۰)، بغیة الوعاة، للسیوطی (۷۷/۲).

۴ - النشر فی القراءات العشر لا بن الجزری (۹/۱).

پس هر قراءت از هر مصدر که باشد در حال مخالفت یکی از این سه شرط، قراءت ضعیف و شاذ و غیر معتبر می باشد.

وبناء زیادت یک کلمه یا کمی آن از رسم مصحف عثمانی این قراءت را مردود و غیر مقبول می گرداند، و بنا بر آن حکم شاذ و ضعیف و مردود را میگیرد<sup>(۱)</sup>.

#### د. رد شامل و کافی بر همه این شبهات.

بدون شک که به هر باحث با انصاف به شکل روشن و آشکار معلوم میشود که این اضافات که در آیات قرآنی اضافه شده از قبیل تفسیر است، و اضافه در لفظ قرآنی گفته نمی شود، و از مثال های که قبلا به شکل کامل و وافی یاد شد، معلوم میشود که این اضافات همه از اسباب تعدد قراءات نیست، چرا که همه و بدون استثناء قراءات شاذ و غیر معتبره است، بخاطری اینکه شرط از شروط سه گانه را از دست داده است، که عبارت از موافقت رسم مصحف عثمانی است.

#### ه. ذکر دو قضیه مهم که متعلق در این مسأله است.

قضیه اول: یقینا که در صدر اسلام قراءات وجود داشت، و منسوخ شد، و اینکه جبریل علیه السلام هر سال قرآن کریم را یک بار بر رسول الله صلی الله علیه وسلم عرض می کرد، و در سال که وفات نمود دو بار عرض نمود، و او در آن عرض ها نسخ و منسوخ قرآن و قراءات را بیان می نمود.

وصحابه کرام، و همچنان تابعین امر شدند به اینکه قرآن کریم را از غیر او مجرد و پاک بنویسند، و غیر از قرآن حرف های دیگر را به او خلط نکنند، حتی اگر احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم باشد، و از این فهمیده میشود که آنها در مصاحف شان اضافات میکردند، از قبیل فاتحه، و خاتمه، و تفسیر، و تعلیق، و غیره، و اگر نه امر مؤکد که بتجرید قرآن کریم شده بودند بی فایده می بود، و امام ابن

۱ - المصدر السابق (۱۲/۱-۱۳).

الجزری و سیوطی رحمة الله علیهما این مسأله را بیشتر توضیح می دهند: که صحابه کرام تفسیر و توضیح و بیان را در مصاحف خود اضافه می کردند، چرا که آنها اطمینان کامل داشتند به حفظ و اتقان خویش، و اینکه قابل تصور نیست که در بین قرآن کریم و غیر قرآن کریم نزد ایشان خلط شود<sup>(۱)</sup>.

و از تفصیل فوق معلوم میشود که این زیادات تفسیری دو قسم است:

۱- زیادات که به قصد تفسیر و توضیح زیاده شده، و کسانی که بعدا آمدند، آن را از قرآن شما ریدند.

۲- آن چه قرآن بوده و منسوخ شده، چرا که صحابه کرام همه شان اجماع کردند به جمع قرآن کریم در عهد عثمان رضی الله عنه در مصاحف، و اینکه ما سوای آن منسوخ می باشد.

قضیه دوم: حکم این قراءات بعد از اینکه ثابت شد که شاذ و غیر معتبر است چیست؟

امام مکی بن ابی طالب رحمة الله علیه و ابن الجزری رحمة الله علیهما که از علمای بزرگ و عالی مقام علم قراءات هستند این مسأله را توضیح دادند و گفتند که: در این حالت قراءت قبول میشود، و لکن بحیث قرآن خوانده نمیشود، بخاطر اینکه مخالفت اجماع کرده است، لذا از این قراءات در حال صحت سند آن، در استنباط احکام تفسیر، و غیره، استفاده میشود، لکن قراءت آن به حیث قرآن جائز نیست<sup>(۲)</sup>. والله تعالی اعلم.



۱ - الإیتان فی علوم القرآن، للسیوطی (۲۰۸-۲۰۹)، مناهل العرفان فی علوم القرآن، للزرقانی (۴۳۱/۱).

۲ - النشر فی القراءات العشر لابن الجزری (۱۴/۱).



مبحث سوم: اراده پاکی وتنزیه الله تعالى وپیغمبران وصالحین از چیز  
های که به مقام ومنزلت آن ها لایق نیست.

و در این مبحث دو مطلب است:

- مطلب اول: ذکر شبهات مستشرقین در این نقطه
- مطلب دوم: رد شبهات آنها



## مبحث سوم: اراده پاکی و تنزیه الله تعالى و پیغمبران و صالحین

از چیز های که به مقام و منزلت آن ها لایق نیست.

### مطلب اول: ذکر شبهات مستشرقین در این نقطه

مستشرق گولد تسیهر در این نقطه شبهات خاص عرض می کند: او میگوید و العیاذ بالله که در قراءات قرآن کریم عبارات وجود دارد، که لائق به مقام الله سبحانه و تعالی و به مقام رسولش صلی الله علیه وسلم نیست.

و اینکه بخاطر این قراءات ضرورت پیدا شد تا لفظ قرآنی تغییر یابد، تا لایق به آن چه گردد که لائق مقام الله تعالی و رسولش صلی الله علیه وسلم باشد.

و این تغییرات مشابه است به آن چه که در لفظ عهد قدیم حاصل شده، لکن از جهت نظر کج و بلا توفیق او، عهد قدیم به اعتماد نهائی رسیده، لکن تغییرات که در لفظ قرآن کریم آمده موفق نشده تا در لفظ اصلی قرآن کریم بشکل نهائی جا گیر شود<sup>(۱)</sup>.

بعد از این مثال ها و دلائل بر این شبهات کورانۀ خود وارد میکند که از جمله:

در سوره آل عمران در آیت (شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ...) <sup>(۲)</sup> او میگوید که بعضی از علمای مسلمانان درک کردند که شهادت الله تعالی به نفس خود مشکل بزرگ است، زیرا خواستند این مسأله را حل کنند پس جمله (شهد الله) را به جمله (شهداء الله) تبدیل کردند.

از جهت نظر او که قراءت اصلی که در آیت است (شهد الله) بفعل ماضی با تعظیم الله تبارک و تعالی و تنزیه او متفق نیست، بخاطر که شهادت الله به

۱ - مذاهب التفسیر الإسلامی، لگولد تسیهر (ص ۳۱-۳۲).

۲ - سوره آل عمران آیه ۱۸.

نفس خود متصل به ملائکه و علماء درست نمی شود، و در نتیجه قرائت دیگر ظاهر شد بدل از (شهد الله) (شهداء الله).

و در سورة الصافات در آیت (بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ)<sup>(۱)</sup> او میگوید: که قرائت اصلی به ضمیر متکلم است (عجبت)، و این قرائت در نظر او به مقام الوهیت و تنزیه الله تعالی متفق نیست. پس در نتیجه از جهت نظر او قرائت دیگر ظاهر شد بضمیر مخاطب (عجبت) یعنی رسول الله صلی الله علیه وسلم او متعجب است نه الله تعالی.

و در سورة عنکبوت در آیت (أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ) (۲) وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ)<sup>(۲)</sup> او میگوید که این آیات مشتمل است - در نظر خواننده بسیط - به فرض اینکه الله سبحانه و تعالی این را میداند بعد از امتحان، آیا نمی داند آن را بدون امتحان، آیا او نیست کسیکه این مسائل را تقدیر و قضاء کرده، و قرائت را آورده که منسوب بعلی رضی الله عنه و الزهری<sup>(۳)</sup> است، و مقصد از این قرائت رفع این شبهه است (فَلَيَعْلَمَنَّ) بمعنای اینکه الله تعالی این را به مردم می آموزد، یا بمعنای اینکه الله تعالی در اینها وسم و علامه ظاهر میکند، تا مردم آن ها را ببینند، و علامه صادق سیاهی چشم، و یا چشم سرمه، و علامه دروغ گویان کبودی چشم است.

و در سورة مائده حواریین عیسی علیه السلام را سوال میکنند و میگویند: (يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ...) (۴) در نظر او که قرائت اصلی (هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ) به یاء مناسب نیست به مقام حواریین، پس در سؤال ایشان شک در قدرت الله تعالی است، و این مسأله سبب ظهور قرائت

۱ - سورة الصافات آیه ۱۲.

۲ - سورة العنکبوت آیه ۲-۳.

۳ - او أبو بکر محمد بن مسلم بن عبید الله بن عبد الله بن شهاب الزهری القرشی المدنی است، یکی از تابعین کرام، محدث، پرهیزگار با تقوی، ده تن از صحابه کرام را دیدند، حضرت عمر بن عبد العزیز در ولایت های مختلف پیام روان کرد که شما از ابن شهاب استفاده بگیرید، چرا که از او عالم تر به سنت نمی یابید، در سال ۱۲۴ هـ ق وفات نمود. طبقات الفقهاء، للشیرازی (۶۳-۶۴). شجرة النور الزكية، محمد مخلوف (۷۰/۱)، طبقات الحفاظ، للسيوطی (۴۹-۵۰).

۴ - سورة المائدة آیه ۱۱۲.

دیگر شد که در آن تنزیه ایشان است (هَلْ تَسْتَطِيعُ رَبُّكَ) بمعنای که آیا میتوانی از پروردگار خود سوال کنی تا به ما مائده نازل کند از آسمان؟

و در سوره انبیاء در آیت (قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ)<sup>(۱)</sup> در نظر او قراءت اصلی در آیت (احکم) به صیغه امر اتفاق نمی کند با تعظیم و تنزیه الله سبحانه و تعالی، و همچنان با مقام و منزلت رسول الله صلی الله علیه وسلم، که چطور طلب میکند از الله سبحانه و تعالی که به حق حکم کند، پس ضرورت پیدا شد تا قراءت دیگر ظاهر شود، و او (أَحْكُم) به صیغه تفضیل تا که آیت اخبار از الله سبحانه و تعالی باشد، که او اعظم حاکم به حق است از همه حاکمان کرده.

و در آیت سوره آل عمران (وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ)<sup>(۲)</sup> او میگوید که قراءت اصلی (يَغُلَّ) غیر لائق است، چرا که به پیغمبر امر نا لائق نسبت داده میشود، و این مسأله سبب ظهور قراءت تنزیهی دیگر شد (يُغْلَّ) به بناء مجهول<sup>(۳)</sup>.

### مطلب دوم: رد این شبهات

از خلال امثله سابقه و غیره که گولد تسیهر ذکر کرده او میگوید که: در قراءات اصلی بعض آیات قرآن کریم عبارات است، که لائق به مقام الله سبحانه و تعالی و پیغمبران او نیست.

و در جواب او میگویم که این حرفها بی ادبی و وقاحت گفته میشود، و به گمان من این سخن غیر از یهودیان از کسی دیگر صادر نمی شود، چرا که معنای حرف های او این است، که او از الله سبحانه و تعالی کرده دانا تر و عالم تر است، چطور در ذهن انسان عاقل تصور وارد میشود، که الله سبحانه و تعالی در کلام خود عبارات ذکر می کند که لائق مقام او و یا مقام پیغمبران او نباشد!

و او بخود و به دیگران حق این را میدهد، تا اینکه کلام الله عظیم و بزرگ را تصحیح و تعدیل کند، به حسب عقل ناقص و فهم نا درست خود بکند.

۱ - سورة الأنبياء آية ۱۱۲.

۲ - سورة آل عمران آية ۱۶۱.

۳ - مذاهب التفسير الإسلامي، لگولد تسیهر (ص ۳۱-۴۲).

وجدلا فرض میکنم که حرف های این ماکر وحاقد درست است، ودر کلام الله سبحانه وتعالی وحاشاه از این قبیل چیز ها وجود داشته باشد، از مقتضای عقل ومنطق این است، که الله سبحانه وتعالی خودش ورسول سردارش آن را تعدیل کند، نه قسم یهودیان که بعد از وفات پیغمبر شان صلی الله علیهم وسلم مردم آمده وآن را به حسب خواهشات نفسانی خویش تعدیل کردند.

مقتضای حرف های این غیر موفق این است که دو نوع قراعت وجود دارد: قراعت اصلی که الله سبحانه وتعالی او را نازل کرده ودر آن خلل ونقص وجود دارد، وقراعت تنزیهی که قراعت درست وبدون اخطاء است، واین قراعت را خود او (گولد تسیهر) انتخاب کرده، در این جا سوال منطقی وارد میگردد، که آیا انسان که یک ذره عقل داشته باشد از او این حرف صادر میشود!

از اسلوب گولد تسیهر بشکل واضح معلوم میشود که او میخواهد همان قسم که یهودیان کلام الله تعالی را که بر موسی علیه السلام نازل شده بود تحریف وتغییر دادند وفاسد کردند، همان قسم میخواهند که قرآن کریم را همچنان کنند، وبسبب جهل ومکر وخبت خود مسأله عظیم وبزرگ را فراموش می کنند، که الله سبحانه وتعالی خودش حفاظت کلام خود را به دوش خود گرفته است، واین کلام عزیز به هزار طریق تقریبا به سند صحیح وثابت نقل گردیده، وبه رسم معین نوشته شده، واز لحظه که نازل شده تا امروز کسی نتوانسته که در او یک حرف ویا حرکت اضافه ونقصان بیاورد.

ومسأله بزرگ دیگر اینکه مسلمانان از وقت صحابه کرام تا امروز قرآن کریم را به تلقی ومشافهت لاحق از سابق به اسانید صحیحه وثابته ومتواتره میخوانند وبه اجماع کلی علمای معتبرین اسلام که در قرآن کریم یک ذره تغیر وتبدیل حاصل نشده وهمان قسم که به رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل شده بود تا حالا هست وتا روز قیامت می ماند.

نقطه بسیار مهم وجالب، که در نظر من گولد تسیهر او را خوب و صحیح میداند که الله سبحانه و تعالی خودش به حفظ قرآن کریم متکفل شده است، زیرا در تصور انسان که مرض نفسی نداشته باشد امکان تغییر و تبدیل در او وارد نمیشود. او در این فصل تکلف و تملق و مکر و حیل کرده تا قراءات بیاورد که در آن تنزیه الله سبحانه و تعالی باشد، و اگر از توفیق و خیر محروم نمی بود، می دانست که بزرگترین تنزیه الله سبحانه و تعالی آن است که کلام او از تحریف و تغییر محفوظ ماند، و کلام را که او حفاظتش را به دوش خود گرفته هیچ کسی نمیتواند در آن ذره تغییر و یا تحریف بیاورد.

او خودش ذکر کرده که تغییرات که در کتاب آن ها شده بود بشکل نهائی معتمد گردیده، اما تغییرات در قرآن عظیم الشان وارد گردیده معتمد نشده، و این حرف درست است، و سبب اینکه علمای اسلام به یهود چانس ندادند تا در قرآن کریم دست بزنند، و آن را به حسب اهواء و شهوات خود تحریف کرده و تغییر دهند، و آن را به شکل نهائی و معتمد به حسب دعوای شان برسانند.

این حاقق و حاسد قراءات متواتر و معتمد را ترک کرده، و همچنان قراءات اربعه که علمای اسلام آن را قراءات شاذه نام نهادند، رفته از کتاب های مختلف، بعض قراءات را که نزد علمای اسلام هیچ اعتبار ندارد، جمع کرده، و آن را قراءات اصلی نام نهاده، و قراءات متواتر و معتمد مسلمانان را قراءات غیر اصلی نام نهاده، بخاطری تحقیق اهداف شوم و ناشایسته خویش.

علمای اسلام رضی الله عنهم تا این دروازه را به گولد تسیهر و هم شکلان او بند کنند سه شرط که قبلا ذکر کردیم به خاطر قبول و اعتماد قراءت ماندند، که هر قدر حاققین و ماکرین کوشش کنند چیزی کرده نمیتوانند.

به شکل عام: در اکثر شبهات این محروم که نظر کنیم، قراءات را که یاد کرده، و خواسته که در قرآن کریم به واسطه آن طعنه بزنند، و در دل مسلمان های که علم کافی ندارند شک و شبهه بیندازد، یکی از این سه شرط حد اقل در آن

مفقود است، یعنی قرائت شاذ و مردود است، زیرا وقت گرانهای قارئین کرام را از این بیشتر در تفصیلات شبهات وی ضایع نمی‌کنم.



**مبحث چهارم: آزادی افراد و اشخاص در قرائت لفظ قرآن کریم.**

**و در این مبحث دو مطلب است:**

○ **مطلب اول: ذکر شبهات مستشرقین در این نقطه**

○ **مطلب دوم: رد این شبهات**



## مبحث چهارم: آزادی افراد و اشخاص در قراءت لفظ قرآن کریم

### مطلب اول: ذکر شبهات مستشرقین در این نقطه

گولد تسیهر میگوید که در اول اسلام به افراد مسلمانان حریت و اختیار داده شده بود در قراءت قرآن کریم، حتی اگر آن قراءت با قراءت اصلی مطابق نمی بود، و دلائل محرف زیاد جمع کرده، به قصد اثبات این شبهه خود.

و از جمله مثال های که یاد کرده<sup>(۱)</sup>:

آنکه حضرت عثمان رضی الله عنه قرآن کریم را خوانده به وجه مخالف از قرآن که در عهد او جمع گردیده بود، در قول الله سبحانه و تعالی (وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ)<sup>(۲)</sup> میگوید که عثمان رضی الله عنه در این آیت اضافه کرده جمله (وَيَسْتَعِينُونَ اللهَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ).

و همچنان به قصه زید بن ثابت رضی الله عنه که قرآن کریم را خوانده بلفظ مخالف از لفظ مصحف که خود او به امر عثمان رضی الله عنه نوشته، در قول الله تعالی (هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ)<sup>(۳)</sup> که قراءت زید رضی الله عنه (يُسَيِّرُكُمْ) بدل از (يُسَيِّرُكُمْ) بوده.

و همچنان استدلال میکند به روایت که از عمر بن الخطاب رضی الله عنه نقل شده، که قرآن کریم همه اش درست است، و در روایت دیگر شافی و کافی است، بشرط که آیت رحمة آیت عذاب خوانده نشود، و آیت عذاب آیت رحمة، و همچنان به قول ابن مسعود رضی الله تعالی عنه که من قاریان را شنیدم و دیدم که قراءات آنها با

۱ - مذاهب التفسیر الإسلامی، لگولد تسیهر (۴۸-۵۱).

۲ - سورة آل عمران آیه ۱۰۴.

۳ - سورة یونس آیه ۲۲.

هم نزدیک است، پس بخوانید قسم که به شما یاد داده میشود، در نهایت او مانند قول شما هلم وتعال یعنی به یک معنی است. و همچنان به قرائت او در سورة فاتحه بدل از (اهْدِنَا) <sup>(۱)</sup> اُرشدنا الصراط المستقیم. به تغییر دادن لفظ به مرادف او.

و همچنان رای خود را تایید میکند به آنکه از امام عبد الله بن المبارک <sup>(۲)</sup> نقل شده، که او قرائت کسی را رد نمی کرد، و اگر که مخالف به قرائت مشهور هم میبود.

و او میگوید که این حریت و آزادی در قراءات لفظ قرآنی، و جواز قرائت آن به معنی منسوب به خود رسول الله صلی الله علیه وسلم است، به دلیل آنکه قراءات وجود دارد منسوب به رسول الله صلی الله علیه وسلم که مخالف بلفظ مشهور است.

و رای خود را تقویه میکند به آن قرائت که منسوب به رسول الله صلی الله علیه وسلم، وفاطمه، وعائشه، رضی الله عنهما است (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ) <sup>(۳)</sup> به فتح فاء (أَنْفُسِكُمْ) با اینکه این قرائت مخالف است با قرائت مشهور. و مثال های دیگر هم یاد کرده، که از جمله آن <sup>(۴)</sup>:

از ابو السرار الغنوی <sup>(۵)</sup> در قول الله سبحانه وتعالی (وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا) <sup>(۶)</sup> بدل (نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ) (نَسْمَةٌ عَنْ نَسْمَةٍ) میخواند.

و قرائت که منسوب به عبد الله بن مسعود رضی الله عنه است، در قول الله تعالی (وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا) <sup>(۱)</sup> (فَاقْطَعُوا أَيْمَانَهُمَا) بدل از (أَيْدِيَهُمَا).

۱ - سورة الفاتحة آية ۶.

۲ - او عبد الله بن المبارک بن واضح الحنظلی است، عالم زمان خود، و امیر متقیان، امام ثقة ثبت حجت، جامع علم و جهاد و جامع فقه و حدیث و عربی و شجاعت و سخا و کرم، در سال ۱۱۸ هـ.ق تولد شده و در سال ۱۸۱ هـ.ق وفات نموده. سیر أعلام النبلاء، للذهبی (۳۷۸/۸-۴۲۱)، الوافی بالوفیات، للصفدی (۲۵۵/۱-۲۵۶).

۳ - سورة التوبة آية ۱۲۸.

۴ - مذاهب التفسیر الإسلامی، لگولد تسیهر (۲۶-۲۸).

۵ - او أبو سرار الغنوی است، از پدر خود روایت کرده، و پدرش از حضرت عمر بن عبد العزيز روایت کرده، و أبو سلمة موسى بن إسماعیل از أبو سرار روایت کرده است، الجرح والتعديل لابن أبي حاتم (۳۸۸/۹).

۶ - سورة البقرة آية ۴۸.

وقرأت منسوب به أنس بن مالك رضي الله عنه در قول الله تعالى به زبان مريم عليها السلام (إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا)<sup>(۲)</sup> (صمتا) بدل (صَوْمًا).  
 وقراءت دیگر منسوب به حضرت عبد الله بن مسعود رضي الله عنه در قول الله تعالى (أَوْ يَكُونْ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرُفٍ)<sup>(۳)</sup> (من ذهب) بدل (مِّنْ زُخْرُفٍ) به هر حال، او تمام مثال های را که ذکر کرده مرجع و سبب اساسی آن را حریت اشخاص در قراءت لفظ قرآنی تشخیص کرده.

### مطلب دوم: رد این شبهات

از الله سبحانه وتعالى مدد خواسته به رد شبهات مذکوره آغاز میکنم:

#### اول: رد اجمالی:

۱- از رسول الله صلى الله عليه وسلم کدام لفظ صحیح و صریح نیامده، و نه از کدام تن از صحابه کرام رضي الله عنهم که دلالت کند به جواز قراءت قرآن کریم به معنی.

۲- اگر حریت در قراءت لفظ قرآن کریم میبود که هر کس هر چه میخواست بخواند، باید که به ما هزار ها بلکه میلیون ها از قراءات صحابه و تابعین می رسید، و همه این قراءات در یک درجه از حیث صحت میبود.

۳- اگر حریت در اختیار قراءات قرآن کریم جائز میبود، به شرط صحت و اتصال سند قراءت به رسول الله صلى الله عليه وسلم حاجت و ضرورت نمی بود.

۴- در حدیث ثابت که عمر بن الخطاب رضي الله عنه هشام بن حکیم رضي الله عنه را شنید، که قراءت میخواند به خلاف آن قراءت که او از رسول الله صلى الله عليه وسلم آموخته بود، پس او را کش کرده نزد رسول الله صلى الله عليه وسلم برد، تا بین شان حکم کند، و رسول الله صلى الله عليه وسلم هر دو قراءت را تأیید کرده، و صحت آن را تأکید کرد، به قول

۱ - سورة المائدة آية ۳۸.

۲ - سورة مريم آية ۲۶.

۳ - سورة الإسراء آية ۹۳.

خود (هكذا أنزلت) (۱) یعنی همین طور نازل گردیده. وبا وجود حاجت و ضرورت کدام اشاره به طرف حریت شخص در قراءت نکرده است.

۵- امام سیوطی (۲) رحمه الله از امام ابن الجزری نقل کرده که احیاناً صحابه کرام رضی الله عنهم تفسیر را در مصاحف خود اضافه می کردند، بخاطر توضیح و بیان، چرا که آن ها از حفظ و اتقان خود بیقین کامل بودند، و هیچ شک و شبهه و ترس در دل آن ها نبود، که شاید قرآن کریم به غیر از او خلط شود، و در جمله رد های را که در شبهات سابقه ذکر شده نیز به رد این شبهات کافی است لکن بخاطر مزید از بیان و توضیح در رد این شبهات بتفصیل بحث میکنم (۳).

### دوم: رد مفصل:

حالا به مدد الله سبحانه و تعالی به شبهات که گولد تسیهر در این مطلب ذکر کرده، دانه دانه شروع کرده و آن را محو و زائل میکنم:

شبهه که در قراءت حضرت عثمان رضی الله تعالی عنه آورده، که او در آیت سورة آل عمران (وَلَتَكُنَّ مِّنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) (۴) جمله اضافه کرده (و يستعينون الله على ما أصابهم)

اولا: این قراءت از قراءات متواتر و معتبر نیست.

۱ - صحيح البخارى، كتاب فضائل القرآن، باب أنزل القرآن على سبعة أحرف (١٨٥/٦)، برقم (٤٩٩٢). صحيح مسلم، كتاب صلاة المسافرين وقصرها، باب بيان أن القرآن على سبعة أحرف وبيان معناه، (٥٦٠/١)، برقم (٨١٨).

۲ - او جلال الدين عبد الرحمن بن أبى بكر بن محمد بن أبى بكر الشافعى الأسىوطى است، امام، محقق، حافظ مسند، در سال ٨٤٩ هـ.ق تولد شده، در همه علوم و فنون امام بارز بوده، و از اقران خود بالا تر شده، در آفاق شهرت پیدا کرده، و کتاب های نافع و مفید نوشته، که از جمله: الإتيان فى علوم القرآن، والجامع الكبير، والجامع الصغير، وغيره. در سال ٩١١ هـ.ق وفات کرد. الضوء اللامع، للسخاوى (٦٥/٤)، الكواكب السائرة، للغزى (١٢/٢)، البدر الطالع، للشوكانى (٣٣٤-٣٢٨/١).

۳ - الإتيان فى علوم القرآن، للسيوطى (٢٠٩/١).

۴ - سورة آل عمران آية ١٠٤.

دوم: این روایت منسوب به صبیح<sup>(۱)</sup> است و علمای روایت فرمودند: که صبیح از عثمان رضی الله عنه هیچ چیزی روایت نکرده، یعنی روایت ضعیف و بی اعتبار است<sup>(۲)</sup>.

سوم: به فرض صحت روایت، این دلیل بزرگ است که جمع عثمان رضی الله عنه جمع معتبر و معتمد است، چرا که آن چه را جمع کرده که به او اجماع و اتفاق علمای صحابه شده، نه آن چه که خود او اختیار و یا انتخاب کرده.

چهارم: اگر افراد اختیار و حریت میداشتند، که هر چه بخواهند اضافه کرده میتوانند، پس لازم بود که عثمان رضی الله عنه این جمله را در مصحف خود اضافه میکرد.

و اما مثال دوم را که در آیت سوره یونس ذکر کرده (هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ)<sup>(۳)</sup> در این آیت دو قرائت ذکر کرده، و هر دو قرائت متواتر و معتبر است، و هر دو قرائت شرط های قرائت مقبول را مستوفی کرده است، پس مشکل کجا است؟<sup>(۴)</sup>.

و در موضع سوم: استدلال کردن او به قول عمر رضی الله عنه که قرآن همه درست است، و همه کافی و شافی است، بشرط که آیت رحمة بعذاب و آیت عذاب بر رحمة مبدل نگردد.

۱ - صبیح مجهول است، و نسب او معروف نیست، و أبو خيثمة در حق او گفته: که خبیث و کذاب بوده. الكامل، لابن عدی (۱۳۶/۵).

۲ - تهذیب الکمال، للمزی (۱۱۲/۱۳)، وتهذیب التهذیب، لابن حجر (۳۵۹/۴)، النقات، لابن حبان (۳۸۲/۴).

۳ - سورة یونس آية ۲۲.

۴ - السبعة فی القراءات، لابن مجاهد (۳۲۵)، التیسیر فی القراءات السبع، للدانی (۱۲۱)، حجة القراءات لابن زنجلة (۳۲۹)، النشر فی القراءات العشر لابن الجزری (۲۸۲)، إتحاف فضلاء البشر فی القراءات الأربعة عشر للمیاطی (۳۱۱).

و این قول در اصل حدیث از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده، امام ابو داود از ابی بن کعب رضی الله عنه روایت کرده، گفت که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: یا ابی قرآن به من نازل گردید، پس گفته شد به یک حرف یا به دو؟ و ملائک که همراهی من بود گفت بگو به دو حرف. گفتم به دو. باز گفته شد: به دو حرف یا به سه؟ ملائک که همراهی من بود گفت بگو به سه. گفتم: به سه. تا اینکه به هفت حرف رسید، بعدا گفت نیست از این هفت قراءت مگر شافی و کافی، و اگر گفتم سمیعا علیما، عزیزا حکیما، مگر اینکه آیت عذاب برحمة و آیت رحمة بعذاب ختم نگردد<sup>(۱)</sup>.

اما دلیل گرفتن او این حدیث شریف را به آزادی اشخاص در قراءت قرآن کریم درست نیست، چرا که از این حدیث شریف گرفته می شود که رسول الله صلی الله علیه وسلم اختیار داده شد به قراءت قرآن کریم، پس او صلی الله علیه وسلم عدد زیاد را اختیار کرد تا به هفت حرف رسید، و از این حدیث فوائد دیگر نیز گرفته میشود:

۱- رسول الله صلی الله علیه وسلم طلب زیادت حروف را کرده، زیرا قراءات قرآن کریم بناء به طلب رسول الله صلی الله علیه وسلم ایجاد گردیده، نه اینکه آن را رسول الله صلی الله علیه وسلم و یا صحابه کرام به اختیار و اجتهاد خود اضافه کرده اند.

۲- شاید که این مسأله به خاطر حاجت و ضرورت طرح گردیده باشد، مگر بعد از اینکه علم قراءات در مرحله نهائی و استقرار رسید بعد از عرضه اخیر، که جبریل علیه السلام با محمد صلی الله علیه وسلم عرض کرد کدام

۱ - سنن ابی داود، کتاب الصلاة، أبواب قراءة القرآن وتحذیه وترتيله، باب أنزل القرآن على سبعة أحرف (۷۶/۲)، برقم (۱۴۷۷). ومسنند أحمد (۱۲۴/۵)، برقم (۲۱۱۸۷)، سنن البيهقي، كتاب الحيض، باب وجوب القراءة على ما نزل من الأحرف السبعة دون غيرهن من اللغات (۳۸۴/۲)، برقم (۳۸۰۲)، مصنف ابن أبي شيبة، كتاب فضائل القرآن، باب القرآن على كم حرف أنزل (۱۳۸/۶)، برقم (۳۰۱۲۲)، مصنف عبد الرزاق، كتاب الجامع، للإمام معمر بن راشد الأزدي، باب على كم أنزل القرآن من حرف (۲۱۹/۱۱-۲۲۰)، برقم (۲۰۳۷۱). وامام ألبانی درجہ حدیث را در صحیح ابی داود صحیح گفته است (۲۱۷/۵).

تغییر و تبدیل و تقدیم و تأخیر را علماء در لفظ قرآن کریم قطعا جائز نمی بینند، و در هر قراءت که وارد میشود برای قبول آن توفیر سه شرط که سابقا یاد آوری کردم حتمی و ضروری می بینند.

۳- بعد از اجماع صحابه کرام به مصاحف عثمانی، در هیچ قراءت متواتر نقل نشده که در کلمات قرآن کریم تقدیم و تأخیر آمده باشد، یا به طور مثال اینکه در یک موضع (سمیعا علیما) (عزیزا حکیما) خوانده شده باشد. و در مثال چهارم: استدلال کردن به قول ابن مسعود رضی الله تعالی عنه که من قاریان را شنیدم و دیدم که قراءات آنها با هم نزدیک است، پس بخوانید قسم که به شما یاد داده میشود، در نهایت او مانند قول شما هلم وتعال یعنی به یک معنی است<sup>(۱)</sup>.

و این استدلال وی درست نیست، به خاطر اینکه این حدیث به جواز قراءت بالمعنی دلالت نمی کند بلکه واضحا معلوم میشود که شما قراءت را به آن طریق بخوانید که به شما یاد داده میشود، نه به هر طریق که شما میخواهید، و مفهوم آن این است، که هرگاه که قراءت شما در داخل قراءات متواتر باشد، هیچ اشکال وجود ندارد.

و اما بخصوص قراءت او در سورة فاتحه بدل از (اهْدِنَا) اُرشدنا الصراط المستقیم<sup>(۲)</sup>. به تغیر دادن لفظ به مرادف او. او لا: اینکه این قراءت قراءت شاذ است.

دوم: اینکه در این قراءت یکی از شروط سه گانه مفقود است، و آن شرط عبارت از موافقه رسم عثمانی است.

سوم: اینکه شاید این قراءت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه قبل از اجماع صحابه کرام به مصاحف عثمانی بوده باشد.

۱ - المعجم الكبير، للطبرانی (۱۳۸/۹) برقم (۸۶۸۰)، سنن البيهقي، كتاب الحيض، باب وجوب القراءة على ما نزل من الأحرف السبعة دون غيرهن من اللغات (۳۸۴/۲)، برقم (۳۸۰۴)، ومصنف ابن أبي شيبة، كتاب فضائل القرآن، التنطع بالقراءة (۱۲۷/۶)، برقم (۳۰۰۳۸). وبعد از بحث طولانی وجدی نیافتم کسی را که صحت و یا ضعف این اثر را بیان کرده باشد.

۲ - مختصر فی شواذ القرآن، لابن خالویه (ص ۹).

چهارم: شاید که این قرائت منسوخ، و یا قرائت تفسیری باشد.  
پنجم: به صرف نظر از این قرائت بعد از اجماع صحابه به مصاحف عثمانی، این قرائت شاذ و مردود شمار میشود بخاطری که مخالف به رسم عثمانی است.

و همچنان رای خود را تایید میکند به آنکه از امام عبد الله بن المبارک نقل شده که او قرائت کسی را رد نمی کرد، و اگر که مخالف به قرائت مشهور هم میبود.  
اولا: گولد تسیهر این حرف های سابقه را به تذکرة الحفاظ للامام الذهبی احواله کرده است، و بعد از رجوع به کتاب مذکور کشف کردم که عبارت (مخالف به قرائت مشهور) را او از نزد خود اضافه کرده، و در کلام منقول وجود ندارد<sup>(۱)</sup>.  
دوم: اهل اختصاص در علم قراءات میدانند که تنها قراءات عشر کبری هشتاد طریق است، و هر طریق بدون شک او شبهه قرائت معتبر و درست است، پس اگر یک قاری به هر طریق از همین هشتاد طریق بخواند، قرائت او درست و معتبر است، پس مشکل در کجا؟

و امام ابن الجزری رحمه الله تعالى علیه در کتاب نشر در قراءات عشر<sup>(۲)</sup> نو صد و هشتاد و دو طریق صحیح و معتبر به قراءات متواتره ذکر کرده است، پس اگر یک امام به یک طریق از این طریق ها بخواند قرائت او صحیح و معتبر است، پس مشکل در کجا؟

و او در مثال دیگر میگوید که این حریت و آزادی در قراءات لفظ قرآنی، و جواز قرائت آن به معنی منسوب به خود رسول الله صلی الله علیه وسلم است، به دلیل آنکه قراءات وجود دارد منسوب به رسول الله صلی الله علیه وسلم، که مخالف به لفظ مشهور است.

۱ - تذکرة الحفاظ للذهبی (۲۷۷/۱).

۲ - النشر فی القراءات العشر لابن الجزری (۳۵۳/۱-۶۵۰).

ورای خود را تقویه میکند به آن قراعت که منسوب به رسول الله صلی الله علیه وسلم، وفاطمه، وعائشه، رضی الله عنهما است (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ)<sup>(۱)</sup> به فتح فاء (أَنْفُسِكُمْ) با اینکه این قراعت مخالف است با قراعت مشهور.

در مورد رد این شبهه گفته میشود، که یک شخص که این قدر اطلاع بزرگ در علم قراءات داشته باشد، هر گز به او فرق بین قراءات متواتر و شاذ پوشیده نمی باشد، ولکن همان قسم که الله سبحانه وتعالی در قرآن کریم وصف بعض مردمان را کرده است (وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ)<sup>(۲)</sup> یعنی: آنان آیات ما را بسبب ستم و سر کشی انکار کردند، در حالکه دلهای شان به آن یقین داشت، پس بنگر عاقبت مفسدان چه گونه بود<sup>(۳)</sup>.

این شخص بد بخت و محروم قراءات متواتر و معتبر را یک طرف مانده و بخاطر تحقیق مقاصد شوم خود، قراءات شاذ و غیر معتبره را که از جمله این حرف میباشد وارد میکند، و متأسفانه که بعضی از متأخرین که بعد از وی آمده اند، او را عالم منصف شمرده، و به این تحریفات و تخاریف او متأثر شده اند<sup>(۴)</sup>.

و مسأله دیگر: اینکه همه قراءات به رسول الله صلی الله علیه وسلم منسوب است، لکن مجرد نسبت قراعت به وی دلیل تواتر و صحت نیست، بلکه شرط قبول و اعتبار قراعت آن سه شرط است، که بارها در این بحث ذکر شده است.

و در مثال های اخیر که ذکر کرده است:

که از ابو السرار الغنوی در قول الله سبحانه وتعالی (وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا)<sup>(۵)</sup> بدل (نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ) (نَسْمَةٌ عَنْ نَسْمَةٍ)<sup>(۶)</sup> میخواند.

۱ - سورة التوبة آية ۱۲۸.

۲ - سورة النمل آية ۱۴.

۳ - تفسير أحسن الكلام، لحسين كنه داری (ص ۳۷۸).

۴ - مانند محمد فتحی که مقاله در اخبار اهرام مصری در باره او نوشته و او را منصف گفته اخبار الأهرام، العدد ۴۷۱۴۰. به تاریخ: ۱۹/۳/۱۴۳۷ هـ.

۵ - سورة البقرة آية ۴۸.

۶ - البحر المحيط، لأبي حيان (۳۰۸/۱). والكشاف، للزمخشري (۱۳۵/۱).

وقراءت که منسوب به عبد الله بن مسعود رضی الله عنه است در قول الله تعالى (وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا)<sup>(۱)</sup> (فاقطعوا أيمنهما)<sup>(۲)</sup> بدل از (أَيْدِيَهُمَا).

وقراءت منسوب به أنس بن مالك رضی الله عنه در قول الله تعالى به زبان مریم عليها السلام (إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا)<sup>(۳)</sup> (صمتاً)<sup>(۴)</sup> بدل (صَوْمًا).

وقراءت دیگر منسوب به حضرت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه در قول الله تعالى (أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرَفٍ)<sup>(۵)</sup> (من ذهب)<sup>(۶)</sup> بدل (مِّنْ زُخْرَفٍ).

در همه این مثال ها یک جواب مختصر کافی است، که این قراءات را که گولد تسیهر از کتاب های گوناگون جمع کرده، به خاطر اثبات تحریفات و شبّهات خود، قراءات شاذه و غیر معتبره است، و این یک دلالت قطعی هست که مذکور أبداً باحث منصف و حقانی نبوده، و هدف او رسیدن به حق نبوده، بلکه هدف او بشکل واضح و آشکار به همه باحثین ظاهر می شود، که عبارت از اثبات تحریف و تغییر در قرآن کریم، و به وسیله آن دین مبین اسلام را از بیخ و ریشه کردن است. و لکن الله سبحانه و تعالی در حق او و امثال او در کلام خود حکم قطعی خود را یاد کرده، تا امید آن ها نا امید شود.

(يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّأ أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)<sup>(۷)</sup>

یعنی: آنان میخواهند که نور الله سبحانه و تعالی را با دهان های خود خاموش کنند، و او اباء میکند، مگر اینکه نورش را کامل و تمام کند، و اگر که کافران کراهت داشته باشد<sup>(۱)</sup>.

۱ - سورة المائدة آية ۳۸.

۲ - تفسير البغوى (۴۶/۲). التفسير البسيط، للواحدى (۳۶۷/۷).

۳ - سورة مريم آية ۲۶.

۴ - تفسير يحيى بن سلام (۲۲۱/۱)، تفسير القرطبى (۹۷/۱۱).

۵ - سورة الإسراء آية ۹۳.

۶ - الدر المنثور للسيوطى (۳۴۰/۵)، وفتح القدير للشوكانى (۳۰۶/۳).

۷ - سورة التوبة آية ۳۲.

و در اخیر بشکل فشرده و مختصر میگویم که:

الله سبحانه و تعالی متکفل به حفظ قرآن کریم شده است، و هر کس کوشش کند که در آن طعنه بزند و یا تحریف و تغییر بیاورد، فقط روی خود را سیاه کرده، و دنیا و آخرت خود را خراب میکند.

و در حق علمای که در علم قراءات دست رسی دارند، مطالعه کردن شبهات مستشرقین و ردود آن قابل اهتمام نیست، چرا که باطل بودن شبهات آن ها واضح تر از آفتاب چاشت، و ضعیف تر از خانه عنکبوت است. لکن نا گفته نماند که بسیاری از مستشرقین، و تعداد از مسلمانها به سبب جهل در علم قراءات به این شبهات متأثر گردیده اند.

و مانند طوطی الفاظ این مستشرقین را به حیث مسلمات گرفته، و در کتاب های خود نقل کرده اند، و همین سبب باعث نوشتن این بحث بود، که از الله سبحانه و تعالی سوال دارم که این جهد و کوشش بسیط بنده عاجز خود را خاص به رضای خود گردانیده، و به در بار خود قبول فرماید.



## خاتمه

به فضل و کرم و توفیق الله تعالى این بحث به تمام رسید، به امید اینکه مسلمانان از این بحث فیض و خیر حاصل کنند، و از بنده خاص به رضای خود قبول فرماید.

### نتیجه های مهم بحث:

۱- الله سبحانه و تعالی حفظ کلام خود را به عهده خود گرفته، بلکه حتی عهده جمع و بیان کردن او را به عهده خود گرفته.

۲- در بدایت بعثت رسول الله صلی الله علیه و سلم صحابه کرام بعض اضافات در مصاحف خود به قصد تفسیر، و توضیح، و غیره اضافه کردند، و کسانی که بعد از آن ها آمدند بعض از آن نوشته ها را در قراءات داخل کردند.

۳- حضرت عثمان رضی الله عنه در وقت خلافت خود تعداد از علمای متقنین صحابه را انتخاب کرده، امر کرد تا مصاحف بنویسند، که بعدا اجماع صحابه کرام به قبول آن ورد ما سوای آن شد.

۴- علماء کرام سه شرط واضح و آسان برای قبول قراءت قرآن کریم ماندند، که در حال مخالفت یکی از آن سه شرط قراءت شاذ و مردود گفته میشود، که آن شرط ها قرار ذیل است:

أ- باید که قراءت به قواعد لغت عربی موافق باشد.

ب- باید که قراءت به رسم یکی از مصاحف عثمانی مطابق باشد.

ج- اسناد قراءت متواتر و یا حد اقل صحیح باشد.

۵- مستشرقین شبهات زیاد حول قراءات قرآن کریم یاد کردند، که همه این شبهات آن شروط را که علمای اسلام برای قبول و اعتماد قراءت ماندند مد نظر نگرفته اند.

۶- در حال اعتماد کردن به آن سه شرط، شبهات خود به خود رفع شده، و محو و نا بود میگردد.

۷- متأسفانه از نوشته های مستشرقین واضح میشود، که اکثریت آن ها در نوشته های خود محاید، وحق طلب، و منصف نبوده اند.

۸- همچنان از تحریرات شان به شکل آشکار معلوم میشود که: آن ها از حقد و کراهیت و مکر و حیلہ پر بودند، و در میدان تحریف و دروغ گوئی مهارت زیاد نشان دادند.

۹- مستشرقین به شکل عموم از قراءات شاذه و مردوده و غیر معتبره، که مخالف مصاحف عثمانی بوده، و مخالف اجماع صحابہ کرام بوده، در شبهات خود مثال آورده اند.

۱۰- یکی از مهمترین نتائج این بحث اینست که: الله سبحانه و تعالی کسی که را خوانده خوانده، و کسی را که رانده رانده، و بدون شک که خواندن و راندن او به علم و حکمت است، به طور مثال: یکی از علمای بزرگ که بیشتر از پنج صد بحث در علوم اسلامی نوشته، با وجود علم و کتاب ها صاحب وی خود گمراه، و سبب گمراهی دیگران نیز گشت، مانند مستشرق یهودی: گولد تسیهر.

۱۱- از مطالعه کردن کتابهای مستشرقین فهمیده میشود که: آن ها قبل از صد ها سال مبارزه علمی، و ثقافی، و فرهنگی را در پهلوی مبارزه جنگی با مسلمانان آغاز کرده بودند.

۱۲- علمای اسلام رضی الله عنهم هر کدام به اندازه قدرت و طاقت خویش در رد این شبهات جد و جهد زیاد کردند.

۱۳- اگر که این شبهات نزد علمای متخصصین بسیار ضعیف و نا چیز بوده، مگر نزد غیر متخصصین یک بلبله و جنجال کلان ایجاد کرده است، نه تنها مستشرقین که بعدا ظاهر شدند، بلکه حتی یک تعداد از مسلمان ها به این شبهات متأثر شده، و در دام مستشرقین گرفتار شدند.

۱۴- در سر زمین های اسلام کتاب های مختلف و متعدد در این موضوع تألیف گردیده، لکن در افغانستان فکر می کنم تا الحال مؤلفات در این موضوع کم و محدود است.

۱۵- جهود علمای غرب و مستشرقین بر علیه اسلام و مسلمانان در میدان غزو فکری، و فرهنگی، از تصور و عقل انسان بالا تر است، به هزار ها بحث ها، و به هزار ها مؤلفات، و به هزار ها شبهات، به وسائل مختلف و متعدد، نزد نسل جوانی مسلمان تقدیم می گردد.

۱۶- با وجود اینکه این شبهات و اباحت ضعیف تر از خانه عنکبوت است، لکن در نتیجه انتشار جهل در علوم دینی نزد جوانانی مسلمان از یک ناحیه، و تقدم و پیشرفت مادی و حضاری غرب، سبب شد تا تعداد از جوانان مسلمانان فریب خورده، و در دام مکر و حیل آن ها واقع گردند.

### پیشنهادهای:

- ۱- لازم است که اهل اختصاص از علمای اسلام به رد شبهات اهتمام کافی بدهند به خاطر دو مسأله:  
أ- تا اینکه غیر اهل تخصص در مسأله شبهات داخل نشود، و شبهات را قوی تر و محکم تر نکنند.  
ب- یگان کسی که به یک سبب از اسباب در قلب او شبهه پیدا می شود، بتواند جواب شبهه خود را در کلام علماء بیابد.
  - ۲- ضروری است که علمای متخصصین در علم قراءات، این علم شریف که متعلق به کلام الله سبحانه و تعالی است، و او حفظ و حمایت آن را در عهده خود گرفته، به مردم به طریقه درست و صحیح برسانند، تا دشمنان اسلام نتوانند آن را مشوه و تحریف کنند.
  - ۳- باید که در اسه شبهات و عرض آن به اهل اختصاص باشد، و در نزد عامه عرض نشود، تا که بعض از این شبهات در قلب آن ها نچسبد، و نتایج سلبی ندهد.
  - ۴- ضرورت بیان کردن حالی مستشرقین با دلائل واضح از کلام و سیرت شان در باره دوری آن ها از حق طلبی و انصاف، و غرق بودن آن ها در تاریکی های تعصب و حقد و حسد، و تحریف و باطل.
  - ۵- ضرورت مراعات ضوابط و قواعد شرعی در رد شبهات، و تطبیق آن در حال قیام به این فرض کفائی.
  - ۶- بیان کردن منزلت و مقام عالی علماء، که آن ها چراغ های دین و نگهبانان اسلام هستند، و دشمنان اسلام به هر وسیله که می توانند میخواهند مقام آن ها را زیر پا کرده و ایشان را توهین کنند.
- در ختام حمد و شکر و ثناء الله سبحانه و تعالی را میگویم، که به من میسر کرد تا حرف های در دفاع از کلام مبارک او بنویسم، و در بیان مکر و حقد و کراهیت

دشمنان او سهم بگیرم، به امید اینکه این جهد کم و نا چیز بنده را خاص به رضای خود گردانیده، و به دربار خود قبول فرماید.

والحمد لله رب العالمین  
وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.



## فهرس آیات های قرآنی

| م  | طرف آیت                                                                   | سوره     | رقم آیت | صفحه    |
|----|---------------------------------------------------------------------------|----------|---------|---------|
| ۱  | اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ                                        | الفاتحة  | ۶       | ۷۲ - ۷۸ |
| ۲  | وَأَنذِرُوا بِهِ مُنْشَاهِبَهَا                                           | البقرة   | ۲۵      | ۱۱      |
| ۳  | وَأَنذِرُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا               | البقرة   | ۴۸      | ۷۳ - ۸۰ |
| ۴  | إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ | البقرة   | ۵۴      | ۴۲ - ۵۲ |
| ۵  | كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً                                          | البقرة   | ۲۱۳     | ۵۸      |
| ۶  | حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ                     | البقرة   | ۲۳۸     | ۵۸      |
| ۷  | وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا                             | البقرة   | ۲۵۹     | ۴۷      |
| ۸  | وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ                                      | البقرة   | ۲۸۲     | ۴۷      |
| ۹  | وَأُخِرَ مُنْشَاهِبَاتٌ                                                   | آل عمران | ۷       | ۱۱      |
| ۱۰ | شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ                             | آل عمران | ۱۸      | ۶۶      |
| ۱۱ | وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالنُّورَ وَالْإِنْجِيلَ          | آل عمران | ۴۸      | ۵۵      |
| ۱۲ | وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ                                      | آل عمران | ۵۰      | ۵۷      |
| ۱۳ | وَلَتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ                      | آل عمران | ۱۰۴     | ۷۵ - ۷۵ |
| ۱۴ | وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ                                        | آل عمران | ۱۶۱     | ۶۸      |
| ۱۵ | فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَلَهُنَّ أَجُورُهُنَّ               | النساء   | ۲۴      | ۵۸      |
| ۱۶ | يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ       | النساء   | ۹۴      | ۴۲ - ۵۴ |
| ۱۷ | يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ            | المائدة  | ۶       | ۴۴ - ۵۴ |
| ۱۸ | وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا                     | المائدة  | ۳۸      | ۷۳ - ۸۰ |
| ۱۹ | فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ                          | المائدة  | ۸۹      | ۵۸      |
| ۲۰ | إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ                     | المائدة  | ۱۱۲     | ۶۷      |
| ۲۱ | وَتَادَىٰ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رَجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ                 | الأعراف  | ۴۸      | ۴۱ - ۵۲ |
| ۲۲ | وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا                               | الأعراف  | ۵۷      | ۴۱ - ۵۳ |
| ۲۳ | يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ                  | التوبة   | ۳۲      | ۸۱      |
| ۲۴ | وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ                           | التوبة   | ۱۱۴     | ۴۲ - ۵۲ |

| م  | طرف آيت                                                         | سوره     | رقم آيت | صفحه    |
|----|-----------------------------------------------------------------|----------|---------|---------|
| ٢٥ | لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ                     | التوبة   | ١٢٨     | ٧٣ - ٧٩ |
| ٢٦ | هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ             | يونس     | ٢٢      | ٧٢ - ٧٦ |
| ٢٧ | وَأَمْرٌ أَنَّهُ قَائِمَةٌ                                      | هود      | ٧١      | ٥٨      |
| ٢٨ | حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْئَسَ الرُّسُلُ                             | يوسف     | ١١٠     | ٤٩      |
| ٢٩ | وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ                               | الرعد    | ٤٣      | ٤٤ - ٥٢ |
| ٣٠ | مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ                  | الحجر    | ٨       | ٤٣ - ٥٣ |
| ٣١ | إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ   | الحجر    | ٩       | ج       |
| ٣٢ | ادْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ                      | النحل    | ١٢٥     | ١٤      |
| ٣٣ | إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ          | الإسراء  | ٩       | ٣٠      |
| ٣٤ | أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرَفٍ                         | الإسراء  | ٩٣      | ٧٤ - ٨١ |
| ٣٥ | إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا                            | مريم     | ٢٦      | ٧٣ - ٨٠ |
| ٣٦ | قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ                                   | الأنبياء | ١١٢     | ٦٨      |
| ٣٧ | فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا | الفرقان  | ٥٢      | ١٣ - ١٤ |
| ٣٨ | وَجَادُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ                 | النمل    | ١٤      | ٧٩      |
| ٣٩ | وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ                  | النمل    | ١٩      | ب       |
| ٤٠ | أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُشْرَكُوا                               | العنكبوت | ٢ - ٣   | ٦٧      |
| ٤١ | وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا             | السجدة   | ٢٤      | ١٣      |
| ٤٢ | النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ          | الأحزاب  | ٦       | ٥٨      |
| ٤٣ | بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ                                     | الصافات  | ١٢      | ٦٧      |
| ٤٤ | إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا           | الفتح    | ٨ - ٩   | ٤٣ - ٥٣ |
| ٤٥ | إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ                            | القيامة  | ١٧ - ١٩ | ج       |
| ٤٦ | لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ           | البينة   | ١       | ٦١      |

## فهرس أحاديث نبوى

| م  | طرف حديث                                                                   | صفحه    |
|----|----------------------------------------------------------------------------|---------|
| ١  | لا يشكر الله من لا يشكر الناس                                              | ب       |
| ٢  | الحلال بين والحرام بين وبينهما مشتبهات                                     | ١٢ - ١٤ |
| ٣  | ادع لى زيدا                                                                | ٥٠      |
| ٤  | لا تكتبوا عنى ومن كتب عنى غير القرآن فليمحه                                | ٥٠      |
| ٥  | إن هذا القرآن أنزل على سبعة أحرف                                           | ٥١ - ٧٤ |
| ٦  | تعلموا القرآن من أربعة                                                     | ٥٧      |
| ٧  | والله لقد أخذت من فى رسول الله صلى الله عليه وسلم بضعا وسبعين سورة         | ٥٩      |
| ٨  | والله الذى لا إله غيره ما أنزلت سورة من كتاب الله إلا أنا أعلم أين نزلت... | ٥٩      |
| ٩  | من أحب أن يقرأ القرآن غضا كما أنزل...                                      | ٦٠      |
| ١٠ | جمع القرآن على عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم أربعة...                   | ٦٠      |
| ١١ | إن الله أمرنى أن أقرأ عليك                                                 | ٦١      |
| ١٢ | أرحم أمتى بأمتى أبو بكر                                                    | ٦١      |
| ١٣ | يا أبى، إني أقرئت القرآن فقل لى: على حرف، أو حرفين؟                        | ٧٦      |

## فهرس أعلام

| م  | أعلام                     | صفحه |
|----|---------------------------|------|
| ١  | ابن الجزرى                | ٣١   |
| ٢  | ابن القيم                 | ١١   |
| ٣  | ابن قتبية                 | ٤٨   |
| ٤  | ابن ماجه                  | ٦٠   |
| ٥  | أبو السرار الغنوى         | ٧٣   |
| ٦  | أبو العباس المهدوى        | ٦٢   |
| ٧  | أبو العلاء المعرى         | ٢٥   |
| ٨  | أبو القاسم أبو شامة       | ٦٢   |
| ٩  | أبو حاتم السجستانى        | ٣٧   |
| ١٠ | أبو حنيفة                 | ٣٥   |
| ١١ | أحمد بن حنبل              | ٣٨   |
| ١٢ | أحمد شوقى                 | ٢٥   |
| ١٣ | آرثر جيفرى                | ٥٤   |
| ١٤ | البخارى                   | ٥١   |
| ١٥ | الترمذى                   | ٦١   |
| ١٦ | الثورى                    | ١٦   |
| ١٧ | جرير بن عبد الحميد الرازى | ٣٥   |
| ١٨ | الدانى                    | ٣٣   |
| ١٩ | الذهبى                    | ١٦   |
| ٢٠ | الزرقانى                  | ٣١   |
| ٢١ | الزركشى                   | ٣٠   |
| ٢٢ | الزهرى                    | ٦٧   |
| ٢٣ | السيوطى                   | ٧٥   |
| ٢٤ | الشاطبى                   | ٣٢   |

| م  | أعلام                     | صفحه |
|----|---------------------------|------|
| ۲۵ | شقیق بن سلمة              | ۵۹   |
| ۲۶ | الشوکانی                  | ۳۱   |
| ۲۷ | الطبری                    | ۵۰   |
| ۲۸ | عبد الله بن المبارك       | ۷۳   |
| ۲۹ | قتادة البصری              | ۴۲   |
| ۳۰ | محمد بن الحسن الشیبانی    | ۳۶   |
| ۳۱ | محمد بن عبد الجبار الصوفی | ۲۵   |
| ۳۲ | مسلم بن الحجاج            | ۵۰   |
| ۳۳ | مکی بن أبی طالب           | ۶۲   |
| ۳۴ | المنأوی                   | ۱۲   |
| ۳۵ | نجیب العقیقی              | ۲۴   |
| ۳۶ | هارون الرشید              | ۳۵   |
| ۳۷ | یاقوت الحموی              | ۲۵   |

## فهرس منابع تحقيق

١. الإبانة الكبرى لابن بطة، أبو عبد الله عبيد الله بن محمد العكبري المعروف بابن بطة العكبري (ت: ٣٨٧هـ)، تحقيق: رضا معطى، وعثمان الأثيوبى، ويوسف الوابل، والوليد بن سيف النصر، وحمد التويجى، دار الراية - الرياض، عدد الأجزاء: ٩، حققه: رضا بن نعان معطى، ط٢، ١٤١٥هـ - ١٩٩٤م.
٢. إتحاف فضلاء البشر فى القراءات الأربعة عشر، أحمد بن محمد الدمياطى، شهاب الدين الشهير بالبناء (ت: ١١١٧هـ)، تحقيق: أنس مهرة، دار الكتب العلمية، بيروت- لبنان، ط٣، ١٤٢٧هـ - ٢٠٠٦م.
٣. الاتقان فى علوم القرآن، عبد الرحمن بن أبى بكر، جلال الدين السيوطى (ت: ٩١١هـ)، تحقيق: مركز الدراسات القرآنية، مجمع الملك فهد، السعودية، عدد الأجزاء: ٧ (٦+فهارس)، ط١، ١٤٢٦هـ .
٤. الأثر الاستشراقى فى موقف محمد أركون من القرآن الكريم، إعداد: د. محمد بن سعيد السرحانى، (لم يذكر فيه الطبعة وسنة النشر).
٥. أجنحة المكر الثلاثة وخوافيها (التبشير - الاستشراق - الاستعمار)، د. عبدالرحمن حبنكة الميدانى، دار القلم- دمشق، ١٤٠٥هـ - ١٩٨٥م.
٦. الأحرف السبعة والقراءات وما يثار حولها من شبهات، د. شعبان محمد إسماعيل، مطبوعات نادى مكة الثقافى الأدبى، ط١، ١٤٢٢هـ - ٢٠٠١م.
٧. الاختلاف بين القراءات، أحمد البيلى، دار الجيل، ١٤٠٨هـ - ١٩٨٨م .
٨. إرشاد الفحول إرشاد الفحول إلى تحقيق الحق من علم الأصول، محمد بن على الشوكانى، مطبعة مصطفى البابى الحلبي وأولاده بمصر، ط١، ١٣٥٦هـ - ١٩٣٧م.

٩. أساس البلاغة، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشري (ت: ٥٣٨هـ)، تحقيق: محمد باسل عيون السود، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، عدد الأجزاء: ٢، ط ١، ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م.
١٠. الاستشراق بين الموضوعية والافتعالية، السامرائي، قاسم أحمد عبد الرزاق، دار الرفاعي، ط ١، ١٤٠٣ هـ - ١٩٨٣ م.
١١. الاستشراق نشأته وتطوره وأهدافه، إسحاق بن موسى الحسني، طبعة الأمانة العامة لمجمع البحوث الإسلامية التدريبية لمبعوثي الأزهر، مطبعة الأزهر - القاهرة، ١٩٦٧ م.
١٢. الاستشراق والخلفية الفكرية للصراع الحضاري، د. محمد زقزوق، مؤسسة الرسالة، ط ٢، ١٤٠٥ هـ - ١٩٨٥ م.
١٣. الاستشراق والمستشرقون مالهم وما عليهم، د. مصطفى السباعي، المكتب الإسلامي، ط ٢، ١٣٩٩ هـ - ١٩٧٩ م.
١٤. الاضاءة في بيان اصول القراءة، نور الدين علي بن محمد بن حسن الملقب بالضباع (ت: ١٣٨٠ هـ)،
١٥. أضواء على الاستشراق، د. محمد بن عبد العزيز محمد عوض، جامعة الأزهر، كلية أصول الدين بالقاهرة.
١٦. الاعتصام، إبراهيم بن موسى بن محمد اللخمى، الشهير بالشاطبي (ت: ٧٩٠ هـ)، تحقيق: سليم بن عيد الهلالي، دار ابن عفان - السعودية، عدد الأجزاء: ٢ (في ترقيم مسلسل واحد)، ط ١، ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م.
١٧. الأعلام، خير الدين بن محمود بن محمد الزركلى الدمشقي (ت: ١٣٩٦ هـ)، دار العلم للملايين، ط ١٥، ٢٠٠٢ م.
١٨. افتراءات فيليب حتى وكارل برو كلمان على التاريخ الإسلامي، عبد الكريم على باز، طبعة تهامة - جدة، ط ١، ١٤٠٣ هـ - ١٩٨٣ م.

١٩. آراء المستشرقين حول القرآن الكريم وتفسيره، د. عمر بن إبراهيم رضوان، دار طيبة للنشر والتوزيع- الرياض، عدد الأجزاء: ٢، ط١، ١٤١٣ هـ - ١٩٩٢ م.
٢٠. آراء المستشرقين حول القرآن الكريم وتفسيره، د. عمر بن إبراهيم رضوان، دار طيبة، الرياض، عدد الأجزاء: ٢، ط١، ١٤١٣ هـ - ١٩٩٢ م.
٢١. البحر المحيط، أبو حيان الأندلسي، دار الفكر- بيروت، ط٢، ١٣٩٨ هـ - ١٩٨٧ م.
٢٢. البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوكاني (ت: ١٢٥٠ هـ)، دار المعرفة، بيروت، عدد الأجزاء: ٢.
٢٣. البرهان في علوم القرآن، أبو عبد الله بدر الدين محمد بن عبد الله الزركشي (ت: ٧٩٤ هـ)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، دار إحياء الكتب العربية عيسى البابي الحلبي وشركائه، (ثم صورته دار المعرفة، بيروت، لبنان - وبنفس ترقيم الصفحات)، عدد الأجزاء: ٤، ط١، ١٣٧٦ هـ - ١٩٥٧ م.
٢٤. بغية الوعاة في طبقات اللغويين والنحاة، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (ت: ٩١١ هـ)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، المكتبة العصرية - لبنان / صيدا، عدد الأجزاء: ٢.
٢٥. تاج العروس، محمد بن محمد الحسيني، أبو الفيض، الملقب بمرتضى، الزبيدي (ت: ١٢٠٥ هـ)، تحقيق: علي شيري، دار الفكر، عدد الأجزاء: ٢٠، ط٢، ١٤٢٤ هـ.
٢٦. التاج المكلل من جواهر مآثر الطراز الآخر والأول، أبو الطيب محمد صديق خان الحسيني البخاري القنوجي (ت: ١٣٠٧ هـ)، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، قطر، ط١، ١٤٢٨ هـ - ٢٠٠٧ م.

٢٧. تاريخ بغداد، أبو بكر أحمد بن علي الخطيب البغدادي (ت: ٤٦٣هـ)، تحقيق: د. بشار عواد معروف، دار الغرب الإسلامي، بيروت، عدد الأجزاء: ١٦، ط ١، ١٤٢٢هـ - ٢٠٠٢ م.

٢٨. تاريخ حركة الاستشراق "الدراسات العربية والإسلامية في أوروبا حتى بداية القرن العشرين"، عمر لطفى العالم، يوهان فوك، دار المدار الإسلامي، بيروت-لبنان، ط ٢، ٢٠٠١ م.

٢٩. التأصيل لدراسة كشف الشبهات في ضوء السنة وآثار السلف، د. محمد بخيت الحجيلي، مجلة البحث العلمي الإسلامي، طرابلس-لبنان، ١٤٤٢هـ - ٢٠٢٠ م.

٣٠. تأويل مشكل القرآن، أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينوري (ت: ٢٧٦هـ)، تحقيق: إبراهيم شمس الدين، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان.

٣١. تذكرة الحفاظ، شمس الدين أبو عبد الله محمد ابن قايماز الذهبي (ت: ٧٤٨هـ)، دار الكتب العلمية، بيروت-لبنان، عدد الأجزاء: ٤، ط ١، ١٤١٩هـ - ١٩٩٨ م.

٣٢. التعريف في اختلاف الرواة عن نافع، أبو عمرو عثمان بن سعيد الداني، دراسة وتحقيق: محمد بن الشريف السحابي، مدرسة ابن القاضي-سلا، ط ٢، ٢٠١٧ م.

٣٣. تفسير كابل، محمود حسن ديوبندي، ترجمه به دري، تحت نظر هيئت از علمای افغانستان، تهران، نشر احسان، ١٣٨٥هـ.ش.

٣٤. تفسير أحسن الكلام "باللغة الفارسية"، د. حسين تاجي گله داري، مكتبة دار السلام، الرياض، ط ١، ١٤٢٩هـ.

٣٥. التفسير البسيط، لأبي الحسن علي بن أحمد الواحدي النيسابوري (ت: ٤٦٨هـ)، ت: مجموعة من الباحثين في جامعة الإمام محمد بن سعود، عمادة البحث العلمي في جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، عدد الأجزاء: ٢٥، ط: ١، ١٤٣٠هـ.

٣٦. تفسير الطبري = جامع البيان عن تأويل آي القرآن، محمد بن جرير بن يزيد، أبو جعفر الطبري (ت: ٣١٠هـ)، تحقيق: الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي، بالتعاون مع مركز البحوث والدراسات الإسلامية بدار هجر، دار هجر، عدد الأجزاء: ٢٦ مجلد ٢٤ مجلد ومجلدان فهارس، ط: ١، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م.

٣٧. التفسير الوسيط للقرآن الكريم، مجموعة من العلماء بإشراف مجمع البحوث الإسلامية بالأزهر، الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية، عدد المجلدات: ١٠ مجلدات، ط: ١، (١٣٩٣ هـ = ١٩٧٣ م) - (١٤١٤ هـ = ١٩٩٣ م).

٣٨. تفسير يحيى بن سلام بن أبي ثعلبة التيمي البصري القيرواني (ت: ٢٠٠هـ)، ت: هند شلبي، دار الكتب العلمية، بيروت، عدد الأجزاء: ٢، ط: ١، ١٤٢٥ هـ، ٢٠٠٤ م.

٣٩. التوقيف على مهمات التعاريف، زين الدين محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن علي بن زين (ت: ١٠٣١ هـ)، تحقيق: د. محمد رضوان الدايدة، دار الفكر المعاصر - دار الفكر، بيروت - دمشق، ط: ١، ١٤١٠ هـ.

٤٠. تهذيب التهذيب، أبو الفضل أحمد بن علي ابن حجر العسقلاني (ت: ٨٥٢ هـ)، مطبعة دائرة المعارف النظامية، الهند، عدد الأجزاء: ١٢، ط: ١، ١٣٢٦ هـ.

٤١. تهذيب الكمال في أسماء الرجال، يوسف بن عبد الرحمن، أبو الحجاج، جمال الدين ابن الزكي أبي محمد القضاعي الكلبى المزى (ت: ٧٤٢ هـ)، تحقيق: د. بشار عواد معروف، مؤسسة الرسالة - بيروت، عدد الأجزاء: ٣٥، ط: ١، ١٤٠٠ هـ - ١٩٨٠ م.

٤٢. تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، عبدالرحمن بن ناصر بن عبدالله السعدى (ت: ١٣٧٦ هـ)، تحقيق: عبد الرحمن بن معلا اللويحق، مؤسسة الرسالة، ط: ١، ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م.

٤٣. التيسير في القراءات السبع، أبو عمرو عثمان بن سعيد الداني (ت: ٤٤٤هـ)، دراسة وتحقيق: د. خلف حمود سالم الشغدلي، قدم له وأشرف عليه: الشيخ على بن عبد الرحمن الحذيفي، والشيخ عبد الرافع بن رضوان بن علي الشرقاوي، دار الأندلس، حائل - المملكة العربية السعودية، ط ١، ١٤٣٦ هـ - ٢٠١٥ م.

٤٤. الثقات، محمد بن حبان بن أحمد التميمي، أبو حاتم الدارمي البُستي (ت: ٣٥٤هـ)، طبع بإعانة: وزارة المعارف للحكومة العالية الهندية، تحت مراقبة: د. محمد عبد المعيد خان مدير دائرة المعارف العثمانية، دائرة المعارف العثمانية بحيدر آباد، الدكن - الهند، عدد الأجزاء: ٩، ط ١، ١٣٩٣ هـ - ١٩٧٣ م.

٤٥. جامع العلوم والحكم في شرح خمسين حديثاً من جوامع الكلم، زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السلاوي (ت: ٧٩٥هـ)، تحقيق: شعيب الأرنؤوط - إبراهيم باجس، مؤسسة الرسالة - بيروت، عدد الأجزاء: ٢ (في مجلد واحد)، ط ٧، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م.

٤٦. الجامع الكبير (سنن الترمذي)، وفي آخره كتاب العلل، محمد بن عيسى بن سورة الترمذي، أبو عيسى (ت: ٢٧٩هـ)، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، وعبد اللطيف حرز الله، الرسالة العالمية، بيروت، ١٤٣٠ هـ - ٢٠٠٩ هـ.

٤٧. الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، أبو عبد الله: محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار الكتب المصرية، القاهرة، عدد الأجزاء: ٢٠ في ١٠ مجلدات، ط: ٢، ١٣٨٤ هـ، ١٩٦٤ م.

٤٨. الجرح والتعديل، أبو محمد عبد الرحمن بن محمد الرازي، ابن أبي حاتم (ت: ٣٢٧هـ)، طبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية، بحيدر آباد الدكن - الهند/ دار إحياء التراث العربي، بيروت، ط ١، ١٢٧١ هـ ١٩٥٢ م.

٤٩. جمال القراء وكمال الإقراء، علي بن محمد بن عبد الصمد الهمداني، أبو الحسن، علم الدين السخاوي (ت: ٦٤٣هـ)، تحقيق: د. مروان العطية، ود. محسن خرابة، دار المأمون للتراث، دمشق/ بيروت، ط ١، ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م.

٥٠. الجواهر المضية، محمد بن عبد الوهاب بن سليمان التميمي النجدي (ت: ١٢٠٦هـ)، دار العاصمة، الرياض، ط١، بمصر ١٣٤٩هـ، النشرة الثالثة، ١٤١٢هـ.

٥١. حجة القراءات، عبد الرحمن بن محمد، أبو زرعة ابن زنجلة (ت: حوالي ٤٠٣هـ)، حقق الكتاب وعلق على حواشيه: سعيد الأفغانى، دار الرسالة.

٥٢. الحجة فى القراءات السبع، الحسين بن أحمد بن خالويه، أبو عبد الله (ت: ٣٧٠هـ)، تحقيق: د. عبد العال سالم، دار الشروق، بيروت، ط٤، ١٤٠١هـ.

٥٣. حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، أبو نعيم أحمد بن عبد الله الأصبهاني (ت: ٤٣٠هـ)، السعادة - بجوار محافظة مصر، عدد الأجزاء: ١٠، ١٣٩٤هـ - ١٩٧٤م، ثم صورتها عدة دور منها (دار الكتاب العربى- بيروت/ دار الفكر- بيروت/ دار الكتب العلمية- بيروت (طبعة ١٤٠٩هـ بدون تحقيق).

٥٤. خلاصة الأثر فى أعيان القرن الحادى عشر، محمد أمين بن فضل الله الحموى الأصل (ت: ١١١١هـ)، دار صادر، بيروت، عدد الأجزاء: ٤.

٥٥. الدر المنثور فى التفسير بالمأثور، عبد الرحمن بن أبى بكر، جلال الدين السيوطى (ت: ٩١١هـ)، دار الفكر، بيروت، عدد الأجزاء: ٨.

٥٦. الدر النثير والعذب النмир «فى شرح مشكلات وحل مقفلات اشتمل عليها كتاب التيسير لأبى عمرو عثمان بن سعيد الدانى (ت: ٤٤٤هـ)، تأليف: عبد الواحد بن محمد ابن أبى السداد المالقى (ت: ٧٠٥هـ)، تحقيق ودراسة: أحمد عبد الله أحمد المقرئ، وأصل الكتاب: أطروحة دكتوراة للمحقق، دار الفنون للطباعة والنشر - جدة، عدد الأجزاء: ٤، عام ١٤١١هـ - ١٩٩٠م.

٥٧. درء تعارض العقل والنقل، تقى الدين أبو العباس ابن تيمية (ت: ٧٢٨هـ)، تحقيق: الدكتور محمد رشاد سالم، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية- المملكة العربية السعودية، عدد الأجزاء: ١٠، ط٢، ١٤١١هـ - ١٩٩١م.

٥٨. الدرر الكامنة فى أعيان المائة الثامنة، أبو الفضل أحمد بن على ابن حجر العسقلانى (ت: ٨٥٢هـ)، مراقبة / محمد عبد المعيد ضان، مجلس دائرة المعارف العثمانية، صيدر اباد/ الهند، عدد الأجزاء: ٦، ط ٢، ١٣٩٢هـ - ١٩٧٢م.

٥٩. الديباج المذهب فى مصطلح الحديث (مطبوع مع شرح منلا حنفى عليه)، يُنسب لعل بن محمد بن على الزين الشريف الجرجانى (ت: ٨١٦هـ)، مصحح بمعرفة لجنة: برئاسة الشيخ حسن الإنابى، مطبعة مصطفى البابى الحلبي وأولاده بمصر، ١٣٥٠ هـ - ١٩٣١ م.

٦٠. ذيل العبر، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد ابن قايماز الذهبى (ت: ٧٤٨هـ)، تحقيق: أبو هاجر محمد السعيد بن بسيونى زغلول، دار الكتب العلمية، بيروت، عدد الأجزاء: ٤ (١ - ٣: العبر، ٤: ذيل الذهبى على العبر ثم ذيل الحسينى عليه).

٦١. ذيل طبقات الحنابلة، زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب الحنبلى (ت: ٧٩٥هـ)، تحقيق: د. عبد الرحمن بن سليمان العثيمين، مكتبة العبيكان، الرياض، عدد الأجزاء: ٥، ط ١، ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٥ م.

٦٢. رحمة البارى ترجمة مختصر صحيح البخارى، عبد الرحيم فيروز، دار السلام للنشر والتوزيع، الرياض، عدد الأجزاء: ٢، ط: ١، ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م.

٦٣. زاد المعاد فى هدى خير العباد، محمد بن أبى بكر بن أيوب ابن قيم الجوزية (ت: ٧٥١هـ)، مؤسسة الرسالة- بيروت / مكتبة المنار الإسلامية- الكويت، عدد الأجزاء: ٥، ط ٢٧، ١٤١٥ هـ / ١٩٩٤ م.

٦٤. السبعة فى القراءات، أحمد بن موسى، أبو بكر بن مجاهد البغدادى (ت: ٣٢٤هـ)، تحقيق: شوقى ضيف، دار المعارف، مصر، ط ٢، ١٤٠٠ هـ.

٦٥. سنن أبي داود، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق الأزدي السجستاني (ت: ٢٧٥هـ)، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، ومحمد كامل قره بللي، دار الرسالة العالمية، عدد الأجزاء: ٧، ط ١، ١٤٣٠ هـ - ٢٠٠٩ م.

٦٦. السنن الكبرى، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب الخراساني النسائي (ت: ٣٠٣هـ)، حققه وخرج أحاديثه: حسن عبد المنعم شلبي، أشرف عليه: شعيب الأرنؤوط، قدم له: عبد الله بن عبد المحسن التركي، مؤسسة الرسالة، بيروت، عدد الأجزاء: (١٠ و ٢ فهارس)، ط ١، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠١ م.

٦٧. السنن الكبرى، أحمد بن الحسين الخسروجردي الخراساني، أبو بكر البيهقي (ت: ٤٥٨هـ)، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية، بيروت، ط ٣، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م.

٦٨. سير أعلام النبلاء، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد الذهبي (ت: ٧٤٨هـ)، تحقيق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة، عدد الأجزاء: ٢٥ (٢٣ ومجلدان فهارس)، ط ٣، ١٤٠٥ هـ - ١٩٨٥ م.

٦٩. شجرة النور الزكية في طبقات المالكية، محمد بن محمد بن عمر ابن سالم مخلوف (ت: ١٣٦٠هـ)، علق عليه: عبد المجيد خيالي، دار الكتب العلمية، لبنان، عدد الأجزاء: ٢، ط ١، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م.

٧٠. شذرات الذهب في أخبار من ذهب، عبد الحى بن أحمد ابن العماد العكري الحنبلي (ت: ١٠٨٩هـ)، تحقيق: محمود الأرنؤوط، خرج أحاديثه: عبد القادر الأرنؤوط، دار ابن كثير، دمشق - بيروت، عدد الأجزاء: ١١، ط ١، ١٤٠٦ هـ - ١٩٨٦ م.

٧١. شرح طيبة النشر في القراءات العشر، محمد بن محمد بن محمد، أبو القاسم، محب الدين النويري (ت: ٨٥٧هـ)، تقديم وتحقيق: الدكتور مجدى محمد سرور

سعد باسلوم، دار الكتب العلمية، بيروت، عدد الأجزاء: ٢، ط١، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م

٧٢. الشريعة، أبو بكر محمد بن الحسين الآجروني البغدادي (ت: ٣٦٠هـ)، تحقيق: د. عبد الله بن عمر بن سليمان الدميحي، دار الوطن - الرياض، عدد الأجزاء: ٥، ط٢، ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م.

٧٣. شمس العرب تسطع على الغرب. (أثر الحضارة العربية في أوروبا)، للمستشرق الألمانية زيعزید هونكه، ترجمة فاروق الجديدة وكمال دسوقي، ط٨، ١٤٠٦ هـ - ١٩٨٦ م.

٧٤. الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، إسماعيل بن حماد الجوهري، تحقيق: أحمد عطار، دار العلم للملايين، بيروت، ط٤، ١٩٨٧ م.

٧٥. صحيح البخاري، المسمى بـ "الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه"، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري (ت: ٢٥٦هـ)، اعتنى به: محمد زهير بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة (مصورة عن الطبعة السلطانية بإضافة ترقيم: فؤاد عبد الباقي)، بيروت- لبنان، ط١، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م.

٧٦. صحيح سنن ابن ماجه (سنن ابن ماجه)، ضعيف سنن ابن ماجه (سنن ابن ماجه)، ابن ماجه؛ محمد بن يزيد الربيعي القزويني، تحقيق: محمد ناصر الدين الألباني، مكتبة المعارف، عدد الأجزاء: ٤، ط١، ١٤١٧ - ١٩٩٧ م.

٧٧. صحيح مسلم، المسمى بـ "المسند الصحيح المختصر من السنن بنقل العدل عن العدل عن رسول الله صلى الله عليه وسلم"، أبو الحسين مسلم بن الحجاج النيسابوري (ت: ٢٦١هـ)، اعتنى به: محمد زهير بن ناصر الناصر، دار المنهاج، جدة/ دار طوق النجاة، بيروت، ط١، ١٤٣٣ هـ - ٢٠١٣ م.

٧٨. الصواعق المرسلة في الرد على الجهمية والمعتلة، محمد بن أبي بكر بن أيوب، المعروف بـ: ابن قيم الجوزية (ت: ٧٥١هـ)، دار العاصمة، الرياض، عدد الأجزاء: ٤، ط: ١، ١٤٠٨هـ.

٧٩. الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، شمس الدين أبو الخير محمد بن عبد الرحمن بن محمد السخاوي (ت: ٩٠٢هـ)، منشورات دار مكتبة الحياة، بيروت، عدد الأجزاء: ٦.

٨٠. طبقات الحفاظ، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (ت: ٩١١هـ)، دار الكتب العلمية، بيروت، ط: ١، ١٤٠٣هـ.

٨١. طبقات الشافعية الكبرى، تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين السبكي (ت: ٧٧١هـ)، تحقيق: د. محمود محمد الطناحي، و د. عبد الفتاح محمد الحلو، دار هجر، عدد الأجزاء: ١٠، ط: ٢، ١٤١٣هـ.

٨٢. طبقات الفقهاء الشافعية، عثمان بن عبد الرحمن، تقي الدين المعروف بابن الصلاح (ت: ٦٤٣هـ)، تحقيق: محيى الدين على نجيب، دار البشائر الإسلامية، بيروت، عدد الأجزاء: ٢، ط: ١، ١٩٩٢م.

٨٣. طبقات الفقهاء، أبو اسحاق إبراهيم بن علي الشيرازي (ت: ٤٧٦هـ)، تحقيق: إحسان عباس، هذبة: محمد بن مكرم ابن منظور (ت: ٧١١هـ)، دار الرائد العربي، بيروت، ط: ١، ١٩٧٠م.

٨٤. طبقات المفسرين، أحمد بن محمد الأذهوي من علماء القرن الحادي عشر، تحقيق: سليمان بن صالح الخزي، مكتبة العلوم والحكم - السعودية، ط: ١، ١٤١٧هـ - ١٩٩٧م.

٨٥. طبقات النحويين واللغويين (سلسلة ذخائر العرب ٥٠)، محمد بن الحسن بن عبيد الله بن مذحج الزبيدي الأندلسي الإشبيلي، أبو بكر (ت: ٣٧٩هـ)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، دار المعارف، ط: ٢.

٨٦. طريق الوصول إلى العلم المأمول بمعرفة القواعد المتنوعة والضوابط والأصول، عبد الرحمن بن ناصر السعدى (ت ١٣٧٦هـ)، ت: شاهر سيد، عدد الأجزاء: ١، ط ١، ١٤١٩هـ.

٨٧. العبر في خبر من غبر، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن قايماز الذهبي (ت: ٧٤٨هـ)، تحقيق: أبو هاجر محمد السعيد بن بسيوني زغلول، عدد الأجزاء: ٤، دار الكتب العلمية - بيروت.

٨٨. علم القراءات، "نشأته، أطواره، أثره في العلوم الشرعية"، د. نبيل بن محمد إبراهيم آل إسماعيل، تقديم: عبد العزيز بن عبد الله آل الشيخ، مكتبة التوبة، الرياض، ط ١، ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م.

٨٩. غاية النهاية في طبقات القراء، شمس الدين ابن الجزرى، محمد بن محمد بن محمد بن يوسف، (ت: ٨٣٣هـ)، مكتبة ابن تيمية، ٣ج، عنى بنشره لأول مرة عام ١٣٥١هـ ج. برجستراسر.

٩٠. فتح القدير، محمد بن على بن محمد الشوكانى (ت ١٢٥٠هـ)، دار ابن كثير، دار الكلم الطيب، دمشق وبيروت، عدد الأجزاء: ٦. ط: ١، ١٤١٤هـ.

٩١. الفصحى لغة القرآن الكريم، د. أنور الجندى، دار الكتب اللبنانى- بيروت، ١٤٠٢هـ - ١٩٨٢م.

٩٢. فلسفة الاستشراق وأثرها فى الأدب العربى، د. أحمد سمايلوفتش، دار الفكر العربى- القاهرة، ١٩٩٨م.

٩٣. القاموس المحيط، مجد الدين أبو طاهر محمد الفيروزآبادى (ت: ٨١٧هـ)، تحقيق: مكتب تحقيق التراث فى مؤسسة الرسالة، بإشراف: محمد نعيم العرقسوسى، مؤسسة الرسالة، بيروت، ط ٨، ١٤٢٦هـ - ٢٠٠٥م.

٩٤. القراءات القرآنية والتواتر، عبد الحليم قابدة، رسالة أعدت لنيل درجة الدكتوراه فى تخصص اللغة والدراسات القرآنية، من جامعة الجزائر، ١٤٢٨هـ - ٢٠٠٧م.

٩٥. القراءات في نظر المستشرقين والملحدین، عبد الفتاح عبد الغنى القاضى، دار مصر للطباعة.

٩٦. القرآن "نزوله، تدوينه، ترجمته وتأثيره"، بلاشير، نقله إلى العربية: رضا سعادة، أشرف على الترجمة: د. فريد جبر، حققه وراجعه: محمد على الزعبي، دار الكتب، لبنان، ط ١، ١٩٧٤م.

٩٧. الكشف عن حقائق غوامض التنزيل وعيون الأقاويل في وجوه التأويل، محمود بن عمر بن أحمد الزمخشري (ت: ٥٣٨هـ)، ت: مصطفى حسين أحمد، دار الريان للتراث بالقاهرة، دار الكتاب العربى ببيروت، عدد الأجزاء: ٤، ط: ٣، ١٤٠٧هـ - ١٩٨٧م.

٩٨. الكافية في الجدل، للجويني إمام الحرمين، تقديم وتحقيق وتعليق: د. فوقية حسين محمود، مطبعة عيسى البابي الحلبي وشركاؤه، القاهرة، ١٣٩٩هـ - ١٩٧٩م.

٩٩. الكامل في ضعفاء الرجال، أبو أحمد، ابن عدى الجرجاني، ت: عادل أحمد عبد الموجود، على محمد معوض، دار الكتب العلمية، بيروت، عدد الأجزاء: ١، ط: ١، ١٤١٨هـ - ١٩٩٧م.

١٠٠. كتاب الجامع المؤلف: معمر بن راشد الأزدي، رواية: عبد الرزاق الصنعاني، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، المجلس العلمي- الهند، توزيع المكتب الإسلامي، بيروت، عدد الأجزاء: ٢ [الأجزاء ١٠، ١١ من المصنف لعبد الرزاق]، ط ٢، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

١٠١. كتاب العين، أبو عبد الرحمن الخليل بن أحمد بن عمرو الفراهيدي (ت: ١٧٠هـ)، تحقيق: د. مهدي المخزومي، و د. إبراهيم السامرائي، دار ومكتبة الهلال، عدد الأجزاء: ٨.

١٠٢. كتاب الفيصل في علم الحديث، أو الفيصل في مشتببه النسبة، أبو بكر محمد ابن موسى الحازمي الهمداني (ت: ٥٨٤هـ)، تحقيق: سعود بن عبد الله بن بردى

- المطيري الديحاني، مكتبة الرشد - سلسلة الرشد للرسائل الجامعية (١٩٢)، عدد الأجزاء: ٢، ط١، ١٤٢٨ هـ - ٢٠٠٧ م.
١٠٣. كتاب المصاحف، عبد الله بن أبي داود سليمان السجستاني (ت: ٣١٦هـ)، صححه ووقف على طبعه: د. آثر جفري، مطبعة الرحمانية، مصر، ط١، ١٣٥٥ هـ - ١٩٣٦ م.
١٠٤. كتاب فيه ما جاء في البدع، محمد بن وضاح القرطبي (ت: ٢٨٧هـ)، تحقيق: بدر بن عبد الله البدر، دار الصميعي - الرياض، ط١، ١٤١٦ هـ - ١٩٩٦ م.
١٠٥. كشف الظنون عن أسامي الكتب والفنون، مصطفى بن عبد الله القسطنطيني الرومي الحنفي (ت: ١٠٦٧هـ)، دار الكتب العلمية، بيروت، عدد الأجزاء: ٦، ١٤١٣ هـ - ١٩٩٢ م.
١٠٦. كشف القناع عن تواتر الطرق العشر النافعية في المغرب، ورد ما رميت به من شذوذ أو انقطاع، د. عبد الهادي بن عبد الله حميتو، ط١، دار الأمان، المغرب، ٢٠٢١ م.
١٠٧. الكواكب السائرة بأعيان المئة العاشرة، نجم الدين محمد بن محمد الغزي (ت: ١٠٦١هـ)، تحقيق: خليل المنصور، دار الكتب العلمية، بيروت، عدد الأجزاء: ٣، ط١، ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م.
١٠٨. لسان العرب، محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الأنصاري الرويفعي الإفريقي (ت: ٧١١ هـ)، تحقيق: عبد الله على الكبير + محمد أحمد حسب الله + هاشم محمد الشاذلي، دار المعارف، القاهرة، عدد الأجزاء: ٦.
١٠٩. مباحث في علم القراءات مع بيان أصول رواية حفص، محمد عباس الباز، دار الكلمة، القاهرة، ط١، ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٤ م.

١١٠. مختار الصحاح، زين الدين أبو عبد الله محمد بن أبي بكر الرازي (ت: ٦٦٦هـ)، تحقيق: يوسف الشيخ محمد، المكتبة العصرية - الدار النموذجية، بيروت - صيدا، ط٥، ١٤٢٠هـ - ١٩٩٩م.

١١١. مدارج السالكين بين منازل إياك نعبد وإياك نستعين، أبو عبد الله محمد بن أبي بكر، ابن قيم الجوزية (ت: ٧٥١هـ)، تحقيق: محمد حامد الفقى، دار الكتاب العربى، بيروت، عدد الأجزاء: ٣، ط٢، ١٣٩٣ - ١٩٧٣م.

١١٢. مذاهب التفسير الإسلامى، إجنس جولد تسيهر، ترجمة: د. عبد الحليم النجار، مكتبة الخانجى، مصر، ١٣٧٤هـ.

١١٣. المستشرقون، نجيب العقيقى، دار المعارف، القاهرة، ط٤، ١٩٦٤م.

١١٤. مسند الإمام أحمد بن حنبل، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل الشيبانى (ت: ٢٤١هـ)، تحقيق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، إشراف: عبد الله بن عبد المحسن التركى، مؤسسة الرسالة، ط١، ١٤٢١هـ - ٢٠٠١م.

١١٥. مسند الدارمى، المعروف بـ "سنن الدارمى"، أبو محمد عبد الله بن عبد الرحمن الدارمى (ت: ٢٥٥هـ)، تحقيق: حسين سليم أسد الدارانى، دار المغنى- الرياض، ط١، ١٤١٢هـ - ٢٠٠٠م.

١١٦. المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير، أحمد بن محمد بن على الفيومى (ت: نحو ٧٧٠هـ)، المكتبة العلمية، بيروت، عدد الأجزاء: ٢ (متسلسلة الترقيم).

١١٧. المصنف فى الأحاديث والآثار، أبو بكر بن أبى شيبه، عبد الله بن محمد ابن خواستى العيسى (ت: ٢٣٥هـ)، تحقيق: كمال يوسف الحوت، مكتبة الرشد، الرياض، عدد الأجزاء: ٧، ط١، ١٤٠٩هـ.

١١٨. المصنف، أبو بكر عبد الرزاق بن همام الحميرى اليمانى الصنعانى (ت: ٢١١هـ)، تحقيق: مركز البحوث بدار التأصيل، دار التأصيل، القاهرة، عدد الأجزاء: ١٠ - الجزء الأخير فهارس، ط١، ١٤٣٦هـ - ٢٠١٥م.

١١٩. معالم التنزيل في تفسير القرآن = تفسير البغوى، أبو محمد الحسين بن مسعود البغوى الشافعى (ت: ٥١٠هـ)، ت: عبد الرزاق المهدى، دار إحياء التراث العربى، بيروت، عدد الأجزاء: ٥، ط: ١، ١٤٢٠هـ.

١٢٠. المعجم الكبير، سليمان بن أحمد بن أيوب، أبو القاسم الطبرانى (ت: ٣٦٠هـ)، تحقيق: حمدى بن عبد المجيد السلفى، مكتبة ابن تيمية، القاهرة، عدد الأجزاء: ٢٥، ط ٢، ويشمل القطعة التى نشرها لاحقا المحقق الشيخ حمدى السلفى من المجلد ١٣ (دار الصميعى، الرياض/ ط ١، ١٤١٥ هـ - ١٩٩٤ م).

١٢١. المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الكريم، محمد فؤاد عبد الباقي، دار الكتب المصرية، ١٣٦٤م.

١٢٢. معجم المؤلفين، عمر رضا كحالة، مكتبة المثنى، بيروت/ دار إحياء التراث العربى بيروت، عدد الأجزاء: ١٥.

١٢٣. المعجم الوسيط، نخبة من اللغويين بمجمع اللغة العربية بالقاهرة، مجمع اللغة العربية بالقاهرة، ط ٢، [كُتِبَتْ مقدمتها ١٣٩٢ هـ = ١٩٧٢ م]، وصَوَّرَها: دار الدعوة بإستانبول، ودار الفكر ببيروت، وغيرهما كثير.

١٢٤. معجم مصطلح الأصول (تعريفات لغوية - شروحات لكتب الأصول - نبذات تاريخية)، هيثم هلال، مراجعة وتوثيق: د. محمد ألتونجى، دار الجيل، بيروت، ط ١، ٢٠٠٣ م - ١٤٢٤ هـ.

١٢٥. معجم مقاييس اللغة، أحمد بن فارس بن زكرياء القزوينى الرازى، أبو الحسين (ت: ٣٩٥هـ)، تحقيق: عبد السلام محمد هارون، دار الفكر، عدد الأجزاء: ٦، ١٣٩٩هـ - ١٩٧٩م.

١٢٦. معرفة القراء الكبار على الطبقات والأعصار، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد الذهبى (ت: ٧٤٨هـ)، دار الكتب العلمية، ط ١، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧م.

١٢٧. المعيار المغرب والجامع المغرب عن فتاوى علماء إفريقية والأندلس والمغرب، أحمد بن يحيى الونشريسي، تحقيق: جماعة من العلماء، بإشراف: محمد حجي، دار الغرب الإسلامي، ١٩٩٠م.

١٢٨. مفتاح دار السعادة ومنشور ولاية العلم والإرادة، محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية (ت: ٧٥١هـ)، دار الكتب العلمية، بيروت.

١٢٩. مفتريات وأخطاء دائرة المعارف الإسلامية "الاستشراقية"، إعداد: أ.د. خالد بن عبد الله القاسم، دار الصميعي، الرياض، عدد الأجزاء: ٢، ط ١، ١٤٣١هـ - ٢٠١٠م.

١٣٠. المفردات في غريب القرآن، أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالراغب الأصفهاني (ت: ٥٠٢هـ)، تحقيق: محمد سيد كيلاني، دار المعرفة، لبنان.

١٣١. مفهوم مصطلح المستشرق والتعريف ببعض المستشرقين وأقوالهم، وموقف المستشرقين تجاه الفكر الإسلامي، تأليف: أ. خلف بن حسن الحقباني، ١٤٤٢هـ.

١٣٢. المقصد الأرشد في ذكر أصحاب الإمام أحمد، إبراهيم بن محمد بن عبد الله ابن مفلح (ت: ٨٨٤هـ)، تحقيق: د. عبد الرحمن بن سليمان العثيمين، مكتبة الرشد، الرياض، عدد الأجزاء: ٣، ط ١، ١٤١٠هـ - ١٩٩٠م.

١٣٣. مناهل العرفان في علوم القرآن، محمد بن عبد العظيم الزرقاني، تحقيق: بديع اللحام، دار قتيبة، ط ٢، ١٤٢٢هـ - ٢٠٠١م.

١٣٤. منجد المقرئين، محمد بن محمد بن محمد بن علي بن يوسف، الشهير بابن الجزري، دار الكتب العلمية- بيروت، ط ١، ١٩٩٩م.

١٣٥. منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة القدرية، تقى الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم ابن تيمية الحراني (ت: ٧٢٨هـ)، تحقيق: محمد رشاد سالم، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، الرياض، عدد الأجزاء: ٩، ط ١، ١٤٠٦هـ - ١٩٨٦م.

١٣٦. موسوعة المستشرقين، د. عبد الرحمن بدوي، دار العلم للملايين، بيروت، ١٩٩٣م.

١٣٧. الموسوعة الميسرة في الأديان والمذاهب والأحزاب المعاصرة، الندوة العالمية للشباب الإسلامي، إشراف وتخطيط ومراجعة: د. مانع بن حماد الجهني، دار الندوة العالمية للطباعة والنشر، عدد الأجزاء: ٢، ط ٤، ١٤٢٠ هـ.

١٣٨. موقف المستشرق سيديو من السيرة النبوية "دراسة نقدية من خلال كتابه: تاريخ العرب العام"، سلطان بن عمر الحصين، بحث مكمل لنيل درجة الماجستير من جامعة الإمام محمد بن سعود، بكلية الدعوة، إشراف: د. حامد أبو سعيد، ١٤١٣ هـ.

١٣٩. ميزان الاعتدال في نقد الرجال، محمد بن أحمد بن عثمان الذهبي (ت: ٧٤٨ هـ)، تحقيق: علي محمد البجاوي، دار المعرفة، بيروت - لبنان، عدد الأجزاء: ٤، ط ١، ١٣٨٢ هـ - ١٩٦٣ م.

١٤٠. النجوم الزاهرة في ملوك مصر والقاهرة، يوسف بن تغري بردي بن عبدالله الظاهري الحنفى (ت: ٨٧٤ هـ)، وزارة الثقافة والإرشاد القومي، دار الكتب، مصر، عدد الأجزاء: ١٦.

١٤١. نشأة الاستشراق، "مراحل وانگیزه های المستشرقين"، أحمد بن عبد العزيز الحصين، مكتبة الإيمان، ط ١، ١٤٣٢ هـ - ٢٠١١ م.

١٤٢. النشر في القراءات العشر، شمس الدين أبو الخير ابن الجزري، محمد بن محمد (ت: ٨٣٣ هـ)، تحقيق: علي محمد الضباع، المطبعة التجارية الكبرى [تصوير دار الكتاب العلمية]، عدد الأجزاء: ٢.

١٤٣. نيل الوطر من تراجم رجال اليمن في القرن الثالث عشر الهجري، جمعه: محمد بن محمد بن يحيى زبارة الصنعاني، مركز الدراسات والأبحاث اليمنية، وقفية الأمير غازي للفكر القرآني، عدد الأجزاء: ٢.

١٤٤. الوافي بالوفيات، صلاح الدين خليل بن أبيك بن عبد الله الصفي  
(ت: ٧٦٤هـ)، تحقيق: أحمد الأرناؤوط، وتركي مصطفى، دار إحياء التراث،  
بيروت، عدد الأجزاء: ٢٩، ١٤٢٠هـ - ٢٠٠٠م.

١٤٥. وحى الله تعالى: حقائقه وخصائصه فى الكتاب والسنة ونقض مزاعم  
المستشرقين، د. حسن ضياء الدين، ١٤٠٤هـ - ١٩٨٤م.

١٤٦. وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، أبو العباس أحمد بن محمد ابن خلكان  
البرمكى الإربلى (ت: ٦٨١هـ)، تحقيق: إحسان عباس، دار صادر، بيروت،  
عدد الأجزاء: ٧، (الجزء: ١ - ط ٠، ١٩٠٠، الجزء: ٢ - ط ٠، ١٩٠٠،  
الجزء: ٣ - ط ٠، ١٩٠٠، الجزء: ٤ - ط ١، ١٩٧١، الجزء: ٥ - ط ١،  
١٩٩٤، الجزء: ٦ - ط ٠، ١٩٠٠، الجزء: ٧ - ط ١، ١٩٩٤).

١٤٧. الهادى شرح طيبة النشر فى القراءات العشر، محمد محمد محمد سالم  
محيسن (ت: ١٤٢٢هـ)، دار الجيل، بيروت، عدد الأجزاء: ٣، ط ١، ١٤١٧هـ -  
١٩٩٧م.

## **Summary of the Research**

My research topic is Orientalists' Suspicions about readings of the Holy Qur'an and the Response to them.

Although God Almighty mentioned in His Book a verse that clearly indicates that He was responsible for preserving His words, Allah says: (Indeed, it is We who sent down the message [i.e., the Qur'ān], and indeed, We will be its guardian.

Not only did he Save the Holy Qur'an, but he also took care of its collection and clarification, Allah says: (Indeed, upon Us is its collection [in your heart] and [to make possible] its recitation\*So when We have recited it [through Gabriel], then follow its recitation\*Then upon Us is its clarification [to you])

However, some people who have a disease in their hearts do not comprehend or understand that if God Almighty pledged to preserve it, its collection, and its statement, it will be preserved. Therefore, they have made tremendous efforts to prove that there are deficiencies and defects in the Holy Qur'an - and it is impossible - and if they cannot prove that, then at least they are working to introduce doubt and suspicion into the Muslim faith.

Therefore, I wrote this research to collect some of these suspicions and provide convincing responses that remove and erase them.

This investigation includes an introduction and two chapters. The introduction contains the importance and necessity of the research, its objectives, the efforts of predecessors about this topic,

the questions raised about the research, my methodology in the research, and the research plan.

The first chapter contains an introduction to the vocabulary of the research title, along with a brief overview of each term. It contains the following:

Definition of suspicions, the importance of uncovering them, the ruling on uncovering them, who issues them, mentioning the controls for researching them, defining the orientalists, mentioning their motives, goals, effects of their actions, mentioning some of the orientalists, defining the readings, mentioning the types of readings recited in the Islamic world, introducing the famous imams of the readings.

The second chapter mentions the reason for the differences in readings of the Holy Qur'an in the eyes of Orientalists, and it is limited to four matters:

- ١ -The nature of Arabic calligraphy in terms of dots and formation.
- ٢ - Adding words and phrases to the Qur'anic text for interpretation and clarification.
- ٣ -Changing the Qur'anic text to exalt God or His prophets from what does not befit their high status.
- ٤ -Freedom, expansion, and allowing people to read the Holy Qur'an according to their opinions and diligence.

These suspicions will then be answered in a sufficient, comprehensive, complete, and convincing manner.

In the conclusion, the results, recommendations, and research indexes are mentioned.



Salam University

Faculty of Sharia and Law

Master Program In Tafseer & Hadith



Islamic Emirate of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Academic Affairs

# **Orientalists' suspicions about the Holy Qur'an and responding to them**

(A Master's Thesis)

Students: Abdulsattar Ghaznawi

Supervisor: Dr Fasihullah Abdulbaqi

Year: **2024**



Salam University

Faculty of Sharia and Law

Master Program In Tafseer & Hadith



Islamic Emirate of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM of Aademic Affairs

# **Orientalists' suspicions about the Holy Qur'an and responding to them**

(A Master's Thesis)

Students: Abdulsattar Ghaznawi

Supervisor: Dr Fasihullah Abdulbaqi

Year: 2024